



مرکز تحلیل داده شریف



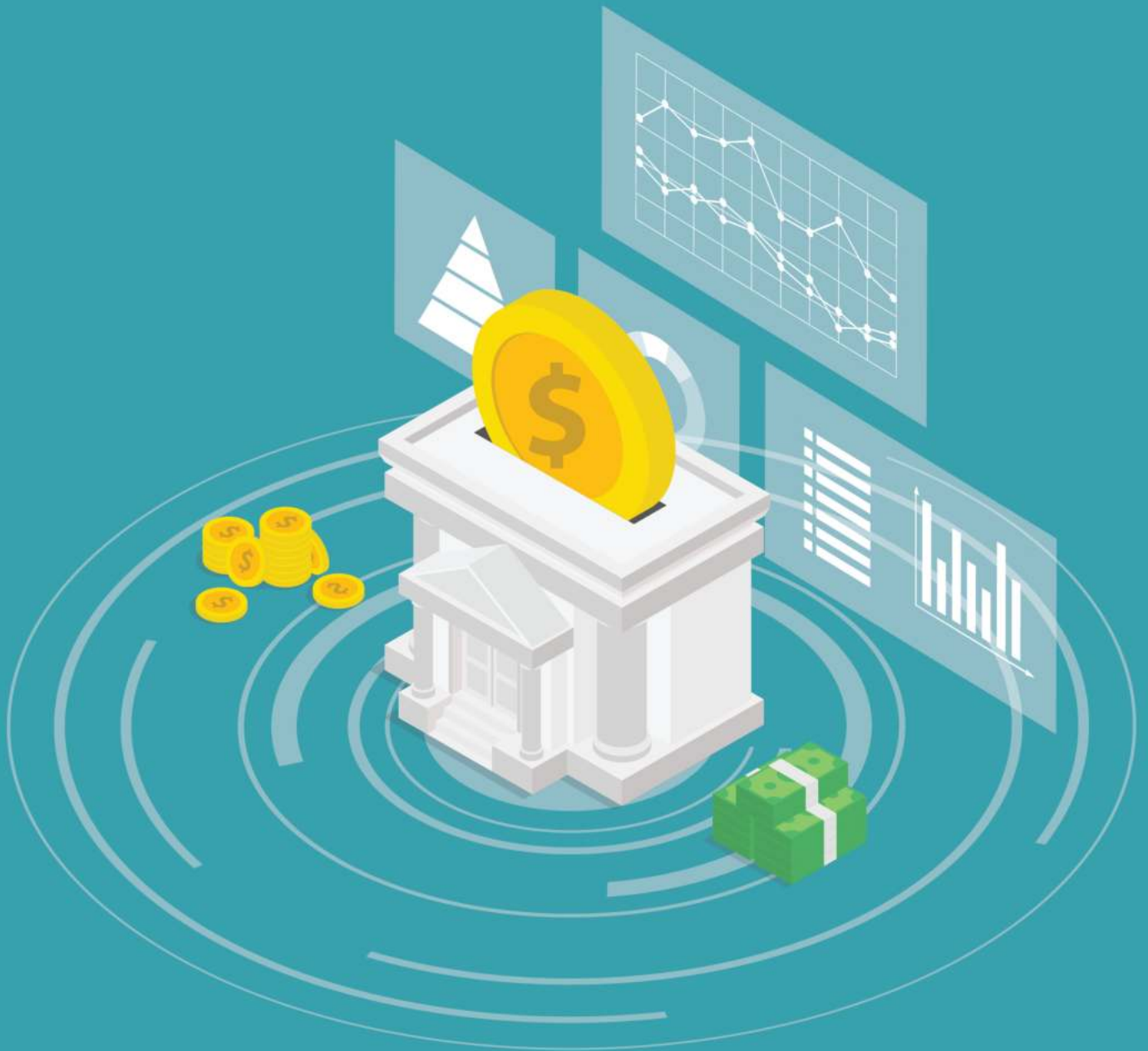
پژوهشکده مطالعات
اقتصادی و صنعتی شریف



مرکز پژوهش های آفاق ایران

تحلیل وضعیت بازار پول و اعتبار

گزارش ادواری



تابستان ۱۴۰۳

شناسنامه گزارش



مرکز تحلیل داده شریف



پژوهشکده مطالعات
اقتصادی و صنعتی شریف



مرکز پژوهش‌های نوین ایران

عنوان گزارش:

تحلیل وضعیت بازار پول و اعتبار

شورای پژوهشی اتاق ایران

تدوین‌کنندگان: امینه محمودزاده، لیلا رشوادی (مرکز تحلیل داده شریف)

درخواست‌کننده: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

ناظر علمی: احمدرضا جلالی نایینی

تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۳

واژه‌های کلیدی: کل‌های پولی، بانک مرکزی، تورم، ترازنامه بانک، شبکه بانکی، تامین مالی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

پیش درآمد

کسب و کارها برای تولید نهاده می‌خواهند و نهاده اثرگذار عصر ما «داده» است. اطلاعات پراکنده‌ای که از قسمت‌های مختلف به شرکت‌ها می‌رسد برای اثرگذار بودن لازم است به صورت منظم رصد و پالایش شود و در قالب مناسبی به گزاره‌های روشن برسد تا به نهاده مناسبی برای تصمیم‌گیری تبدیل شود. در دوره‌ای که اولین و دومین مانع کسب و کار از سمت فعالان اقتصادی به ترتیب «غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» و «دشواری تامین مالی از بانک‌ها» شناخته می‌شود، درک مناسبات اقتصاد کلان به ویژه در حوزه پول و اعتبار عامل مهمی برای انتخاب میان گزینه‌های مختلف خواهد بود.

بخش اسمی اقتصاد ایران، به‌رغم سکون بخش حقیقی، تغییرات سریع و پرنوسانی را تجربه می‌کند. به یمن سیاست‌گذاری انجام شده روی کل‌های پولی، هم‌حرکتی معمول بین آن‌ها از بین رفته و این موضوع اقتصاد ایران را با سوالاتی جدی در مورد پایداری سیاست اتخاذ شده قرار داده است. ترکیب اجزای کل‌های پولی نیز همچنان در حال تغییر است و شاخص‌های پولی کشور را به سمت سیالیت بیشتر می‌برد. تحولات آتی تورم و میزان موفقیت نسبی بانک مرکزی در دستیابی به ثبات قیمتی، مهم‌ترین سوالاتی است که در این حیطه وجود دارد.

عملکرد شبکه بانکی کشور نیز در حوزه‌های فراگیری و ثبات مالی نیازمند رصد و تحلیل مستمر است. شاخص‌های فراگیری مالی در سطوح خرد و کلان علامت‌های متناقضی می‌دهند. از یک سو، شرکت‌ها از دشوارتر شدن تامین مالی از بانک‌ها می‌گویند و از سمت دیگر نسبت تسهیلات به سپرده به محدوده آستانه امن رسیده است. شاخص‌های ثبات مالی نیز هم‌جهت حرکت نمی‌کنند و به نظر می‌رسد ناهمگنی زیادی میان بانک‌های فعال ایجاد شده است.

مرکز تحلیل داده ذیل پژوهش‌کنده مطالعات اقتصادی و صنعتی شریف با هدف توسعه فرآیند «تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد» طراحی این گزارش را بر عهده گرفت. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به‌عنوان نماینده بخش خصوصی در گفتگو با حاکمیت، پشتیبان مالی انجام این تحقیق بوده است. از



جناب آقای دکتر محمد قاسمی، رئیس محترم مرکز پژوهش‌های اتاق ایران و سرکار خانم دکتر منیره امیرخانلو معاون محترم پژوهشی این مرکز، بابت طرح و پیگیری موضوع سپاس گزارم

پژوهش حاضر تلاشی است برای تحلیل ادواری وضعیت بازار پول و اعتبار. نسخه دوم این گزارش که بر تحولات مهم بازه زمانی ۳ سال گذشته در بازار پول و اعتبار متمرکز شده، با هدف به اشتراک گذاری چارچوب رصدهای آتی و گرفتن بازخورد روی این چارچوب تدوین شده است

گزارش از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول با مقدمه‌ای موجز از شرایط اقتصاد کلان کشور آغاز می‌شود و اهمیت تحلیل بخش پولی و مالی را در این چارچوب طرح می‌کند. سپس تحلیل تحولات پولی در قالب بررسی کل‌های پولی، سیاست‌های پولی و چشم‌انداز بخش پولی بررسی می‌شوند، بخش دوم فراگیری و ثبات مالی شبکه بانکی کشور را پوشش می‌دهد. علاوه بر مطالبی که در پیشنهادیه تهیه گزارش ارائه شده بود، این گزارش به یک پرونده ویژه هم پرداخته است، با این هدف که پاسخ به یک سوال مشخص را با استفاده از داده‌ها تبیین کند.

تلاش شده از همه اطلاعاتی که به صورت عمومی در مورد بازارهای پول و اعتبار کشور در دسترس است استفاده شود، بنابراین اطلاعات منتشره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، موسسه عالی بانکداری، بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بخش‌های مرتبط از داده‌های مرکز آمار ایران جمع‌آوری و تحلیل شدند. تلاش شده تمرکز در متاخرترین اتفاقات از سال ۱۴۰۱ به بعد باشد، با این حال، هر جا که لازم بود روایت از سال‌های گذشته شروع شده تا تصویر قابل درکی از آنچه که در حال تحقق است ارائه شود.

بخش اصلی کار را سرکار خانم لیلا رشنوادی پیش بردند. تسلط ایشان به داده‌ها، پشتکار و توان ایشان در مراحل انجام کار بسیار اثرگذار بوده است، از ایشان بابت وقتی که صرف کردند صمیمانه تشکر می‌کنم. داده‌های بانک‌های فهرست‌شده توسط جناب آقای محمد امین اخوت علویان در مرکز تحلیل داده جمع‌آوری شد و در اختیار گروه تحقیق گرفت که از ایشان بابت همراهی‌شان تشکر می‌شود.

امید است یافته‌های این مطالعه بتواند فرآیندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را تسهیل و امکان اجماع روی انتخاب‌های نهایی را فراهم کند.

امینه محمودزاده

تیر ۱۴۰۳

خلاصه مدیریتی

تحولات بخش پولی

- به‌رغم استمرار ناترازی بانکی و بودجه‌ای، رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۲ کاهشی بوده است: نرخ رشد پایه پولی در اسفند ۱۴۰۲ رقم ۲۸.۱ درصد را ثبت کرد که نسبت به پایان سال قبل ۱۴.۳ واحد درصد کم شده است. با این حال، استمرار ناترازی بانکی و بودجه‌ای سبب شد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۲ (آخرین رقم منتشره در تیر ۱۴۰۳) معادل ۶۸۲ هزار میلیارد تومان باشد که نسبت به پایان سال قبل ۲۹۱ هزار میلیارد تومان (۷۴.۳ درصد) افزایش داشته است. کاهش رشد پایه پولی به مدد فروش ارز و کاهش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی رخ داده است.
- مسیر کاهنده نقدینگی در سال ۱۴۰۲ استمرار پیدا کرد: نرخ رشد نقدینگی از ۳۱.۱ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۴.۳ درصد در اسفند ۱۴۰۲ کاهش پیدا کرد که پایین‌تر از رقم هدف‌گذاری شده بانک مرکزی است. با وجود کاهشی بودن نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی همچنان رشد پایه پولی بیش از رشد نقدینگی است که به طور تاریخی اتفاقی کم‌سابقه است، پدیده‌ای که ماندگاری رشد کل‌های پولی در سطوح موجود را در میان‌مدت دور از انتظار می‌کند. تداوم ناترازی بانکی و بودجه‌ای این گمانه را تقویت می‌کند.
- سیالیت نقدینگی کاهشی شده، اما همچنان رقم آن در خور توجه است: در اسفند ۱۴۰۲، سهم پول از نقدینگی با ۱.۴ واحد درصد کاهش نسبت به پایان سال قبل رقم ۲۴.۳ درصد را به ثبت رساند. به‌رغم این کاهش، این رقم همچنان از متوسط سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ (۱۸.۴ درصد) بیشتر است. به نظر می‌رسد تخطی بانک‌ها از نرخ سود مصوب و افزایش غیررسمی نرخ سود سپرده در کاهش سیالیت نقدینگی دخیل بوده است.
- افزایش نرخ سود سپرده بانکی در حالی رخ داده که سقف دلان نرخ سود ثابت است: بنابراین نرخ سود بازار بین بانکی امکان عبور از سقف دلان (۲۴ درصد) را ندارد پدیده‌ای که می‌تواند بر عرضه منابع در بازار بین بانکی اثرگذار باشد. به بیان دیگر، افزایش رسمی نرخ سود بانکی می‌توانست انتفاع افزایش عمق بازار بین بانکی را نیز در پی داشته باشد که افزایش نرخ‌ها به صورت غیررسمی از چنین ظرفیتی برخوردار نیست.



• در سال ۱۴۰۲، عمده کسری نقدینگی بانک‌ها از طریق پایه پولی تأمین شده است: در سال ۱۴۰۲ متوسط حجم روزانه بازار بین بانکی ۷۷ هزار میلیارد تومان کم شده و در مقابل متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به ترتیب ۱۲۶ و ۲۹۱ هزار میلیارد تومان نسبت به سال قبل افزایش داشته‌اند. این دو قلم اخیر، از اجزای پایه پولی کشور هستند و بنابراین افزایش آنها به مفهوم رشد پایه پولی است. بانک مرکزی به جهت خنثی‌سازی این اتفاق به فروش ارز روی آورده، به طوری که خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در یازده‌ماه آغازین سال ۱۴۰۲ معادل ۱۷۲ هزار میلیارد تومان کم شده است.

تحولات بخش بانکی

• هم سهم بنگاه از تسهیلات پرداختی و هم تسهیلات حقیقی پرداختی به بنگاه‌ها کمتر شده است: در سال ۱۴۰۲، معادل ۵۶۴۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات توسط شبکه بانکی پرداخت شده که ۱۱۱۹ هزار میلیارد تومان (۲۴.۷ درصد) نسبت به پایان سال قبل افزایش داشته است. سهم بنگاه و خانوار از بازار اعتبار به ترتیب ۸۱.۷ درصد و ۱۸.۳ درصد بوده که سهم بنگاه از بازار اعتبار ۲.۹ واحد درصد نسبت به سال قبل کاهش و معادل همین رقم به سهم خانوار از بازار اعتبار افزوده شده است. نرخ رشد حقیقی تسهیلات پرداختی به بنگاه و خانوار به ترتیب ۷- درصد و ۱۴ درصد بوده که نشان می‌دهد تسهیلات حقیقی پرداختی به بنگاه کاهش و تسهیلات پرداختی به خانوار افزایش داشته است.

• کاهش سهم بنگاه از تسهیلات پرداختی در دو ماه نخست سال ۱۴۰۳ استمرار پیدا کرده است: در دو ماه نخست سال ۱۴۰۳ تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور معادل ۷۲۲ هزار میلیارد تومان بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۳۶.۲ درصد (۱۹۲ هزار میلیارد تومان) افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۵۷۲ هزار میلیارد تومان (معادل ۷۹.۳ درصد) به صاحبان کسب و کار و ۱۵۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۲۰.۷ درصد) به خانوارها تعلق گرفته است.

• سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی افزایش پیدا کرده است: سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی به بنگاه از ۷۱.۹ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۷۶.۴ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۷۶.۷ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ افزایش پیدا کرده است. نااطمینانی‌های اقتصاد کلان و تشدید تنگنای اعتباری بنگاه‌ها سبب شده سهم کمتری از بازار اعتبار به فعالیت‌های توسعه‌ای و کارآفرینی اختصاص یابد و منابع اعتباری موجود صرف تأمین نیاز به سرمایه در گردش بنگاه‌ها گردد.

• سهم خانوار از تسهیلات بانکی بیشتر شده است: در اردیبهشت ۱۴۰۳ سهم خانوار از کل تسهیلات پرداختی برای اولین بار به فراتر از ۲۰ درصد رسید. در سالهای اخیر تداوم وضعیت تورمی و

کاهش مستمر رفاه خانوار سبب شد دولت تلاش کند با افزایش تسهیلات‌دهی به خانوارها بخشی از رفاه از دست رفته آنها را جبران کند. این سیاست از یک سو تنگنای اعتباری بنگاه‌ها را افزایش داده و از سوی دیگر (به دلیل اینکه بخشی از تسهیلات به خانوار بدون نیاز به سپرده‌گذاری پرداخت می‌شود) مشکلات بانک‌ها را تشدید کرده است.

● **از ابتدای اجرای قانون جهش تولید مسکن تا خرداد ۱۴۰۳، معادل ۲۱۰.۳ هزار میلیارد عملکرد این قانون بوده است:** طبق این قانون بانک‌های مکلف هستند ۲۰ درصد از تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص دهند. در حال حاضر این سهم در حدود ۷ درصد است. در صورت اجرای کامل این قانون و افزایش سهم بخش مسکن بیرون‌رانی سایر بخش‌های تولیدی از بازار اعتبار رخ خواهد داد و بنابراین مشکلات تولیدکننده‌ها تشدید خواهد شد.

● **پدیده سرکوب مالی در سال ۱۴۰۲ برای هفتمین سال پیاپی استمرار پیدا کرد:** در حالی که پدیده سرکوب مالی، پایین‌تر بودن نرخ سود بانکی از تورم، در مقاطع زیادی در اقتصاد ایران مشاهده شده، در سال‌های اخیر به لحاظ طولانی شدن دوره سرکوب و شدت سرکوب نسبت به مقاطع قبلی وخیم‌تر است. به نظر می‌رسد تداوم این شرایط به اندازه‌ای برای شبکه بانکی غیرقابل تحمل شده که در ماه‌های اخیر نرخ‌های بانکی به طور غیررسمی افزایش پیدا کرده است.

● **اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها به همراه سیاست‌های احتیاطی و افزایش نظارت بر بانک‌های ناسالم منجر به کاهش سهم این بانک‌ها از بازار سپرده و اعتبار شده است:** در سال ۱۴۰۲ سهم بانک‌های خصوصی ناسالم از بازار سپرده و تسهیلات هر کدام یک واحد درصد کاهش پیدا کرده و به ترتیب ارقام ۱۶.۵ و ۱۱.۸ درصد را به ثبت رسانده‌اند. با این حال فرآیند زیان‌دهی بانک‌های ناسالم همچنان در حال افزایش است، به طوری که در سال ۱۴۰۲ زیان انباشته این بانک‌ها نسبت به سال قبل ۱۰۶ درصد بیشتر شده است.

● **در سال ۱۴۰۲ دولت تلاش کرده از استقراض مستقیم از بانک‌ها تا حد امکان امتناع کرده و سیاست‌های مورد نظر خود را در قالب تکالیف محوله به بانک‌ها تحمیل نماید:** تلاش دولت برای استفاده از منابع بانکی در قالب تکالیف محوله باعث شده فشار چندانی از طرف افزایش بدهی بخش دولتی به ترازنامه بانک‌ها وارد نشود. با این حال، تشدید فشار غیرمستقیم دولت بر شبکه بانکی منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده است. این پدیده در همه گروه‌های بانکی قابل مشاهده است. بنابراین عملیات مالی دولت به صورتی غیرشفاف‌تر از سال‌های قبل منجر به افزایش پایه پولی شده است. بانک مرکزی از طریق افزایش فروش ارز این اتفاق را خنثی‌سازی کرده است.

● **در سال ۱۴۰۲، نسبت مطالبات غیرجاری هم در بخش ارزی و هم در بخش ریالی بیشتر شده است:** در حالی که در چند سال اخیر نسبت مطالبات غیرجاری تنها در بخش ارزی افزایشی بود، در سال ۱۴۰۲ نکول مطالبات ریالی نیز رو به افزایش گذاشت. به نظر می‌رسد تداوم توقف رشد در سطح



کلان و استمرار شرایط تورمی توان بازپرداخت آحاد اقتصادی را محدود کرده که به شکل افزایش مطالبات غیرجاری ریالی در سال ۱۴۰۲ منعکس شده است. اگرچه بخشی از این تصویر نامطلوب را می‌توان به افزایش تکالیف تسهیلاتی بانک‌ها که با هدف حمایت از تولید و خانوار و بدون توجه به توان بازپرداخت مشتری پرداخت شده مرتبط دانست.

- **ریسک نکول در بانک‌های تخصصی ناسالم بیش از سایر بانک‌ها است:** بر اساس آخرین آمار در دسترس از نکول مطالبات به تفکیک گروه بانکی، در سال ۱۴۰۱ نرخ نکول مطالبات در بانک‌های خصوصی ناسالم ۱۸.۳ درصد و در سایر گروه‌های بانکی کمتر از ۱۰ درصد است. رقم بالاتر نسبت مطالبات غیرجاری در بانک‌های خصوصی ناسالم حاکی از عملکرد نامطلوب این بانک‌ها در شیوه اعتبارسنجی مشتری و نظارت بر تسهیلات است.

- **در سال ۱۴۰۲، نرخ نکول مطالبات کلان ۲۱.۸ درصد بوده است:** این رقم در آذر ۱۴۰۱ در حدود ۱۷ درصد بوده است. نسبت مطالبات غیرجاری کلان در بانک‌های توسعه صادرات، سرمایه و آینده در حدود ۵۰ درصد و در بانک‌های پارسین، سپه و صنعت و معدن بیش از ۳۰ درصد است. در سایر بانک‌ها این نسبت کمتر از ۲۰ درصد است. در بانک‌های توسعه صادرات و صنعت و معدن به نظر می‌رسد عمده تسهیلات کلان به شکل ارزی بوده و مربوط به تسهیلات پرداختی توسط صندوق توسعه ملی باشد.

- **در سال ۱۴۰۲، نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده‌های ریالی وضعیت افزایشی داشته است:** بررسی نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی به تفکیک گروه بانکی نشان می‌دهد: (۱) در سال‌های اخیر، نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی در همه گروه‌های بانکی افزایشی بوده، اما شدت این افزایش در بانک‌های خصوصی و خصوصی شده بیشتر است. (۲) این نسبت در بانک‌های تجاری دولتی در مقایسه با سایر گروه‌های بانکی کمتر است. رقم پایین‌تر نسبت تسهیلات به سپرده در بانک‌های تجاری به دلیل سطح بالای مطالبات این گروه بانکی از دولت است.

- **حقوق صاحبان سهام به‌ویژه در بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی دارای وضعیت نامطلوب است:** در شماری از بانک‌های خصوصی و تجاری دولتی حقوق صاحبان سهام منفی است که به دلیل رقم بالای زیان انباشته رخ داده است. بر اساس اطلاعات منتشره در سایت کدال در اسفند ۱۴۰۲ مجموعه زیان انباشته بانک‌های خصوصی که صورت‌های مالی آنها منتشر شده معادل ۴۶۶ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم معادل ۴۲ درصد پایه پولی کشور است. حقوق صاحبان منفی بدین مفهوم است که بانک توسط سهامداران تأمین مالی نشده و در حقیقت سهامدارها از طریق بانک تأمین مالی شده‌اند. منفی بودن حقوق صاحبان سهام منجر به افزایش گزمنشی و کژگزینی در شبکه بانکی می‌شود که بدین مفهوم است که اعتبارات بانکی به شایسته‌ترین متقاضیان پرداخت نمی‌شود.

- **در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بر شدت افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزوده شد:** افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مختص یک گروه بانکی نبوده و در همه گروه‌ها رخ داده است. عوامل

متعددی در افزایش شدید بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی دخیل بوده‌اند که مهمترین آن را به شرح زیر می‌توان برشمرد: (۱) استمرار ناترازی در بانک‌های ناسالم (۲) اجرایی شدن سیاست تجمیع حساب‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی (۳) افزایش تکالیف بانک‌ها و (۴) سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها.

- **بانک‌های خصوصی ناسالم از یک سو تسهیلات کمتری می‌پردازند و از سوی دیگر تسهیلات پرداختی آنها نرخ نکول بالاتری دارد:** این شواهد نشان می‌دهد احتمالاً بانک‌های ناسالم به تأمین مالی مشتریان مرتبط با خود می‌پردازند و بدین جهت به ملاحظات اعتبارسنجی مشتری توجه کمتری دارند. عدم پرداخت تسهیلات به شایسته‌ترین مشتریان با افزایش نرخ نکول منجر به افزایش استقراض این بانک‌ها از بانک مرکزی شده است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی حاصل شوک‌های کلان نیست و به شیوه بانکداری مرتبط است.

فهرست مطالب

پیش درآمد.....	۳
خلاصه مدیریتی	۵
تحولات بخش پولی	۵
تحولات بخش بانکی.....	۶
۱- تصویر موجز اقتصاد کلان.....	۱۸
۲- کل‌های پولی	۱۹
۲-۱- پایه پولی	۲۰
۲-۱-۱- رشد پایه پولی.....	۲۰
۲-۱-۲- ترکیب پایه پولی	۲۵
۲-۲- نقدینگی	۲۶
۲-۲-۱- رشد نقدینگی	۲۶
۲-۲-۲- ترکیب نقدینگی	۲۸
۲-۲-۳- ضریب فزاینده نقدینگی.....	۳۰
۳- سیاست پولی	۳۱
۳-۱- بازار بین بانکی	۳۱
۳-۲- عملیات بازار باز.....	۳۳
۴- جمع‌بندی بخش پولی کشور.....	۳۶
۵- اهمیت توسعه متوازن بانکی.....	۴۰
۶- فراگیری مالی	۴۰
۶-۱- دسترسی مالی.....	۴۰
۶-۱-۱- دسترسی مالی بنگاه.....	۴۲
۶-۱-۲- دسترسی مالی خانوار.....	۴۴
۶-۲- عمق مالی.....	۴۶
۶-۲-۱- تسهیلات به تولید.....	۴۶
۶-۲-۲- تسهیلات به شاخص قیمت مصرف کننده.....	۴۷
۶-۲-۳- تسهیلات به خالص سپرده	۴۷



- ۴-۲-۴- تسهیلات پرداختی به بخش‌های اقتصادی ۴۹
- ۴-۲-۴-۱- تسهیلات پرداختی به بخش مسکن ۴۹
- ۴-۳- استطاعت مالی ۵۱
- ۷- تحلیل ترازنامه شبکه بانکی ۵۲
- ۷-۱- شاخص‌های رقابت‌پذیری و ترکیب بازار ۵۲
- ۷-۲- دارایی‌های شبکه بانکی ۵۴
- ۷-۳- بدهی‌ها و سرمایه شبکه بانکی ۵۸
- ۷-۳-۱- ترکیب سپرده‌ها ۶۱
- ۷-۳-۲- ترکیب تسهیلات ۶۴
- ۷-۴- سلامت بانکی ۶۵
- ۷-۴-۱- مطالبات غیرجاری ۶۵
- ۷-۵- نسبت تسهیلات به خالص سپرده ۶۹
- ۷-۶- حقوق صاحبان سهام ۷۱
- ۷-۷- بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۷۳
- ۷-۸- سلامت شبکه بانکی کشور ۷۵
- ۸- قواعد جدید پولی و بانکی ۷۷
- ۸-۱- تأمین مالی زنجیره ای ۷۷
- ۹- جمع بندی ۷۸
- ۱۰- تحلیل وجوه افتراق بانک‌های سالم و ناسالم ۸۲
- ۱۰-۱- تحلیل ترازنامه بانک‌های خصوصی سالم و ناسالم ۸۲
- ۱۰-۲- زیان انباشته ۸۴
- ۱۰-۳- نسبت تسهیلات به سپرده ۸۵
- ۱۰-۴- مطالبات از شرکت‌های وابسته به خالص سپرده ۸۵
- ۱۰-۵- نسبت سایر دارایی‌ها به کل دارایی بانک ۸۶
- ۱۰-۶- نسبت مطالبات غیرجاری ۸۷
- ۱۱- جمع بندی ۸۸

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۱: رشد اقتصادی (درصد) ۱۸
- نمودار ۲-۱: نرخ رشد نقطه به نقطه پایه پولی ۲۱
- نمودار ۲-۲: سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی ۲۲
- نمودار ۲-۳: بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۲۳
- نمودار ۲-۴: تورم، رشد نقدینگی و رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۱ ۲۴
- نمودار ۲-۵: خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ۲۵
- نمودار ۲-۶: سهم در رشد اجزای پایه پولی ۲۵
- نمودار ۲-۷: نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی ۲۶
- نمودار ۲-۸: نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی و تورم نقطه به نقطه ۲۷
- نمودار ۲-۹: سهم پول از نقدینگی ۲۸
- نمودار ۲-۱۰: سیالیت سپرده و رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲) ۲۹
- نمودار ۲-۱۱: نرخ رشد نقطه به نقطه پول ۲۹
- نمودار ۲-۱۲: ضریب فزاینده نقدینگی ۳۰
- نمودار ۳-۱: عملکرد بازار بین بانکی ۳۲
- نمودار ۳-۲: عملکرد بازار بین بانکی نسبت به پایه پولی و نقدینگی ۳۲
- نمودار ۳-۳: نرخ سود در بازار بین بانکی و عملیات بازار باز ۳۴
- نمودار ۳-۴: متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز ۳۴
- نمودار ۳-۵: متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۳۵
- نمودار ۳-۶: نسبت متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به پایه پولی ۳۶
- نمودار ۶-۱: تسهیلات پرداختی حقیقی (سمت راست) و تسهیلات پرداختی به نقدینگی (سمت چپ) ۴۱
- نمودار ۶-۲: سهم صاحبان کسب و کار از تسهیلات پرداختی ۴۲
- نمودار ۶-۳: سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی به بنگاه ۴۳
- نمودار ۶-۴: تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی ۴۴
- نمودار ۶-۵: سهم خانوار از تسهیلات پرداختی ۴۵
- نمودار ۶-۶: تسهیلات پرداختی به خانوار ۴۵



- نمودار ۶-۷: مانده تسهیلات به تولید ناخالص داخلی ۴۶
- نمودار ۶-۸: مانده تسهیلات به شاخص قیمت مصرف کننده (سال پایه ۱۴۰۰) ۴۷
- نمودار ۶-۹: مانده تسهیلات به خالص سپرده ۴۸
- نمودار ۶-۱۰: سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات و ارزش افزوده (اردیبهشت ۱۴۰۳) ۴۹
- نمودار ۶-۱۱: عملکرد جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن (از ابتدای اجرای قانون تا پایان خرداد ۱۴۰۳) ۵۰
- نمودار ۶-۱۲: عملکرد قانون جهش مسکن بر اساس هدف ۵۰
- نمودار ۶-۱۳: نرخ سود تسهیلات پرداختی به بخش‌های مختلف اقتصادی و نرخ تورم ۵۲
- نمودار ۷-۱: ترکیب دارایی در بانک‌های تجاری دولتی ۵۴
- نمودار ۷-۲: ترکیب دارایی در بانک‌های تخصصی ۵۵
- نمودار ۷-۳: ترکیب دارایی در بانک‌های غیردولتی (خصوصی‌شده و خصوصی) ۵۵
- نمودار ۷-۴: افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و بدهی بخش دولتی به بانک‌ها ۵۸
- نمودار ۷-۵: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های تجاری دولتی ۶۰
- نمودار ۷-۶: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های تخصصی ۶۰
- نمودار ۷-۷: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های غیردولتی (خصوصی‌شده و خصوصی) ۶۱
- نمودار ۷-۸: سهم انواع سپرده در شبکه بانکی کشور ۶۲
- نمودار ۷-۹: سود سپرده یک‌ساله منهای تورم ۶۳
- نمودار ۷-۱۰: سهم انواع عقود بانکی ۶۴
- نمودار ۷-۱۱: سهم عقود مبادله‌ای و مشارکتی ۶۴
- نمودار ۷-۱۲: نسبت مطالبات غیرجاری ایران و سایر کشور ۶۶
- نمودار ۷-۱۳: نسبت مطالبات غیرجاری ارزی و ریالی شبکه بانکی کشور ۶۷
- نمودار ۷-۱۴: نسبت مطالبات غیرجاری کلان به تفکیک بانک ۶۷
- نمودار ۷-۱۵: نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌ای ۶۹
- نمودار ۷-۱۶: نسبت تسهیلات (ریالی و ارزی) به خالص سپرده (ارزی و ریالی) ۷۰
- نمودار ۷-۱۷: نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی به تفکیک گروه بانکی ۷۰
- نمودار ۷-۱۸: سهم تسهیلات و بدهی بخش دولتی از دارایی ۷۱
- نمودار ۷-۱۹: حقوق صاحبان سهام شبکه بانکی کشور ۷۲
- نمودار ۷-۲۰: بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۷۳
- نمودار ۷-۲۱: سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از پایه پولی ۷۵

- نمودار ۷-۲۲: سلامت شبکه بانکی ۷۶
- نمودار ۱۰-۱: سهم هر بانک از دارایی بانک‌های خصوصی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ ۸۲
- نمودار ۱۰-۲: سهم از سپرده ۸۳
- نمودار ۱۰-۳: سهم از تسهیلات ۸۳
- نمودار ۱۰-۴: زیان انباشته ۸۴
- نمودار ۱۰-۵: زیان انباشته به دارایی ۸۴
- نمودار ۱۰-۶: نسبت تسهیلات به خالص سپرده ۸۵
- نمودار ۱۰-۷: مطالبات از شرکت‌های وابسته به سپرده ۸۶
- نمودار ۱۰-۸: سایر دارایی‌ها به کل دارایی بانک ۸۶
- نمودار ۱۰-۹: نسبت مطالبات غیرجاری (سال ۱۴۰۱) ۸۷
- نمودار ۱۰-۱۰: نسبت مطالبات غیرجاری کلان (سال ۱۴۰۲) ۸۷



فهرست جداول

- جدول ۱-۱: نرخ رشد متغیرهای اصلی اقتصادی..... ۱۹
- جدول ۱-۶: ارزش بازار بدهی ۴۸
- جدول ۱-۷: سهم گروه‌های بانکی مختلف از تسهیلات، سپرده ۵۳
- جدول ۲-۷: نسبت مطالبات غیرجاری (ارزی و ریالی) به تفکیک گروه بانکی (سال ۱۴۰۱)..... ۶۸
- جدول ۱-۸: سهمیه تعیین شده برای تأمین مالی زنجیره‌ای در سال ۱۴۰۳..... ۷۷

بخش اول

تحوالات بخش پولی

۱- تصویر موجز اقتصاد کلان

تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۹ به طور مستمر رشدهای مثبت را تجربه کرده است. بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۴۰۲ «با احتساب نفت» و «بدون احتساب نفت» به ترتیب ۴.۵ درصد و ۳.۶ درصد بوده که نسبت به سال قبل بیشتر شده است.

نمودار ۱-۱: رشد اقتصادی (درصد)



منبع: بانک مرکزی

بخش اسمی اقتصاد نیز با بهبود نسبی همراه شده و نرخ رشد نقدینگی، پایه پولی و تورم نسبت به سال قبل کاهش پیدا کرده است. به رغم بهبود نسبی در بخش اسمی و حقیقی اقتصاد نگرانی‌های جدی در خصوص تداوم این وضعیت در سال ۱۴۰۳ وجود دارد

(۱) بیش از ۲۵ درصد از رشد به وقوع پیوسته در سال ۱۴۰۲، به مدد افزایش صادرات نفتی صورت گرفته است. در سال‌های اخیر و با کاهش سخت‌گیری‌های بین‌المللی در خصوص تحریم‌های اقتصادی به دلیل نیاز به نفت ایران، سهم نفت از تولید ناخالص داخلی بیشتر شده است. در صورت بازگشت ترامپ به کاخ سفید تداوم این وضعیت دشوارتر خواهد شد و بنابراین انتظار می‌رود از سرعت رشد اقتصادی کاسته شود.

(۲) مطالعات نشان می‌دهد مسیر رشد بلندمدت اقتصادی در ایران به شدت به سرمایه‌گذاری وابسته است. کاهش رشد سرمایه‌گذاری و حرکت آن به سمت عدد صفر نشان می‌دهد رشد اقتصادی ایجاد شده در سال‌های اخیر پایدار نخواهد بود. از سوی دیگر، رشد اقتصادی در ایران به شدت تحت تأثیر رشد بخش نفت و گاز است که این بخش نیز در سال‌های اخیر با کاهش سرمایه‌گذاری مواجه بوده است. قیمت‌گذاری دستوری در این بخش سبب می‌شود تقاضا در این بخش افزایشی و عرضه کاهش‌ی باشد. بنابراین محدودیت در رشد بخش نفت و گاز چشم‌انداز رشد اقتصادی در سال‌های آتی را نامطلوب می‌کند.

۳) به‌رغم وضعیت نزولی رشد کل‌های پولی، پیشی گرفتن رشد پایه پولی از رشد نقدینگی اتفاقی کم‌سابقه است و ماندگاری در سطوح موجود یا حرکت به سمت پایین را دشوار می‌کند. از سوی دیگر، مجاری اصلی افزایش رشد کل‌های پولی (ناترازی بودجه و ناترازی بانکی) همچنان پابرجا هستند. بنابراین اگرچه در کوتاه‌مدت این دو کل پولی می‌توانند وضعیت نزولی داشته باشند، در صورت اجرا نشدن سیاست‌های اصلاحی در میان‌مدت افزایشی خواهند شد.

۴) استمرار تنش‌های سیاسی در منطقه در کنار احتمال بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا این گمانه را تقویت کرده که در سال ۱۴۰۳ بازارهای دارایی از جمله بازار ارز با تلاطم مواجه شوند. این وضعیت با دامن زدن به انتظارات تورمی منجر به حرکت به سمت نرخ‌های بالاتر تورم خواهد شد.

جدول ۱-۱: نرخ رشد متغیرهای اصلی اقتصادی

متغیر	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲
رشد اقتصادی	۴ درصد	۴.۵ درصد
نرخ تورم	۴۵.۸ درصد	۴۰.۷ درصد
رشد پایه پولی	۴۲.۴ درصد	۲۸.۱ درصد
رشد نقدینگی	۳۱.۱ درصد	۲۴.۳ درصد

منبع: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران

۲- کل‌های پولی

از سال ۱۳۹۷ با اجرایی شدن تحریم‌های جدید اقتصادی و کاهش درآمدهای ارزی دولت بر ابعاد کسری بودجه مزمّن افزوده شد؛ با توجه به سلطه مالی و رجوع دولت به نظام بانکی برای تامین مالی، بخش پولی کشور به شدت از این تحولات متأثر شد. تا پیش از این شوک منفی خارجی، بخش بانکی کشور با ناترازی مواجه بود که به صورت افزایش بدهی به بانک مرکزی در بخش پولی منعکس می‌شد. شرایط نامساعد کلان به وجود آمده، به ویژه از طریق تشدید ناترازی عملیات مالی دولت بر ابعاد مشکلات بخش پول و بانک افزود.

در این وضعیت اجرای سیاست‌های جدیدی مانند یکپارچه‌سازی حساب‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی و سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها روند گذشته متغیرهای پولی را مخدوش کرد و بر پیچیدگی تحلیل بخش پولی و بانکی افزود. در حالی که پس از اجرایی شدن سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها رشد نقدینگی در مسیر نزولی قرار گرفت، رشد پایه پولی وضعیت پرنوسانی را تجربه کرد. گاه به مدد تجدید حساب‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی رشد پایه پولی نزولی شد و گاه به دلیل تشدید افزایش



بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (متأثر از ناترازی مالی و بانکی) رشد پایه پولی صعودی می‌شد. با این حال، از ابتدای سال ۱۴۰۲ رشد پایه پولی نیز همانند رشد نقدینگی در مسیر کاهشی قرار گرفته‌است. مسیر کاهنده هر دو کل پولی در سال ۱۴۰۲ این سؤال را ایجاد کرده که آیا این وضعیت به معنی بازگشت آرامش به بخش پولی است یا باید در انتظار موج‌های افزایشی جدید بود؟

اسفند ۱۴۰۲، نرخ رشد پایه پولی با ۱۴.۳ واحد درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۲۸.۱ درصد رسیده و رشد نقدینگی با ۶.۸ واحد درصد کاهش رقم ۲۴.۳ درصد را ثبت کرد^۱. به‌رغم این تصویر مطلوب، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به مسیر افزایشی خود ادامه داده و حجم عملیات بازار باز افزایش درخور توجهی داشته است. بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۲ بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۶۸۲ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به پایان سال قبل ۲۹۲ هزار میلیارد تومان (رشد ۷۴.۳ درصد) بیشتر شده است. متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز نیز با ۱۲۶ هزار میلیارد تومان افزایش نسبت به پایان سال قبل در اسفند ۱۴۰۲ رقم ۲۵۵ هزار میلیارد تومان را ثبت کرد (رشد ۹۷.۷ درصد). افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و عملیات بازار باز منعکس‌کننده تشدید نیاز به نقدینگی بانک‌ها و تأمین این کسری از طریق بانک مرکزی است. با توجه به روند فزاینده و انتقال کسری شبکه بانکی به ترازنامه بانک مرکزی تداوم وضعیت کاهشی رشد پایه پولی و نقدینگی با تردید مواجه است.

۲-۱- پایه پولی

در این فصل ابتدا تحولات کل‌های پولی از منظر رشد و ترکیب اجزا بررسی می‌شود. تغییرات پایه پولی بر اساس مقاطع مختلف قابل مشاهده در رشد نقطه به نقطه تحلیل می‌شود. سپس به بررسی تحولات نقدینگی و سیالیت آن پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی وضعیت بازار بین بانکی و عملیات بازار باز از منظر حجم و نرخ پرداخته می‌شود

۲-۱-۱- رشد پایه پولی

تا پیش از دور دوم تحریم‌های اقتصادی که در سال ۱۳۹۷ اجرایی شد، نرخ رشد پایه پولی وضعیت نسبتاً باثباتی داشت. به طوری که متوسط رشد پایه پولی در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ معادل ۱۷.۹ درصد بوده است. با اعمال تحریم‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۷ رشد پایه پولی مسیری افزایشی و پرنوسان در پیش گرفت، و در فاصله فروردین ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۴۰۳^۲ در محدوده ۲۱.۱ درصد تا ۴۵ درصد در نوسان بود.

۱ در تیر ۱۴۰۳، بانک مرکزی نرخ رشد پایه پولی و نقدینگی را به ترتیب ۲۱.۱ درصد و ۲۵.۶ درصد اعلام کرد.

۲ در تیر ماه ۱۴۰۳ آخرین رقم اعلامی بانک مرکزی از رشد پایه پولی و نقدینگی مربوط به اردیبهشت ۱۴۰۳ است. همچنین، اجزای پایه پولی و نقدینگی تا بهمن ۱۴۰۲ گزارش شده‌اند.

نمودار ۱-۲: نرخ رشد نقطه به نقطه پایه پولی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

علت این فراز و فرود در رشد پایه پولی را می‌توان در عوامل مختلفی جستجو کرد که در این دوران به وقوع پیوست و در ادامه توضیح داده می‌شود

• **افزایش رشد پایه پولی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸:** با اعمال تحریم‌های اقتصادی و افزایش کسری بودجه دولت، رشد پایه پولی رو به افزایش گذاشت و طی یک مسیر صعودی از ۱۹ درصد در اسفند ۱۳۹۶ به ۳۲.۷ درصد در اسفند ۱۳۹۸ رسید.

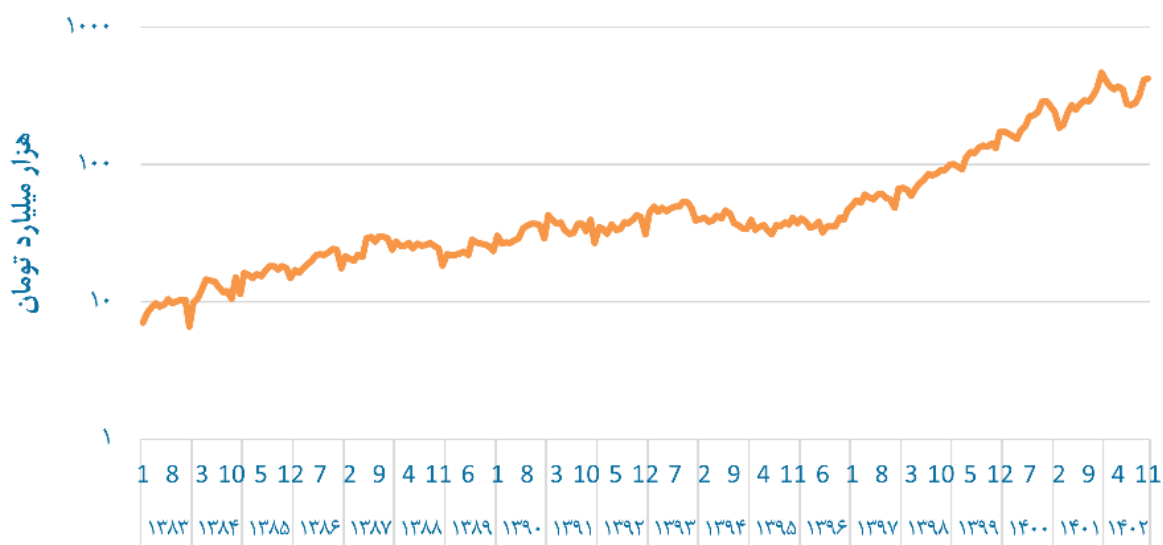
در کل این مقطع، رشد پایه پولی ۶۵ درصد بوده که خالص دارایی‌های خارجی با سهم در رشدی معادل ۶۰ واحد درصد مهم‌ترین عامل افزایش پایه پولی بوده است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با سهم در رشد ۱۵- واحد درصدی تنها عامل کاهنده رشد پایه پولی بوده است.

• **نوسان رشد پایه پولی در سال ۱۳۹۹ تا اوایل ۱۴۰۱:** الزام دستگاه‌های اجرایی به مسدود کردن حساب نزد بانک‌ها و انتقال حساب به بانک مرکزی عامل مهمی است که نوسان رشد پایه پولی از ابتدای ۱۳۹۹ تا اوایل ۱۴۰۱ را توضیح می‌دهد. از اواخر سال ۱۳۹۸ کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف شدند حساب‌های ریالی خود را از طریق خزانه نزد بانک مرکزی افتتاح کرده و حساب‌های خود نزد سایر بانک‌ها را مسدود نمایند. با اجرای این سیاست، تغییر در سرفصل سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی به عامل مهمی در نوسان رشد پایه پولی تبدیل شد. هر گاه درآمدهای دولتی افزایش پیدا می‌کرد یا دستگاه‌های جدیدی حساب خود را به بانک مرکزی منتقل می‌کردند، سپرده‌های دولت نزد بانک مرکزی با افزایش و رشد پایه پولی با کاهش مواجه می‌شد. در مقابل، زمان برداشت از این حساب رشد پایه پولی افزایشی می‌شد.



در این دوره (اسفند ۱۳۹۸ تا تیر ۱۴۰۱)، پایه پولی ۸۵ درصد افزایش یافت که خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، خالص سایر اقلام و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با سهم در رشد به ترتیب ۵۸، ۲۴ و ۱۹ واحد درصد عوامل فزاینده و خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی با سهم در رشد ۱۵- عامل کاهنده رشد پایه پولی بوده است. تأمین ارز لازم برای واردات کالای اساسی مهم‌ترین عامل افزایش در خالص دارایی خارجی بانک مرکزی در این دوره بوده است.

نمودار ۲-۲: سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی، توضیح: محور عمودی لگاریتمی است.

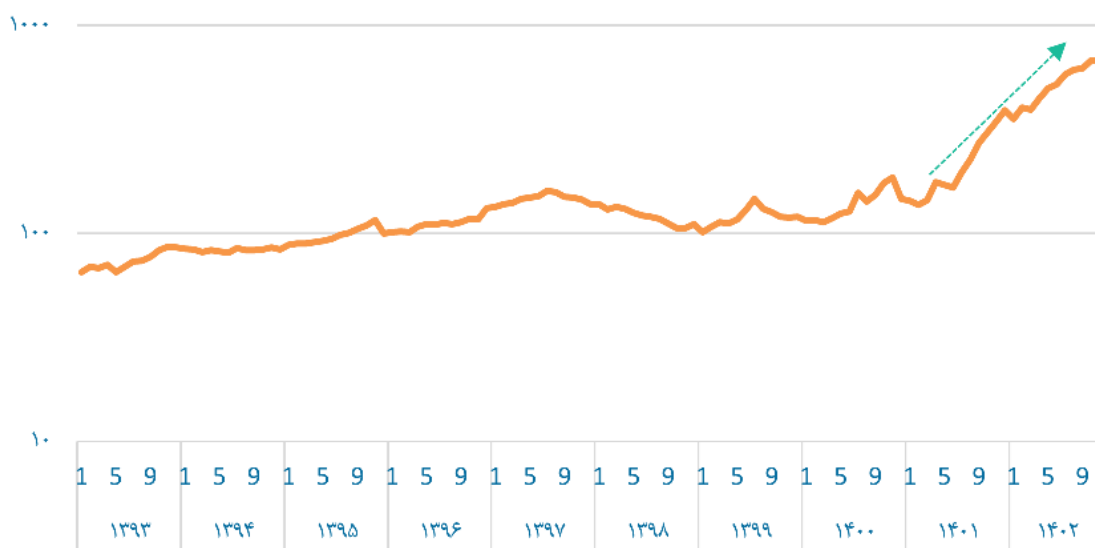
• **افزایش رشد پایه پولی از اوایل ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۲:** از اوایل سال ۱۴۰۱، با وجود تداوم افزایش در سرفصل سپرده‌های دولت نزد بانک مرکزی، رشد پایه پولی رو به افزایش گذاشت. نرخ رشد پایه پولی از ۲۶.۲ درصد در تیر ۱۴۰۱ به ۴۵ درصد در فروردین ۱۴۰۲ رسید و بدین ترتیب بالاترین رقم خود از سال ۱۳۸۸ تا کنون را به ثبت رساند.

رشد پایه پولی در فاصله تیر ۱۴۰۰ تا فروردین ۱۴۰۱ معادل ۳۶ درصد بوده که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و خالص سایر اقلام با سهم در رشد به ترتیب ۲۷، ۱۴ و ۱۰ واحد درصد عوامل فزاینده و خالص بدهی بخش دولتی با سهم در رشد ۱۵- واحد درصد عامل کاهنده رشد پایه پولی بوده است. افزایش ۷۱.۵ درصدی سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی عاملی است که کاهش خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در این دوره را توضیح می‌دهد.

شتاب گرفتن رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (که ریشه در تعمیق ناترازی شبکه بانکی و عملیات مالی دولت دارد) عاملی است که موجب افزایش رشد پایه پولی در این دوره شده است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با ۲۴۵ هزار میلیارد تومان افزایش از ۱۴۶ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۱۴۰۰ به ۳۹۱ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۱ (۱۶۷ درصد رشد) رسید. مسیر

افزایشی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ نیز تداوم پیدا کرد، به طوری که طبق آخرین رقم منتشره در بهمن ۱۴۰۲ معادل ۶۸۲ هزار میلیارد تومان بوده است. به‌رغم افزایش تداوم و تشدید مسیر افزایشی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲، رشد پایه پولی کاهنده شد.^۱

نمودار ۲-۳: بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

• **کاهش رشد پایه پولی از اردیبهشت ۱۴۰۲ تا اردیبهشت ۱۴۰۳:** نرخ رشد پایه پولی از ۴۱.۱ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۲ به ۲۸.۱ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۲۱.۱ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است. کاهشی شدن رشد پایه پولی در این دوره همزمان با مسیر کاهنده رشد نقدینگی بوده است. برای بررسی تحولات رشد کل‌های پولی در این مقطع ضروری است که نگاهی به وضعیت سال ۱۴۰۱ داشته باشیم.

در سال ۱۴۰۱، رشد پایه پولی در حالی افزایش یافت که رشد نقدینگی نزولی بود. در حالی که بانک مرکزی در تلاش بود از کاهشی شدن رشد نقدینگی به عنوان دستاوردی بزرگ یاد کند و آن را سیگنالی در جهت مهار رشد تورم بداند، فضای کارشناسی کشور در خصوص رشد بالای پایه پولی هشدار می‌داد و به دلیل افزایش رشد پایه پولی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (که نمود ناترازی در بخش مالی و بانکی است)، در ایجاد ثبات بخش پولی و توان آن در مهار تورم ابراز تردید می‌کرد.^۲ تمرکز منتقدان بر رشد پایه پولی سبب شد بانک مرکزی کاهشی کردن رشد این کل پولی را نیز در

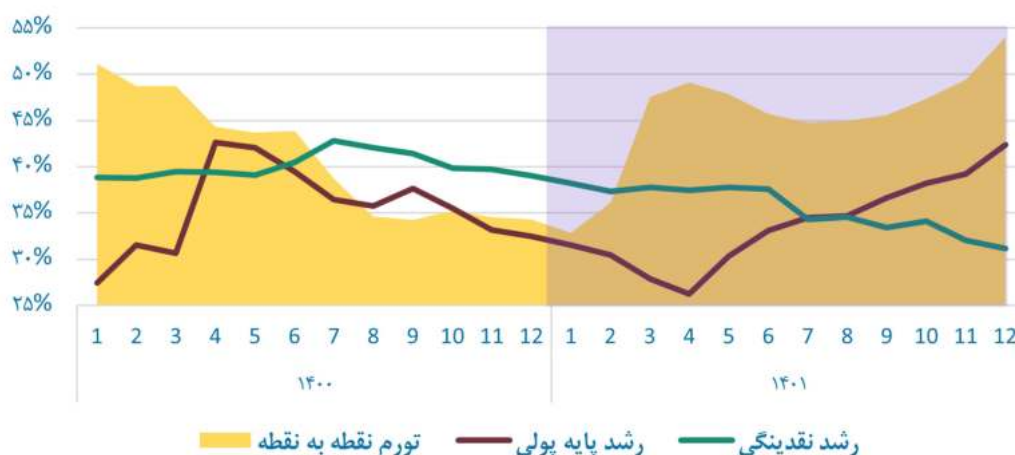
۱ در پرونده ویژه گزارش شهریور ۱۴۰۲ عوامل اثرگذار بر افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بررسی شده است.

۲ از جمله می‌توان به شماره قبلی همین گزارش اشاره کرد. از دیگر موارد، می‌توان به مقاله «یک سوال از دولت و یک سوال از بانک مرکزی» اشاره کرد: <https://www.magiran.com/article/4444608>



دستورکار قرار دهد. با توجه به اینکه علت اصلی رشد پایه پولی به دلیل افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بود، پدیده‌ای که ریشه در عوامل ساختاری (کسری بودجه و فرابودجه^۱ دولت و ناترازی بخش بانکی^۲) داشت و بانک مرکزی قادر نبود در کوتاه‌مدت این مسائل را حل کند، به استفاده از راهکارهای مقطعی و کوتاه‌مدت مانند فروش ارز روی آورد

نمودار ۴-۲: تورم، رشد نقدینگی و رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۱



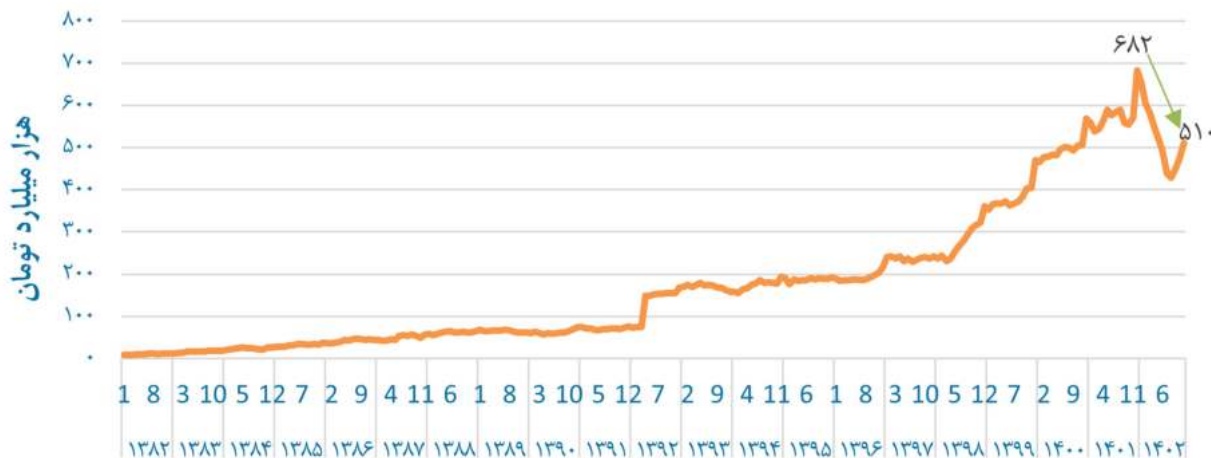
منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۲، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۶۸۲ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به پایان سال ۱۴۰۱، حدود ۲۹۱ هزار میلیارد تومان (معادل ۷۴.۳ درصد) افزایش داشته است. در همین دوره پایه پولی کشور ۱۸۸ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد ناکامی بانک مرکزی در مهار بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و عزم آن بر کاهش کردن رشد پایه پولی سبب شده با فروش ارز و کاهش در خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی رشد پایه پولی را مهار کند. در یازده ماه نخست سال ۱۴۰۲ خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ۱۷۲ هزار میلیارد تومان (۷۴.۸ درصد) کاهش پیدا کرده است. این میزان کاهش در خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی دست کم در بیست سال اخیر بی‌سابقه بوده است. کنترل رشد پایه پولی از این طریق نمی‌تواند استمرار داشته باشد. مهار پایدار رشد این کل پولی با توقف در ناترازی بانک‌ها و تعمیق بازار بین بانکی قابل دستیابی است

۱ فرابودجه به بخشی از عملیات مالی دولت اطلاق می‌شود که در قالب بودجه سنواری دولت تعریف نشده و به شکالی مانند استفاده از منابع صندوق توسعه ملی یا افزایش تکالیف شبکه بانکی انجام می‌شود

۲ ناترازی شبکه بانکی بدین مفهوم است که بخشی از دارایی‌های شبکه بانکی مسموم، منجمد یا سوخت شده باشد. در این وضعیت بین دارایی و بدهی بانک شکاف ایجاد شده و بدهی نقدپذیر بانک از دارایی‌های نقدپذیر بیشتر است. در سال‌های اخیر، بانک‌های ناتراز برای پوشش این شکاف به اضافه برداشت روی آورده‌اند

نمودار ۵-۲: خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی

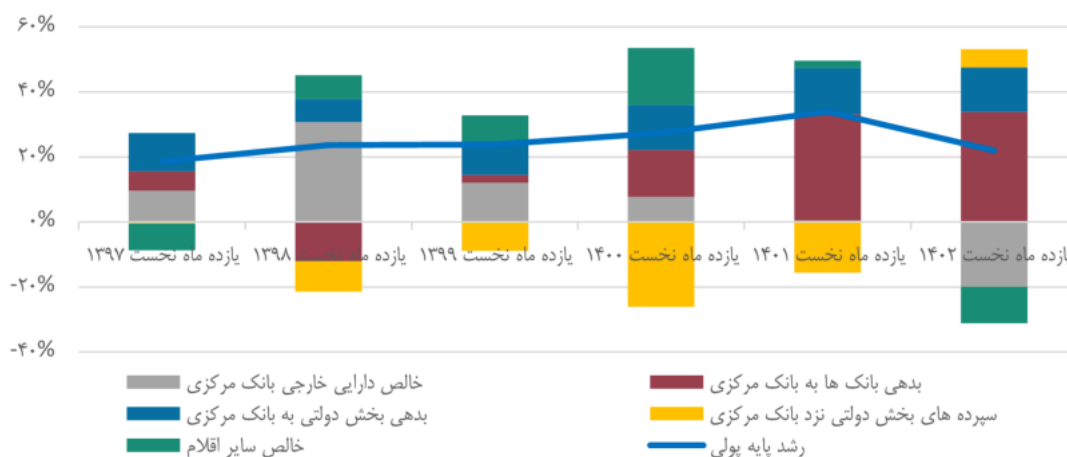


منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

۲-۱-۲- ترکیب پایه پولی

آخرین آمار منتشره بانک مرکزی از اجزای پایه پولی مربوط به بهمن ۱۴۰۲ است. در بهمن ۱۴۰۲، پایه پولی کشور نسبت به پایان سال ۲۱.۹ درصد افزایش داشته است. بررسی اجزای پایه پولی نشان می‌دهد در دوره مذکور بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی با سهم در رشدی معادل ۳۳.۸ درصد مهم‌ترین عامل فزاینده پایه پولی بوده است. بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی با سهم در رشد به ترتیب ۱۳.۷ واحد درصد و ۵.۶ واحد درصد دیگر عوامل فزاینده پایه پولی بوده‌اند. خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و خالص سایر اقلام با سهم در رشدی معادل ۲۰- واحد درصدی و ۱۱.۲- واحد درصدی عوامل کاهنده پایه پولی بوده‌اند

نمودار ۶-۲: سهم در رشد اجزای پایه پولی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی



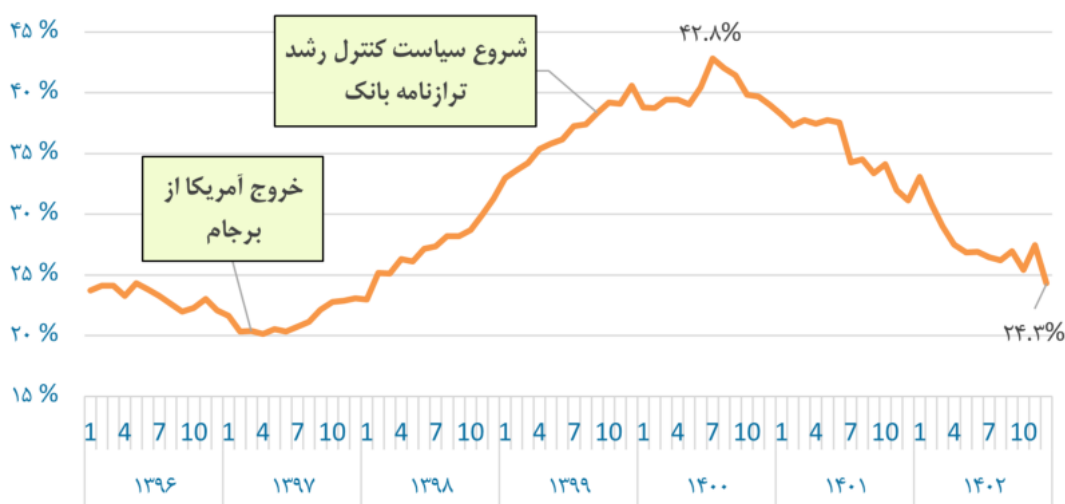
همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ سپرده‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی (در نتیجه اجرایی شدن سیاست تجمیع حساب‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی) مهم‌ترین عامل مهار رشد پایه پولی بوده است، در سال ۱۴۰۲ با حذف این عامل، رشد پایه پولی از طریق فروش ارز مهار شده است.

۲-۲- نقدینگی

۲-۲-۱- رشد نقدینگی

با اجرایی شدن تحریم‌های اقتصادی از سال ۱۳۹۷ و افزایش ناترازی عملیات مالی دولت، رشد پایه پولی و نقدینگی افزایشی شد. رشد نقدینگی از ۲۳.۱ درصد در اسفند ۱۳۹۶ به ۳۱.۳ درصد در پایان سال ۱۳۹۸ رسید. با افزایش سریع تورم و احساس خطر وقوع تورم‌های فزاینده بانک مرکزی از اواسط سال ۱۳۹۹ سیاست کنترل رشد ترازنامه^۱ را در پیش گرفت با این هدف که با کنترل رشد نقدینگی، تورم را مهار کند.

نمودار ۲-۷: نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی^۲



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

طبق بخشنامه ۹۹/۴۲۱۹۲۹ بانک مرکزی در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۹۹ ضوابط کنترل مقداری ترازنامه شبکه بانکی ابلاغ شد. با این حال رشد نقدینگی همچنان به مسیر افزایشی خود ادامه داد و با ثبت رقم ۴۲.۸ درصد در مهر ۱۴۰۰ بالاترین رقم خود در دو دهه اخیر را به ثبت رساند. بخشنامه مذکور در تاریخ‌های

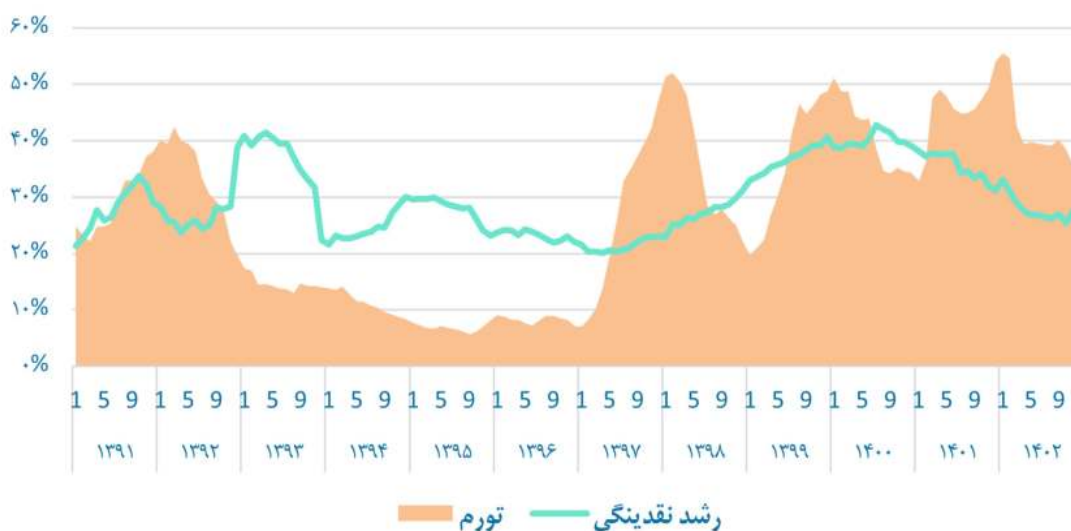
۱ در گزارش شهریور ۱۴۰۲ به سیاست کنترل رشد ترازنامه و آثار آن بر بخش پولی و بانکی کشور پرداخته شده است.

۲ بانک مرکزی در تیر ۱۴۰۳، نرخ رشد نقدینگی در اردیبهشت ۱۴۰۳ را اعلام کرده که معادل ۲۵.۶ درصد است و نسبت به پایان سال ۱۳، واحد درصد بیشتر شده است.

۲۴ مرداد، ۱۷ آبان و ۲۱ دی ماه ۱۴۰۱ به‌روزرسانی شد که کارایی این سیاست در مهار رشد نقدینگی را افزایش داد. از آبان ۱۴۰۰ نرخ رشد نقدینگی نزولی شد که این وضعیت تا اسفند ۱۴۰۲ (آخرین رقم منتشره) ادامه پیدا کرد و رقم ۲۴.۳ درصد را به ثبت رساند

سیاست کنترل رشد ترازنامه شبکه بانکی موفق به مهار رشد نقدینگی شد، اما به دلیل تداوم ناترازی‌های موجود، دستاورد آن در مهار تورم مطابق انتظار نبود. طبق نمودار ۲-۸ در دوره‌ای که رشد نقدینگی در حال کاهش بود (آبان ۱۴۰۰ تا اسفند ۱۴۰۲)، نرخ تورم گاه صعودی و گاه نزولی شد و در مقطعی به فراتر از ۵۰ درصد نیز رسید. در سال ۱۴۰۲، وضعیت کاهشی رشد نقدینگی، پایه پولی و تورم به طور همزمان محقق شد. در این سال، بانک مرکزی به مدد فروش ارز توانست رشد پایه پولی را نیز کاهش دهد. فروش ارز از سوی دیگر منجر به کاهش تلاطم در بازار ارز و بنابراین مهار انتظارات تورمی شد. بنابراین یک عامل مهم در کاهشی شدن تورم در سال ۱۴۰۲، فروش ارز توسط بانک مرکزی بوده است. در سال ۱۴۰۳، در صورت تشدید فشارهای بین‌المللی در خصوص فروش نفت و کاهش درآمدهای ارزی، تداوم این وضعیت دور انتظار خواهد بود و پایه پولی و تورم رو به افزایش خواهند گذاشت. در مجموع، اگرچه کاهش رشد نقدینگی شرط لازم برای مهار تورم است، اما کافی نیست. برقرار نشدن سایر الزامات در بخش پولی (به طور کلی ایجاد ثبات در بخش پولی)، مهار نشدن انتظارات تورمی و بالا بودن سیالیت نقدینگی از جمله مواردی است که توفیق مقام پولی در مهار تورم را با چالش مواجه کرده است.

نمودار ۲-۸: نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی و تورم نقطه به نقطه



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

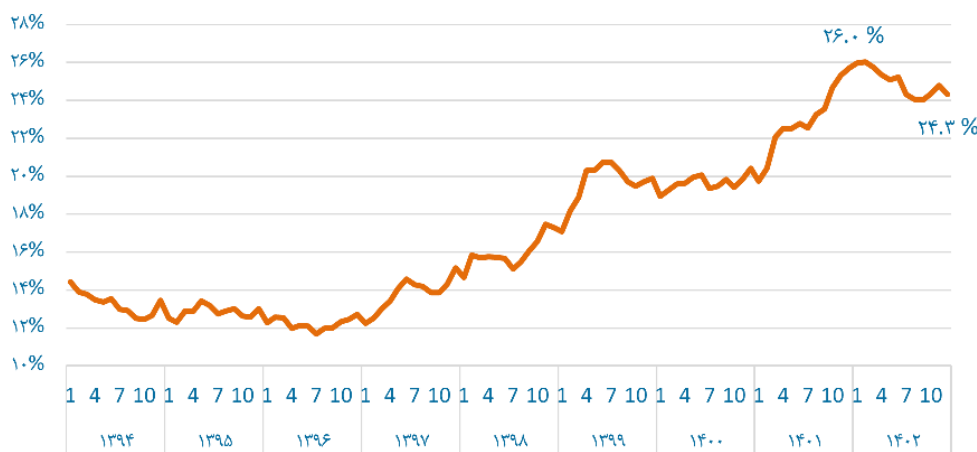


۲-۲-۲- ترکیب نقدینگی

یکی از موضوعات مهم در بررسی تحولات نقدینگی، بررسی ترکیب نقدینگی از منظر سیالیت اجزای آن است. افزایش سیالیت نقدینگی (افزایش سهم اسکناس و مسکوک و سپرده‌های دیداری از نقدینگی) در شرایطی رخ می‌دهد که انتظارات تورمی بالا باشد. در این وضعیت آحاد اقتصادی با نگهداری سپرده جاری در انتظار فرصت‌های سفته‌بازانه باقی می‌مانند تا در صورت نیاز، پول به راحتی در بین بازارها حرکت کند. بنابراین افزایش سیالیت نقدینگی، از مجرای افزایش تقاضا، منجر به تشدید تورم می‌شود.

ترکیب نقدینگی با شاخص‌های مختلفی مانند نسبت پول به شبه‌پول و سهم پول از نقدینگی قابل بررسی است. در این بخش سهم پول از نقدینگی به عنوان شاخصی از سیالیت نقدینگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۹-۲: سهم پول از نقدینگی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

همانند رشد پایه پولی و نقدینگی، سهم پول از نقدینگی نیز به شوک منفی وارده بر اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۷ واکنش نشان داد و دستخوش تغییر شد. افزایش تورم و بالا رفتن بازده در بازارهای مختلف دارایی سبب شد سپرده‌های مدت‌دار در مقایسه با سایر دارایی‌های جایگزین، بازده نسبی پایین‌تری داشته باشد و بنابراین افراد با هدف دستیابی به بازده بالاتر، سپرده‌های بلندمدت را به سپرده‌های دیداری تبدیل کنند، پدیده‌ای که به مفهوم افزایش سیالیت نقدینگی است. سهم پول از نقدینگی از ۱۲.۷ درصد در اسفند ۱۳۹۶ به ۲۴.۳ درصد در اسفند ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرده است. سیالیت بیشتر نقدینگی در سطح کلان به مفهوم افزایش تورمزایی نقدینگی و در سطح بانکی به مفهوم کاهش ماندگاری سپرده‌های بانکی است. در نتیجه، بانک با ریسک نقدشوندگی بالاتر مواجه می‌شود و در صورتی که بخواهد سلامت بانکی در این بعد را حفظ کند، باید ذخیره احتیاطی بیشتری نگه دارد، که خود منجر به کاهش سودآوری بانک می‌شود. اگر بانک ذخیره احتیاطی را بالا نبرد، در عمل در صورت مواجهه با تکانه منفی، در وهله اول سراغ منابع

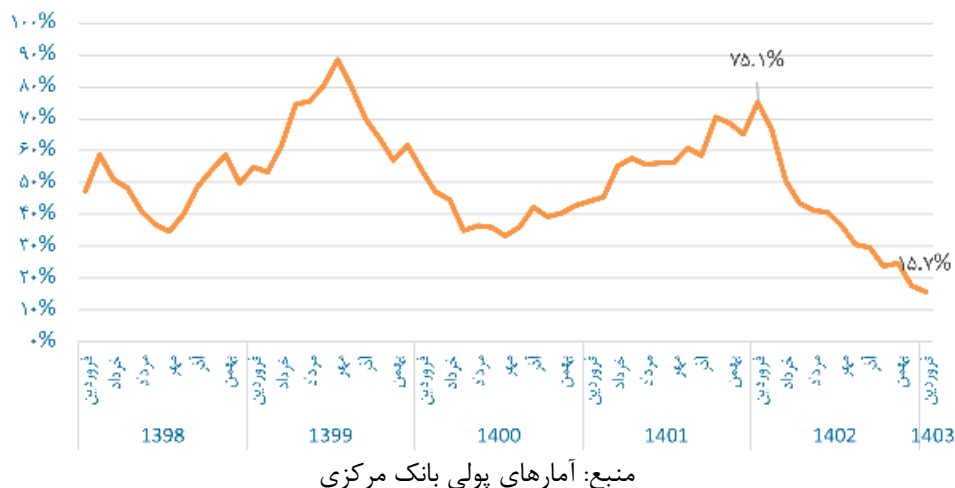
بازار بین بانکی و در نهایت سراغ منابع بانک مرکزی می‌رود. بنابراین، بین افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و افزایش سیالیت سپرده‌های بانکی همبستگی مثبت وجود دارد که در نمودار ۱۰-۲ نشان داده شده است.

در سال ۱۴۰۲، سهم پول از نقدینگی و رشد پول کاهنده بوده‌اند. سهم پول از نقدینگی از ۲۶ درصد در فروردین به ۲۴.۳ درصد در اسفند رسید. در همین دوره، رشد پول از ۷۵.۱ درصد ۱۴۰۲ به ۱۷.۵ درصد کاهش یافت. طبق اطلاعاتی که در تیر ۱۴۰۳ توسط بانک مرکزی منتشر شد، رشد پول در فروردین ۱۴۰۳ به ۱۵.۷ درصد تنزل پیدا کرده است.

نمودار ۱۰-۲: سیالیت سپرده و رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲)



نمودار ۱۱-۲: نرخ رشد نقطه به نقطه پول



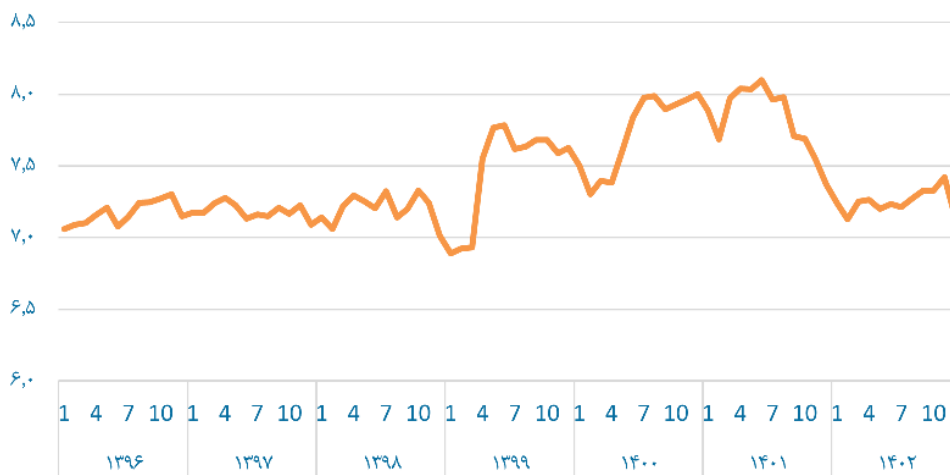
کاهش سیالیت نقدینگی در سال ۱۴۰۲، احتمالاً به دلیل کاهش تلاطم در بازارهای دارایی و افزایش غیررسمی نرخ سود سپرده بانکی رخ داده است. انتشار اوراق گواهی سپرده خاص با نرخ ۳۰ درصد در بهمن ۱۴۰۲ این گمانه را ایجاد کرد که بانک مرکزی در صدد افزایش نرخهای بانکی است و شماری از بانکها با هدف حفظ و افزایش سهم از بازار سپرده به افزایش نرخهای سود اقدام کردند. بانک مرکزی در اواسط خرداد ۱۴۰۳ اعلام کرد ۶ یا ۷ بانک نرخهای مصوب را رعایت نمیکنند و نسبت به عدم رعایت نرخ سودهای مصوب به بانکهای خاطی هشدار داد.

در نظر گرفتن نرخ شکست برای سپردههای مدتدار، اتفاق دیگری است که می تواند کاهش سیالیت نقدینگی در سال ۱۴۰۲ را توضیح دهد. از ماههای ابتدایی سال ۱۴۰۲، شماری از بانکها برداشت زودتر از موعد سپردههای بلندمدت را مشمول جریمه نکردند که اصطلاحاً گفته می شود برای این سپردهها نرخ شکست تعریف شده که حداکثر سه ماه در نظر گرفته شده است. اعمال نرخ شکست سه ماه یا کمتر سبب می شود سپردههای بلندمدت ماهیتاً تفاوتی با پول نداشته و سپردهگذار بتواند پس از سپری شدن سه ماه یا کمتر بدون پرداخت جریمه سپردههای مدتدار را برداشت کند. این اتفاق سبب شده مفهوم پول و شبه پول مخدوش شده و بخشی از شبه پول ماهیت پول داشته باشد. توضیحات بیشتر در این خصوص در بخش ترکیب سپردهها آمده است.

۳-۲-۲- ضریب فزاینده نقدینگی

ضریب فزاینده نقدینگی متغیر درون زایی است که بر اساس تعامل بانکها، بانک مرکزی و فعالان اقتصادی تعیین می شود و مقدار عددی آن از تقسیم نقدینگی بر پایه پولی به دست می آید و نشان می دهد نقدینگی موجود در اقتصاد چند برابر پایه پولی کشور است. این متغیر از اواسط سال ۱۴۰۱ مسیر نزولی داشته و از ۸.۱ در شهریور ۱۴۰۱ به ۷.۲ در اسفند ۱۴۰۲ کاهش پیدا کرده است.

نمودار ۱۲-۲: ضریب فزاینده نقدینگی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

در سال‌های اخیر، بانک مرکزی با کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها توانسته رشد نقدینگی را کاهش و به محدوده ۲۵ درصد برساند. با این حال، نرخ رشد پایه پولی به دلیل انتقال ناترازی بانک‌های ناسالم و ناترازی بودجه‌ای و فرابودجه‌ای دولت به ترازنامه بانک مرکزی ارقام بزرگتری را تجربه کرد. بنابراین رشد صورت کسر ضریب فزاینده (نقدینگی) کمتر از رشد مخرج (پایه پولی) بوده و بنابراین ضریب فزاینده کاهش پیدا کرده است.

۳- سیاست پولی

تحولات بازار بین بانکی از منظر شدت فعالیت، نرخ، اثرپذیری و اثرگذاری بر سایر بازارهای مالی در این بخش بررسی شده است. همچنین عملیات بازار باز، شدت و اهمیت آن نیز تحلیل شده است

۳-۱- بازار بین بانکی

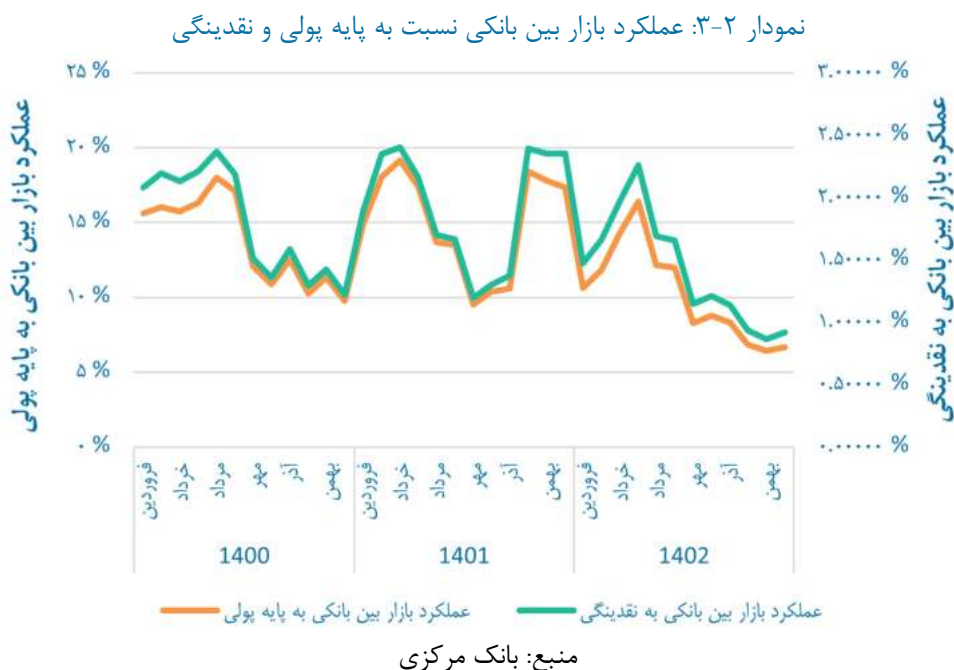
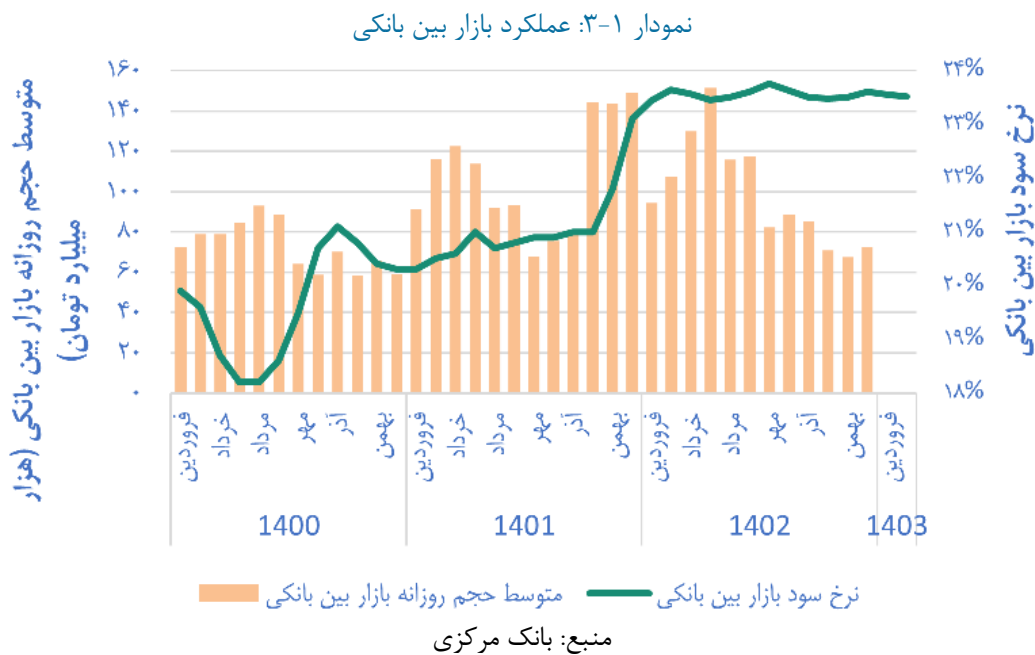
تحولات بازار بین بانکی در سال ۱۴۰۰: در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ به دلیل پایین بودن تسهیلات‌دهی بانک‌ها، تقاضای منابع از بازار بین بانکی کم و عرضه منابع در این بازار زیاد بود. بنابراین نرخ سود بازار بین بانکی رو به کاهش گذاشت و به محدوده ۱۸ درصد رسید. بانک مرکزی به جهت جلوگیری از افت بیشتر نرخ سود به انجام عملیات ریپوی معکوس^۱ پرداخت. با نزدیک شدن به اواسط سال، از یک سو عملیات بانکی بیشتر شد و از سوی دیگر با اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها فشار بر منابع بانکی افزایش پیدا کرد. بنابراین، از شهریور تا آذر ۱۴۰۰ با محدود شدن عرضه منابع در بازار بین بانکی، نرخ سود این بازار افزایش پیدا کرد و به بیش از ۲۱ درصد رسید. بانک مرکزی با افزایش چشم‌گیر حجم عملیات بازار باز در سه ماه انتهایی سال (نمودار ۳-۴) نرخ سود بازار بین بانکی را کاهشی کرد، به طوری که متوسط این نرخ در اسفند ۱۴۰۰ معادل ۲۰.۳ درصد بوده است.

تحولات بازار بین بانکی در سال ۱۴۰۱: متوسط حجم روزانه بازار بین بانکی از ۵۹ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۰ به ۱۴۹ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۱ افزایش یافت. در حالی که عرضه منابع در بازار بین بانکی افزایش پیدا کرد، نرخ سود این بازار نیز افزایشی بود که نشان می‌دهد نیاز به نقدینگی بانک‌ها بیش از افزایش عرضه‌ای بود که در بازار بین بانکی رخ داده بود. در این سال، حجم عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز رو به افزایش گذاشت. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از ۱۴۶ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۰ به ۳۹۱ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۱ افزایش یافت. متوسط حجم

۱ ریپوی معکوس در وضعیتی انجام می‌شود که بانک‌ها با مازاد نقدینگی مواجه هستند. در این شرایط بانک مرکزی با هدف جلوگیری از کاهش نرخ سود در بازار بین بانکی به عملیات ریپوی معکوس می‌پردازد، و با فروش اوراق بهادار به بانک‌ها (با نرخ بالاتر از نرخ سود بازار بین بانکی) نقدینگی بانک‌ها را جذب می‌کند.



عملیات بازار باز نیز در همین دوره با ۹۲ هزار میلیارد تومان افزایش به ۱۲۹ هزار میلیارد تومان رسید. بهرغم افزایش در حجم عملیات بازار باز، نرخ ریپو نیز افزایش پیدا کرد و از ۱۹ درصد در اسفند ۱۴۰۰ به ۲۱.۳۸ درصد در اسفند ۱۴۰۱ افزایش پیدا کرد. مجموعه این مشاهدات نشان می‌دهد نیاز به ذخایر بانکها بیش از افزایش در منابعی بود که عرضه می‌شد و فشارها در جهت افزایش نرخ‌های سود بود. وضعیتی که بانک مرکزی را مجاب کرد در بهمن ۱۴۰۱ سقف دالان نرخ سود را از ۲۲ درصد به ۲۴ درصد و کف دالان را از ۱۴ درصد به ۱۷ درصد افزایش دهد.



تحولات بازار بین بانکی در سال ۱۴۰۲: در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۲ عرضه منابع در بازار بین بانکی افزایش پیدا کرده است. این وضعیت مشابه شرایط در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ است که در نیمه آغازین سال نیاز به نقدینگی بانک‌ها کم و عرضه منابع در بازار بین بانکی زیاد بود. در نیمه دوم سال، با افزایش تسهیلات‌دهی و همچنین فشار بیشتر تأمین مالی دولت، منابع مازاد بانک‌ها کم و بنابراین عرضه منابع در بازار بین بانکی کم شده است. متوسط حجم روزانه بازار بین بانکی که در اسفند ۱۴۰۱ معادل ۱۴۹ هزار میلیارد تومان بود، در اسفند ۱۴۰۲ به ۷۳ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرد. کاهش عرضه در بازار بین بانکی در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ منجر به تشدید حجم عملیات بازار باز و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شد.

در سال ۱۴۰۲، نرخ سود بازار بین بانکی در محدوده ۲۳.۴۴ درصد و ۲۳.۷۶ درصد در نوسان بوده است. نرخ سود این بازار از ۲۳.۶۱ درصد در اسفند ۱۴۰۲ به ۲۳.۵۵ درصد در فروردین ۱۴۰۳ و ۲۳.۵۲ درصد در اردیبهشت کاهش پیدا کرد.

۲-۳- عملیات بازار باز

با راه‌اندازی عملیات بازار باز مقام پولی به سمت سیاست پولی فعالانه حرکت کرد. تا پیش از آن، بانک مرکزی برای مرتفع کردن نیاز به نقدینگی بانک‌ها، با سپرده‌گذاری نزد سایر بانک‌ها عرضه منابع در بازار بین بانکی را افزایش می‌داد. همچنین، استقراض کوتاه‌مدت بانک‌ها از بانک مرکزی تنها در قالب اضافه برداشت امکان‌پذیر بود. راه‌اندازی عملیات بازار باز از یک سو با تعیین دالان نرخ سود، نقش بانک مرکزی در مدیریت غیردستوری نرخ‌ها را ساماندهی کرد و از سوی دیگر، ابزارهای بانک مرکزی برای تأمین کسری نقدینگی بانک‌ها را گسترش داد و این امکان را فراهم کرد که بانک مرکزی با توجه به درجه سلامت بانک بتواند با نرخ‌های متفاوت منابع مورد نیاز را در اختیار آنها قرار دهد.

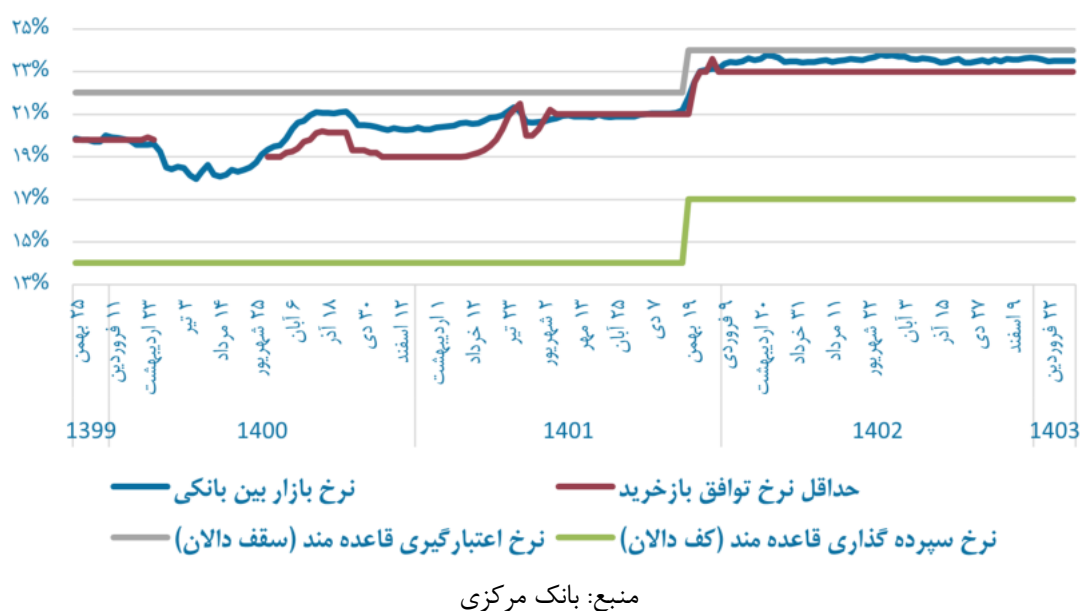
عملیات بازار باز از طریق دو قرارداد توافق بازخرید (ریپو) و اعتبارگیری قاعده‌مند انجام می‌گیرد. در هر دو روش، بانک مرکزی با دریافت اوراق بهادار دولتی به عنوان وثیقه منابع مالی در اختیار بانک قرار می‌دهد. تفاوت دو روش در نرخ آن است. اعتبارگیری قاعده‌مند در نرخ سود سقف دالان انجام می‌شود، اما توافق بازخرید با نرخ ریپو انجام می‌شود که در محدوده دالان قرار می‌گیرد. با راه‌اندازی عملیات بازار باز، استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی با سه نرخ (ریپو، سقف دالان و نرخ جریمه اضافه برداشت) امکان‌پذیر است.

عملیات بازار باز از سال ۱۳۹۸ راه‌اندازی شد، اما به دلیل مازاد منابع در بازار بین بانکی تا اواسط سال ۱۳۹۹ نقش قابل ملاحظه‌ای در تأمین نقدینگی شبکه بانکی نداشت. در اواسط مهر ۱۳۹۹ عرضه منابع در بازار بین بانکی روبه کاهش گذاشت و بنابراین بخشی از نیاز به نقدینگی کوتاه‌مدت بانک‌ها از طریق عملیات بازار باز تأمین شد و به این طریق عملیات بازار باز فعال شد. متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز تا آذر ۱۴۰۰ کمتر از ۵۰ هزار میلیارد تومان بود و تا اسفند ۱۴۰۱ به ۱۲۹ هزار میلیارد تومان افزایش

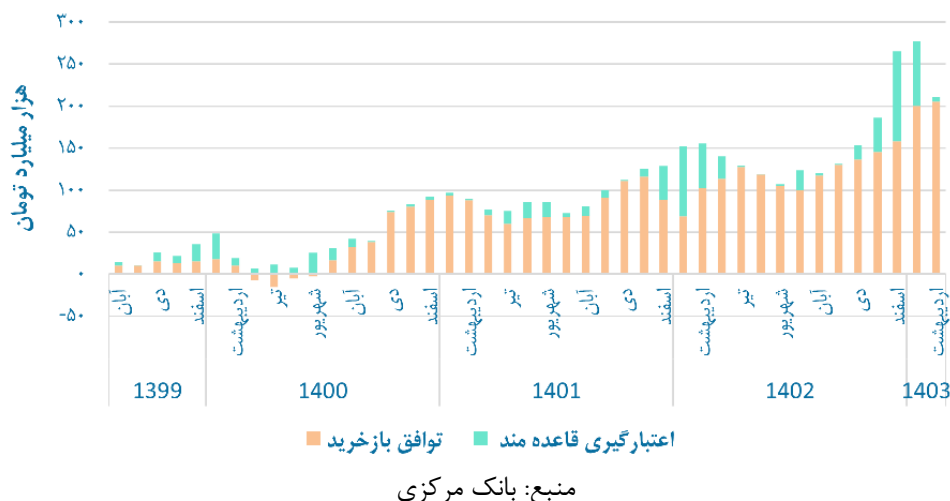
پیدا کرد.

در سال ۱۴۰۲، بانک مرکزی نرخ ریپو را در ۲۳ درصد تثبیت کرد و بنابراین با کاهش یا افزایش حجم عملیات بازار باز تغییری در نرخ این بازار مشاهده نشد. متوسط حجم عملیات بازار باز از ۱۲۹ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۵۶ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۲ (۱۰۶ درصد) افزایش پیدا کرد. افزایش حجم اعتبارگیری قاعده‌مند در سال ۱۴۰۲ (به‌ویژه در ماه‌های ابتدایی و انتهایی سال) نشان می‌دهد که دریافت منابع در نرخ ۲۴ درصد (سقف دالان نرخ سود) نیز جذاب است. این مشاهده حاکی از وجود فشار بر سقف دالان نرخ سود و متناسب نبودن سقف دالان با شرایط تورمی موجود است.

نمودار ۳-۳: نرخ سود در بازار بین بانکی و عملیات بازار باز



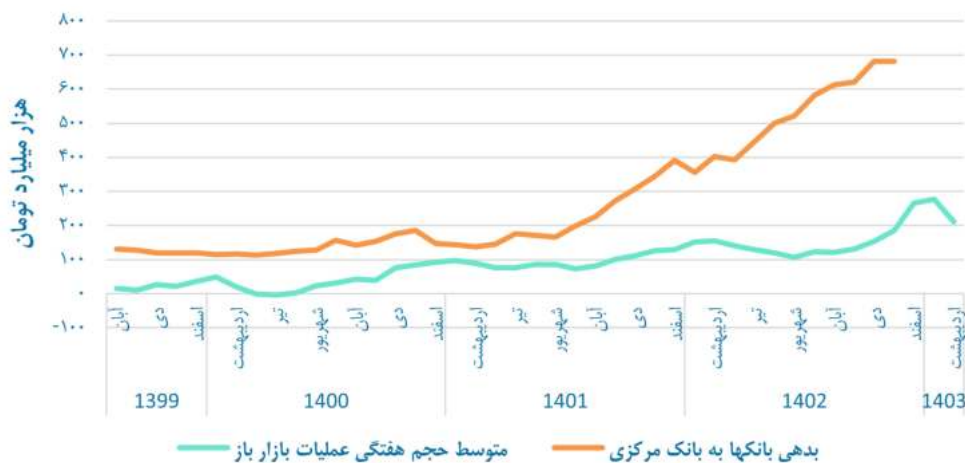
نمودار ۳-۴: متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز



در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳، متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز به ترتیب ۲۷۷ هزار میلیارد تومان و ۲۱۱ هزار میلیارد تومان بوده که همچنان حاکی از حجم بالای عملیات بازار است.^۱

افزایش در حجم عملیات بازار باز به‌ویژه از ماه‌های انتهایی سال ۱۴۰۲ مشاهده می‌شود. بررسی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نشان می‌دهد در بهمن این قلم تنها ۱ هزار میلیارد تومان نسبت به ماه قبل افزایش پیدا کرده، در حالی که در ماه‌های قبل افزایش‌های در خور توجهی را تجربه کرده بوده است. اگرچه رقم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی برای ماه‌های پس از بهمن و رشد پایه پولی پس از اسفند ۱۴۰۲ منتشر نشده، به نظر می‌رسد بانک مرکزی در ماه‌های فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز توانسته رشد پایه پولی را در نزدیک به ۳۰ درصد یا کمتر از آن نگاه دارد. با توجه به سطح بالا و مسیر افزایشی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، احتمالاً بانک مرکزی تلاش کرده بخش بیشتری از نیاز به نقدینگی بانک‌ها را از طریق عملیات بازار باز تأمین کند و تصویر باثباتی از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به نمایش بگذارد.

نمودار ۵-۳: متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی



منبع: بانک مرکزی

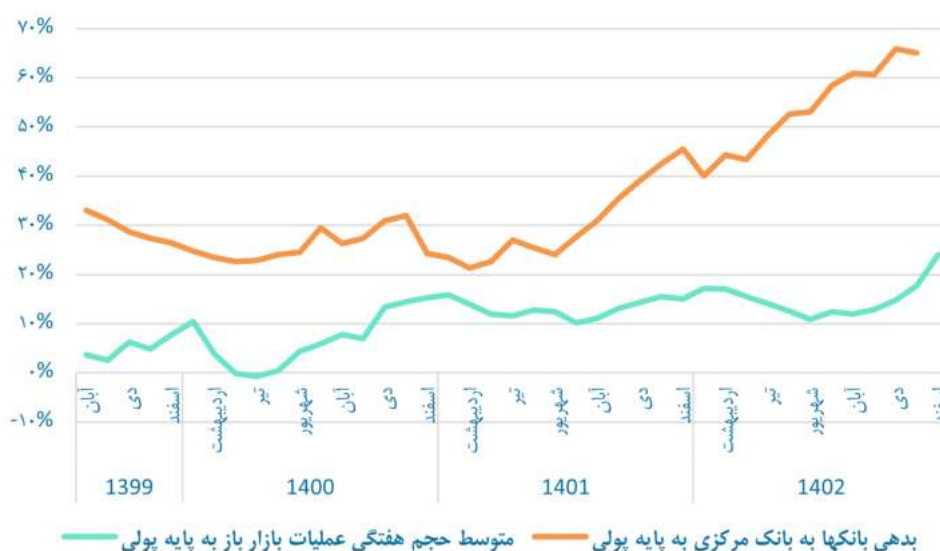
باید توجه داشت که سناریوی پیش‌گفته حاکی از یک وضعیت نسبتاً مطلوب است. وضعیتی که در آن افزایش در حجم عملیات بازار باز در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۳ همراستا با کاهش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی باشد. به بیان دیگر، شرایطی را متصور می‌شود که بانک مرکزی با افزایش حجم عملیات بازار باز از فشار بر اضافه برداشت کاسته است. چنانچه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی همراستا با عملیات بازار باز افزایش پیدا کرده باشد، نشان از وضعیتی بسیار نامطلوب و نگران‌کننده است که نشان می‌دهد مسئله

^۱ استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی از دو طریق (۱) بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (۲) عملیات بازار باز امکان‌پذیر است. افزایش سهم عملیات بازار باز از استقراض اتفاقی مطلوب است. اما افزایش کل استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی به معنی افزایش مضيقه نقدینگی بانک‌ها است و اتفاق مطلوبی نیست. تفکیک این دو فرآیند از یکدیگر حائز اهمیت است. در گزارش بعدی به این موضوع بیشتر پرداخته خواهد شد



کسری نقدینگی شبکه بانکی تشدید شده است. این سناریو امکان ماندگاری رشد پایه پولی در سطوح موجود را حتی در کوتاه‌مدت دور از انتظار می‌کند.

نمودار ۳-۶: نسبت متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به پایه پولی



منبع: بانک مرکزی

۴- جمع‌بندی بخش پولی کشور

بر اساس آخرین آمار در دسترس از بخش پولی کشور، مهمترین تحولات بخش پولی کشور به شرح زیر است

- نرخ رشد پایه پولی از ۴۲.۲ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۸.۱ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۲۱.۱ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است.

- نرخ رشد نقدینگی از ۳۱.۱ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۴.۳ درصد در اسفند ۱۴۰۲ کاهش پیدا کرده است. در اردیبهشت ۱۴۰۳ رشد نقدینگی به ۲۵.۶ درصد افزایش پیدا کرد.

- به‌رغم وضعیت کاهنده رشد پایه پولی و نقدینگی در سال ۱۴۰۲، همچنان رشد پایه پولی ۳.۸ واحد درصد بیش از رشد نقدینگی است.

- در اردیبهشت ۱۴۰۳ نرخ رشد نقدینگی نسبت به پایان سال بیشتر شده است.

- در سال ۱۴۰۲ و در اردیبهشت ۱۴۰۳ دو الگوی متفاوت در رشد کل‌های پولی قابل مشاهده است: (۱)

بالاتر بودن رشد پایه پولی نسبت به رشد نقدینگی به‌رغم کاهنده بودن هر دو در سال ۱۴۰۲ و (۲)

کمتر شدن رشد پایه پولی نسبت به رشد نقدینگی در کنار افزایشی شدن رشد نقدینگی در اردیبهشت

۱۴۰۳. این حقایق نشان می‌دهد بخش پولی همچنان در عدم تعادل به سر می‌برد و در مقاطع زمانی

کوتاه‌مدت ویژگی‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارد.

- در یازده ماه نخست سال رشد پایه پولی ۱۲.۸ واحد درصد کاهش پیدا کرده است. در حالی که در همین دوره بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۲۹۱ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. این موضوع نشان می‌دهد ناترازی بودجه‌ای و بانکی همچنان در حال انتقال به ترازنامه بانک مرکزی است. بنابراین کاهش رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۲ احتمالاً به دلیل سیاست‌های مقطعی مانند فروش ارز رخ داده است. بررسی اجزای پایه پولی گزاره را تأیید می‌کند. در یازده ماه نخست سال جاری، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی ۱۷۲ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است. تلاش بانک مرکزی برای مهار رشد پایه پولی و کنترل هیجانات در بازار از این گمانه را تقویت می‌کند که بانک مرکزی با فروش ارز توانسته باشد هر دو هدف را دنبال کرده باشد.

- متوسط حجم عملیات بازار باز افزایش پیدا کرده است. متوسط حجم هفتگی عملیات بازار باز از ۱۲۹ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۵۵ هزار میلیارد تومان در اسفند ۱۴۰۲ و ۲۷۷ هزار میلیارد تومان در فروردین ۱۴۰۳ و ۲۱۱ هزار میلیارد تومان در اردیبهشت ۱۴۰۳ رسیده است. افزایش حجم عملیات بازار باز در کنار کاسته شدن از شدت افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی این فرضیه را مطرح می‌کند که بانک مرکزی تلاش کرده از طریق عملیات بازار باز نیاز به نقدینگی بانک‌ها را مرتفع کند و به دلیل حساسیت توجه فضای کارشناسی کشور بر بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش این قلم را مهار کند.

بخش دوم

تحوّلات بخش بانکی



۵- اهمیت توسعه متوازن بانکی

یک سیستم مالی کارآمد امکان استفاده از منابع مالی را برای همه آحاد اقتصاد فراهم می‌کند. در اقتصاد ایران به دلیل توسعه‌نیافتگی بازار بدهی فشار تأمین مالی بر دوش شبکه بانکی کشور است. در سال‌های اخیر، افزایش نسبت تسهیلات به سپرده و نزدیک شدن آن به رقم ۱۰۰ درصد نشان می‌دهد بانک‌ها با تمامی ظرفیت به اعطای اعتبار پرداخته‌اند. با این حال، تداوم شرایط تورمی سبب شده تسهیلات حقیقی پرداختی کاهش یافته و تنگنای اعتباری تشدید شود. از سوی دیگر، فضای تورمی سبب شده شرایط سرکوب مالی بر بازار اعتبار حاکم باشد که منجر به شکل‌گیری مازاد تقاضا شده است.

در این فضا رقابتی بین خانوار، بنگاه و بخش دولتی برای دسترسی به منابع مالی شکل گرفته که دسترسی بالاتر هر یک به معنی برون‌رانی^۱ دیگری است. آحادی که بتوانند به بازار اعتبار دسترسی پیدا کنند به دلیل سرکوب نرخ در این بازار، تأمین مالی برای آنها هزینه پائینی خواهد داشت. در مقابل، گروه‌هایی که از بازار اعتبار بیرون مانده‌اند ناچار به پرداخت هزینه‌های گزاف تأمین مالی غیررسمی خواهند بود. در نتیجه یک فضای رانتی در بازار اعتبار شکل گرفته که سبب شده وام‌دهی ارتباطی افزایش پیدا کند. به دلیل مخدوش بودن شیوه سنجش اعتبار مشتری در وام‌دهی ارتباطی، نکول مطالبات بیشتر شده است.

با توجه به اهمیت موضوع‌های طرح‌شده، در این گزارش نقش بازار اعتبار در تأمین مالی از سه منظر دسترسی مالی، عمق مالی و استطاعت مالی با استفاده از داده‌های در دسترس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این سه تصویری از فراگیری مالی در کشور را در اختیار می‌گذارند. در ادامه وضعیت شبکه بانکی از طریق تحلیل ترازنامه و بررسی شاخص‌های سلامت بررسی خواهد شد. فصل آخر به جمع‌بندی می‌پردازد

۶- فراگیری مالی

۶-۱- دسترسی مالی

دسترسی مالی بدین مفهوم است که آحاد اقتصادی به سهولت و با هزینه کم امکان استفاده از خدمات و محصولات بانکی را داشته باشد. دسترسی مالی با استفاده از شاخص تسهیلات پرداختی قابل سنجش است

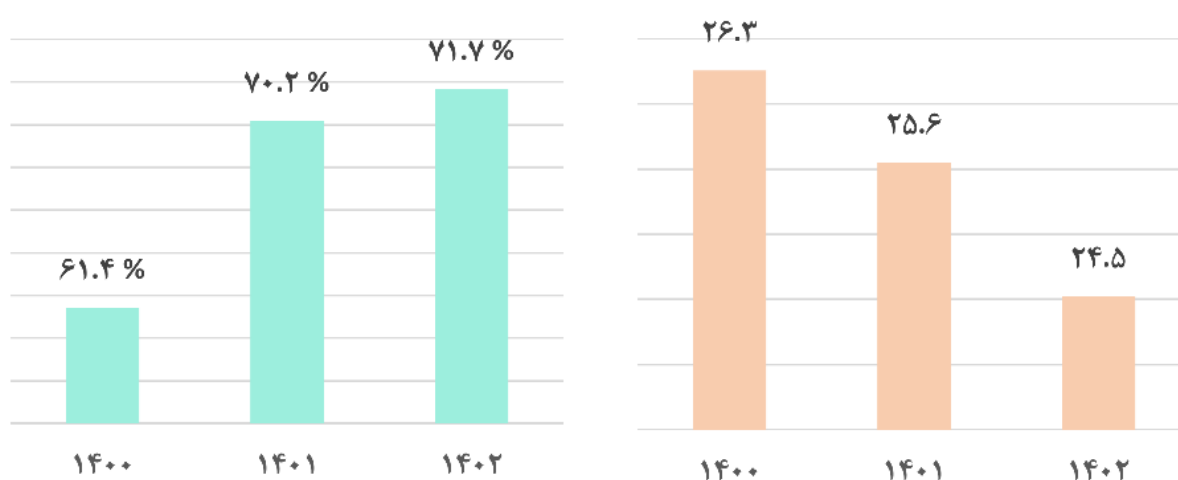
در سال ۱۴۰۲، تسهیلات پرداختی^۲ شبکه بانکی کشور ۵۶۴۶ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به سال قبل ۱۱۱۹ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. تسهیلات پرداختی نسبت به سال قبل ۲۴.۷ درصد

۱ Crowding out

۲ این رقم شامل تسهیلات پرداختی جدید و امهالی است.

رشد داشته، که در مقایسه با تورم^۱ کاهش تسهیلات حقیقی را نشان می‌دهد. به‌رغم کاهش تسهیلات حقیقی پرداختی در سال ۱۴۰۲، نسبت تسهیلات به نقدینگی ۱.۵ واحد درصد نسبت به سال قبل افزایش داشته و رقم ۷۱.۷ درصد را ثبت کرده است (نمودار ۱-۶). مشاهده این دو یافته در کنار هم نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ به‌رغم اینکه بخش بیشتری از منابع شبکه بانکی به اعطای تسهیلات اختصاص یافته، تنگنای اعتباری بنگاه‌ها بیشتر شده است

نمودار ۱-۶: تسهیلات پرداختی حقیقی^۲ (سمت راست) و تسهیلات پرداختی به نقدینگی (سمت چپ)



منبع: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران

در سال ۱۴۰۲، مبلغ ۴۶۱۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بنگاه (معادل ۸۱.۷ درصد از کل تسهیلات پرداختی) و ۱۰۳۴ هزار میلیارد تومان به خانوار (معادل ۱۸.۳ درصد از کل تسهیلات پرداختی) پرداخت شده که نسبت به سال قبل به ترتیب ۲۲.۶ درصد و ۵۰.۷ درصد افزایش داشته‌اند. بدین ترتیب، تسهیلات حقیقی پرداختی به بنگاه کاهش و تسهیلات حقیقی پرداختی به خانوار افزایش داشته است.

بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در دو ماه نخست سال ۱۴۰۳ تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور معادل ۷۲۲ هزار میلیارد تومان بوده که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۳۶.۲ درصد (۱۹۲ هزار میلیارد تومان) افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۵۷۲ هزار میلیارد تومان (معادل ۷۹.۳ درصد) به صاحبان کسب و کار و ۱۵۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۲۰.۷ درصد) به خانوارها تعلق گرفته است

۱ مرکز آمار ایران نرخ تورم نقطه به نقطه و متوسط را در سال ۱۴۰۲ به ترتیب ۳۲.۲ درصد و ۴۰.۷ درصد اعلام کرده است.

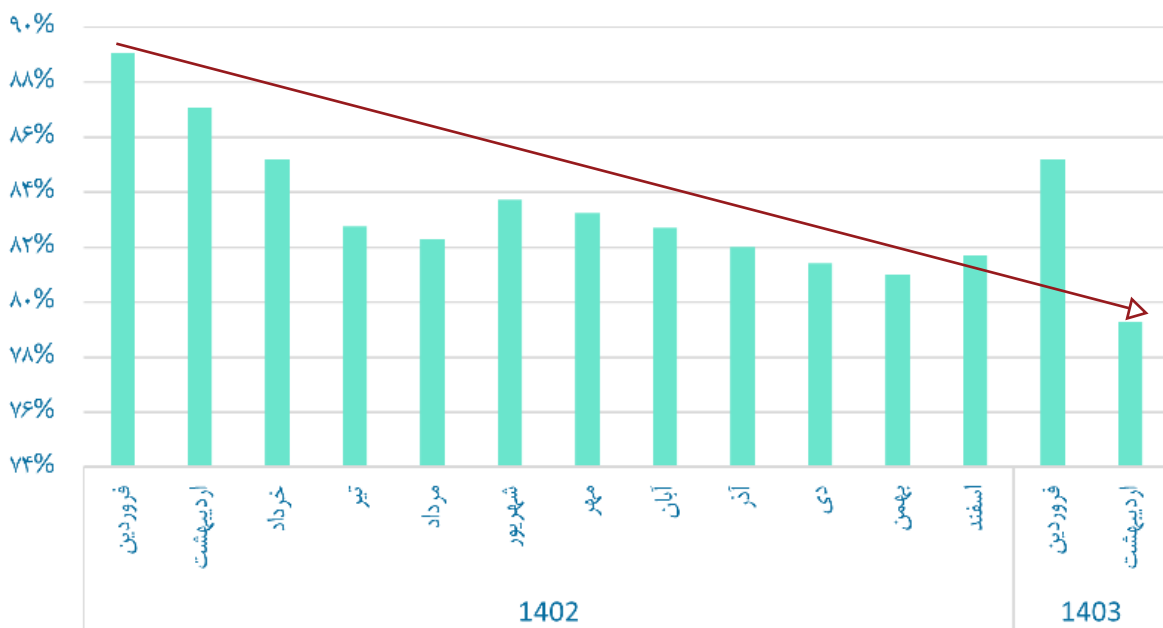
۲ تسهیلات پرداختی به شاخص قیمت مصرف کننده

۱-۱-۶- دسترسی مالی بنگاه

بنگاه‌های موجود در اقتصاد برای تأمین سرمایه در گردش یا توسعه کسب و کار در پی دریافت تسهیلات بانکی هستند. با توجه به اینکه بازار بدهی در ایران از توسعه کافی برخوردار نیست، تأمین مالی بنگاه‌ها بر دوش شبکه بانکی کشور است.

در سال ۱۴۰۲، تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها ۴۶۱۲ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به سال قبل ۸۵۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۲۲.۶ درصد) بیشتر شده که حاکی از کاهش تسهیلات حقیقی پرداختی به بنگاه‌ها است. از سوی دیگر، سهم بنگاه‌ها از کل تسهیلات پرداختی از ۸۴.۶ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۸۱.۷ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۷۹.۳ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است (نمودار ۲-۶). در دو ماه آغازین سال ۱۴۰۲، تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار ۵۷۲ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۲۴ هزار میلیارد تومان (۲۷.۶ درصد) بیشتر شده است.

نمودار ۲-۶: سهم صاحبان کسب و کار از تسهیلات پرداختی



منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی

بررسی سهم انواع تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار (نمودار ۴-۶) نشان می‌دهد ۷۶.۷ درصد از تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها صرف تأمین سرمایه در گردش شده و تنها ۴.۴ درصد از تسهیلات پرداختی بابت فعالیت‌های توسعه‌ای بنگاه پرداخت شده است. سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی به بنگاه از ۶۵.۳ درصد در اسفند ۱۴۰۰ به ۷۶.۴ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۷۶.۷ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ رسیده است (نمودار ۳-۶). از یک سو، سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی افزایش یافته و از

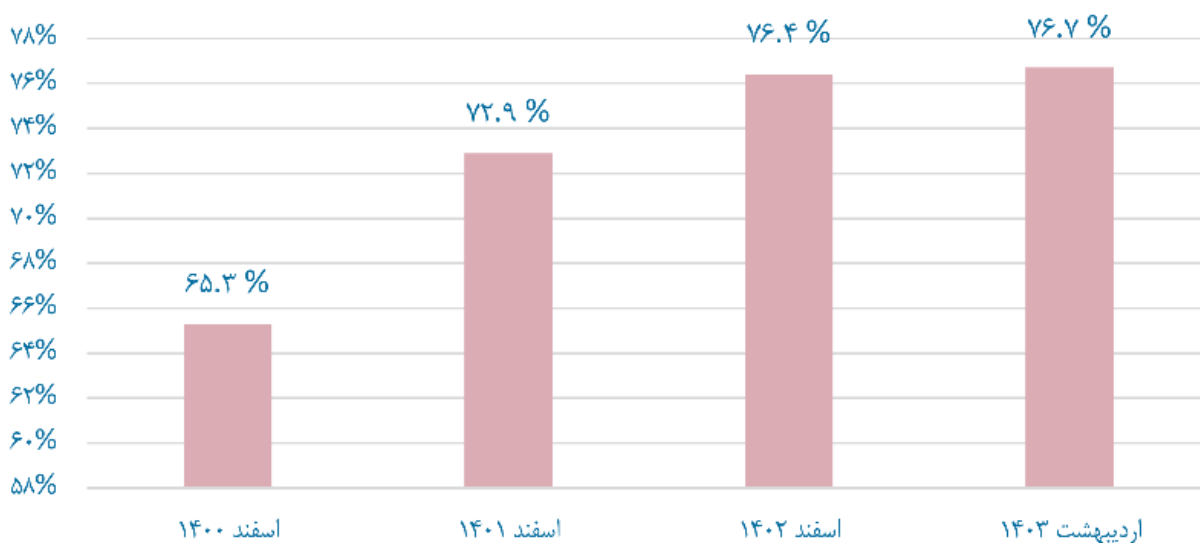
سوی دیگر، این رقم بیش از متوسط جهانی و کشورهای منطقه است. تقاضای بالای سرمایه در گردش توسط عواملی چون رویه‌های مالیات‌ستانی در شرایط سرکوب مالی، فقدان ابزارهای پوشش ریسک و افزایش تورم تولیدکننده در شرایط جهش ارزی قابل توضیح است^۱:

(۱) در حالت کلی انتظار می‌رود تأمین مالی داخلی کم‌هزینه‌تر و جذاب‌تر از تأمین مالی بیرونی باشد. اما رویه‌های مالیات‌ستانی کشور تأمین مالی داخلی را غیرجذاب‌تر از تأمین مالی بیرونی کرده است. یکی از این رویه‌های مالیات‌ستانی، معافیت موضوع ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم است که طبق آن: سود یا جوایز متعلق به حساب‌های پس‌انداز و سپرده‌های مختلف نزد بانک‌های ایرانی یا مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز از پرداخت مالیات معاف است. این معافیت در کنار وضعیت سرکوب مالی سبب می‌شود بنگاه‌ها منابع مالی موجود را نزد شبکه بانکی سپرده‌گذاری کرده و برای تأمین سرمایه در گردش از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

(۲) نبود ابزارهای پوشش ریسک نوسان قیمت‌های کلیدی و پیشران مانند مشتقات ارزی سبب شده تقاضای احتیاطی بنگاه برای مواد اولیه و بنابراین نیاز به سرمایه در گردش افزایش یابد. همچنین، تلاطم‌های بالا در بازار ارز و نااطمینانی‌های ناشی از سبب شده در بسیاری موارد بانک به منظور گشایش اعتبارات اسنادی مبلغ پیش‌پرداخت بیشتری را از بنگاه مطالبه نماید.

(۳) جهش ارزی هزینه تولید بنگاه را افزایش می‌دهد. بنابراین نیاز به سرمایه در گردش در شرایط نوسان ارزی بیشتر است.

نمودار ۳-۶: سهم سرمایه در گردش از تسهیلات پرداختی به بنگاه

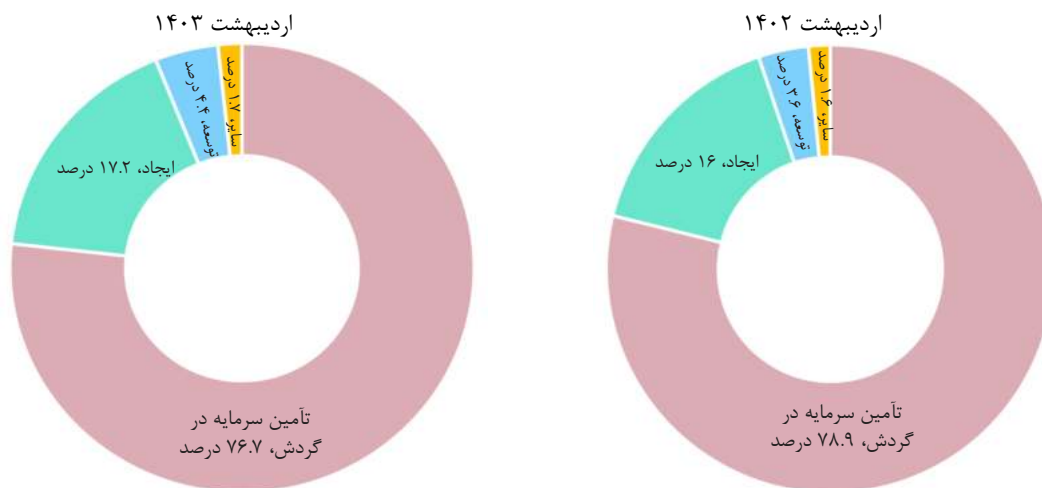


منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی

۱ گزارش «درباره جهش تولید: تأمین مالی سرمایه در گردش بنگاهها»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

در مجموع به نظر می‌رسد وضعیت نامساعد درآمدی و نااطمینانی‌های اقتصاد کلان، بنگاه‌ها را بیش از پیش به تأمین مالی بیرونی متکی کرده است. این وضعیت به همراه توسعه اندک بازار بدهی، دسترسی نداشتن شمار زیادی از بنگاه‌ها به شبکه بانکی رسمی و پایین بودن رقم اعتبارات دریافتی در مقایسه با هزینه بنگاه در کنار تقاضای بالای سرمایه در گردش باعث شده عمده تأمین مالی بیرونی بنگاه صرف تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های بزرگ و متوسط شود و سایر بنگاه‌ها از دسترسی به منابع بانکی محروم باشند. همچنین، تداوم وضعیت سرکوب مالی^۱ سبب شده تأمین مالی از طریق دریافت تسهیلات بانکی همواره از جذابیت برخوردار باشد و بنابراین مازاد تقاضای دائم برای دریافت اعتبار بانکی وجود داشته باشد.

نمودار ۴-۶: تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها



منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی

۲-۱-۶- دسترسی مالی خانوار

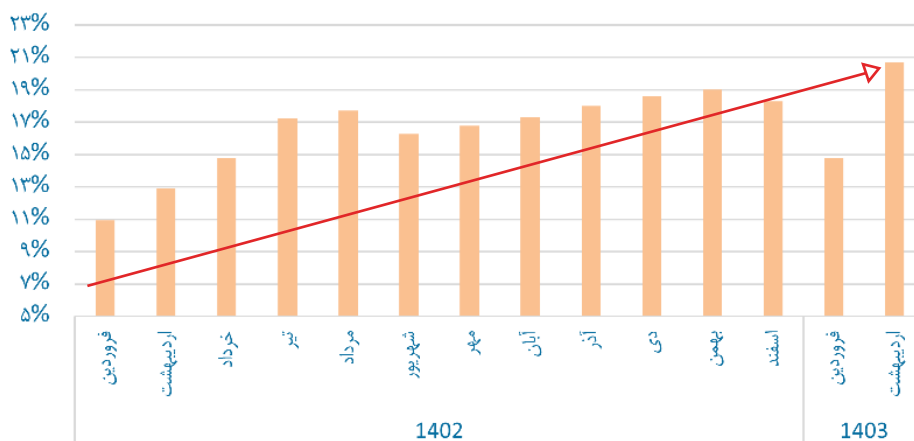
تسهیلات پرداختی به خانوارها در سال ۱۴۰۲ معادل ۱۰۳۴ هزار میلیارد تومان (معادل ۱۸.۳ درصد از تسهیلات پرداختی) و در دو ماه نخست سال ۱۴۰۳ معادل ۱۴۹ هزار میلیارد تومان (معادل ۲۰.۷ درصد از تسهیلات پرداختی) بوده است. افزایش سهم خانوار از تسهیلات پرداختی را می‌توان به افزایش سیاست‌های حمایتی دولت (مانند تسهیلات ازدواج، فرزندآوری و ودیعه مسکن) مرتبط دانست.

در سالهای اخیر با تداوم وضعیت تورمی و کاهش مستمر رفاه خانوار، دولت تلاش کرده بخشی از سیاست‌های حمایت از خانوار را در قالب اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به خانوار انجام دهد و از این

۱ سرکوب مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که مجموعه‌ای از سیاست‌ها و قوانین قیمت‌های بخش مالی را از مقادیر تعادلی آن منحرف می‌سازد. ابزارهای اصلی سرکوب مالی عبارتند از: نرخ‌های بالای ذخیره قانونی و نرخ‌های پایین بهره. سرکوب مالی منجر به افزایش تقاضای اعتبار و کاهش انگیزه پس‌انداز می‌شود. منبع: سرکوب مالی و رشد اقتصادی (شواهد تجربی از اقتصاد ایران)، عزیز مراسلی و باقر درویشی، مجله پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۷

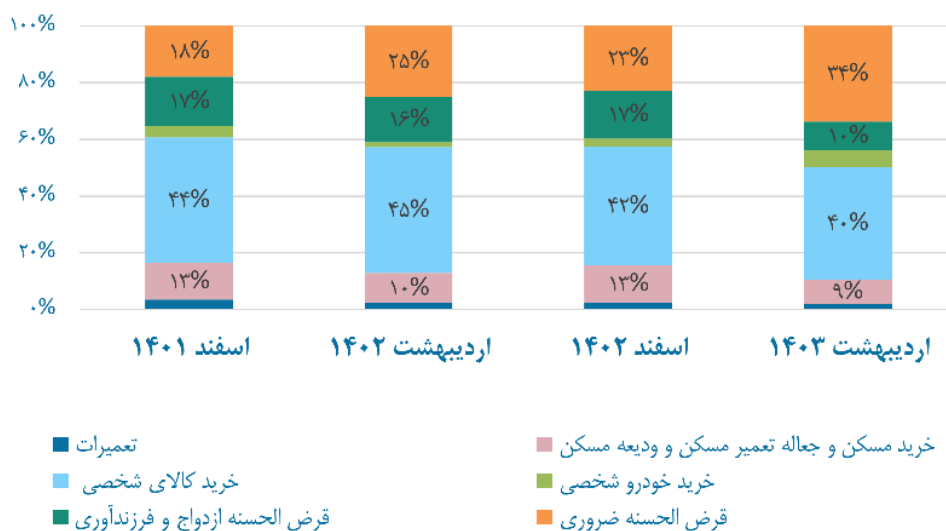
طریق بخشی از رفاه از دست رفته آنها را جبران کند. با توجه به محدود بودن منابع شبکه بانکی و اجرای سیاست کنترل رشد ترانزنامه بانک‌ها، بخش بیشتری از منابع شبکه بانکی صرف این سیاست‌های تکلیفی شده است. شایان ذکر است، تسهیلات حمایتی به خانوار تسهیلاتی هستند که بانک بدون سپرده‌گذاری مشتری ملزم به پرداخت آن است و بنابراین فشار بر منابع شبکه بانکی را افزایش می‌دهد. در دو ماه نخست سال ۱۴۰۳، در مجموع ۵۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات در قالب فرزندآوری، ازدواج و ودیعه مسکن پرداخت شده که ۸ واحد درصد از تسهیلات پرداختی در دوره مذکور را تشکیل می‌دهد. به عبارتی، دست کم ۸ واحد درصد از تسهیلات پرداختی در دو ماه نخست سال جاری بدون سپرده‌گذاری مشتری پرداخت شده است.

نمودار ۵-۶: سهم خانوار از تسهیلات پرداختی



منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی

نمودار ۶-۶: تسهیلات پرداختی به خانوار



منبع: آمارهای بانکی بانک مرکزی



طبق نمودار ۶-۶ در دو ماه ابتدایی سال ۱۴۰۳، ۴۰ درصد از تسهیلات پرداختی به خانوار در قالب خرید کالای شخصی، ۳۴ درصد در قالب قرض الحسنه ضروری، ۱۰ درصد قرض الحسنه ازدواج و فرزندآوری و ۹ درصد تسهیلات مرتبط با ودیعه، تعمیر یا خرید مسکن بوده است. مشاهده می‌شود در سال‌های اخیر از سهم تسهیلات خرید کالای شخصی کاسته شده و به سهم تسهیلات قرض الحسنه ضروری افزوده شده است. همچنین، سهم تسهیلات ازدواج و فرزندآوری از ۱۷ درصد در اسفند ۱۴۰۲ به ۱۰ درصد در اردیبهشت ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده که به دلیل به تعویق افتادن اعطای این تسهیلات رخ داده است. انتظار می‌رود در ماه‌های آتی سهم این گروه به مقادیر پیشین بازگردد.

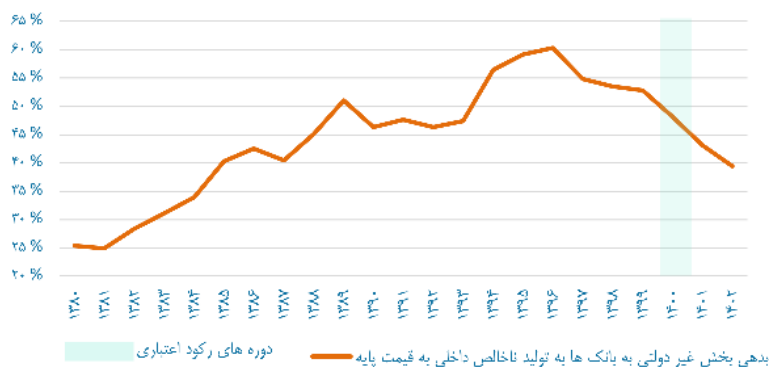
۲-۶- عمق مالی

عمق مالی بدین مفهوم است که عرضه منابع در اقتصاد به میزان کافی و مورد نیاز آحاد اقتصادی صورت می‌گیرد. در اقتصاد ایران به دلیل توسعه یافتگی اندک بازار بدهی، بار اصلی تأمین مالی بنگاه‌ها بر دوش شبکه بانکی کشور است. بررسی‌ها نشان می‌دهد رسوب دارایی‌های منجمد و مسموم در ترازنامه بانک‌ها سبب شده ظرفیت شبکه بانکی برای اعطای اعتبار کاهش پیدا کند. از سوی دیگر، پایین بودن نرخ سود تسهیلات در مقایسه با بازده دارایی‌های جایگزین و ریسک‌ها و نااطمینانی‌های موجود در اقتصاد انگیزه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات را کم کرده است. در ادامه بر اساس شاخص‌های مختلف به بررسی عمق مالی در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود.

۱-۲-۶- تسهیلات به تولید

نسبت تسهیلات به تولید شاخصی است که برای بررسی عمق مالی به کار می‌رود و توسعه کمی نظام بانکی را نشان می‌دهد. این شاخص بدین مفهوم است که به ازای هر واحد ارزش افزوده بهره‌مندی بخش خصوصی از منابع شبکه بانکی به چه میزان بوده است.

نمودار ۶-۷: مانده تسهیلات به تولید ناخالص داخلی



منبع: بانک مرکزی

نسبت تسهیلات به تولید با وضعیت مداوم نزولی از ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۹ درصد در سال ۱۴۰۲ کاهش پیدا کرده است. این کاهش بدین مفهوم است که بهره‌مندی بخش خصوصی از اعتبارات بانکی متناسب با تغییرات ارزش افزوده اقتصاد نبوده است

۲-۲-۶- تسهیلات به شاخص قیمت مصرف کننده

نسبت تسهیلات به شاخص قیمت مصرف کننده در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۱ کاهش یافته و در ادامه سال فزاینده بوده است. در سال ۱۴۰۲ نیز چنین الگویی تکرار شده است. با این حال، تسهیلات حقیقی در سال ۱۴۰۲ همچنان کمتر از سال ۱۴۰۱ است. کاهش تسهیلات حقیقی در سال ۱۴۰۲ در حالی رخ داده که نسبت تسهیلات به خالص سپرده افزایشی بوده است. به بیان دیگر، در سال ۱۴۰۲ بانک منابع بیشتری را صرف اعطای تسهیلات کرده، با این حال تنگنای اعتباری بنگاه‌ها تشدید شده است

نمودار ۸-۶: مانده تسهیلات به شاخص قیمت مصرف کننده (سال پایه ۱۴۰۰)



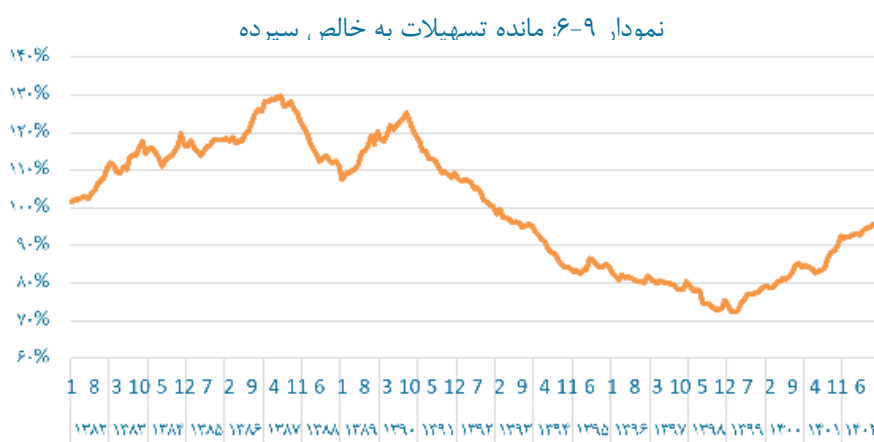
منبع: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران

۲-۲-۳- تسهیلات به خالص سپرده

نسبت تسهیلات به خالص سپرده نشان می‌دهد بانک‌ها چه میزان از سپرده‌های دریافتی را صرف اعطای تسهیلات کرده‌اند. از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۸ این شاخص وضعیت کاهنده داشته که به دلیل حجم بالای دارایی‌های منجمد و مسموم در ترازنامه بانک‌ها بوده است. در سال ۱۳۹۹ سلامت در برخی بانک‌ها افزایش پیدا کرد و منجر به بهبود در وضعیت تسهیلات‌دهی شد. افزایش نسبت تسهیلات به خالص سپرده از سال ۱۴۰۰ به بعد بیش از هر عاملی، ریشه در افزایش تکالیف بانک‌ها دارد. بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۲ نسبت تسهیلات به خالص سپرده ۹۵.۴ درصد بوده که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۵.۲ واحد درصد افزایش پیدا کرده است.



افزایش نسبت تسهیلات به خالص سپرده در حالت کلی اتفاقی مطلوب است و نشان می‌دهد بخش بیشتری از منابع سپرده‌ای بانک صرف اعطای اعتبار می‌گردد. اما نزدیک شدن این نسبت به رقم ۱۰۰ درصد به مفهوم عبور از آستانه امن است. مقایسه نمودار ۶-۷، نمودار ۶-۸ و نمودار ۶-۹ نشان می‌دهد در سال‌های اخیر با وجودی که بانک‌ها بخش بیشتری از منابع خود را صرف تسهیلات‌دهی کرده‌اند، این افزایش متناسب با رشد قیمت‌ها و تولید نبوده و در نتیجه دسترسی آحاد اقتصادی به اعتبارات بانکی نزولی و پرنوسان بوده است



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

در فروردین ۱۴۰۳، ارزش بازار بدهی ۸۲۸۱ هزار میلیارد تومان بوده که ۸۹ درصد آن (۷۳۴۴ هزار میلیارد تومان) بازار اعتبار و ۱۱ درصد آن (۹۳۷ هزار میلیارد تومان) اوراق بدهی بوده است. سهم بازار اعتبار نسبت به ماه مشابه سال قبل یک واحد درصد بیشتر شده است. همچنین، تأمین مالی از طریق بازار بدهی نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۱ درصد افزایش داشته که در مقایسه با تورم حاکی از کاهش حقیقی تأمین مالی از طریق بازار بدهی است. رشد بازار اعتبار و اوراق بدهی به ترتیب ۳۲ و ۲۹ درصد بوده است که نشان می‌دهد تأمین مالی از طریق اوراق بدهی رشد محدودتری نسبت به بازار اعتبار داشته است. در مجموع، می‌توان گفت تأمین مالی هم از طریق بازار اعتبار و هم اوراق بدهی محدودتر شده که این محدودیت در بازار اوراق شدت بیشتری داشته است^۱

جدول ۶-۱: ارزش بازار بدهی

بازار بدهی	فروردین ۱۴۰۳	اسفند ۱۴۰۲	فروردین ۱۴۰۲	تغییرات نسبت به ماه قبل	تغییرات نسبه به ماه مشابه سال قبل
تسهیلات بانکی	۷۳۴۴	۷۳۲۸	۵۵۸۳	۰.۲٪	۳۱.۵٪
اوراق بدهی	۹۳۷	۹۳۵	۷۲۷	۰.۲٪	۲۸.۹٪

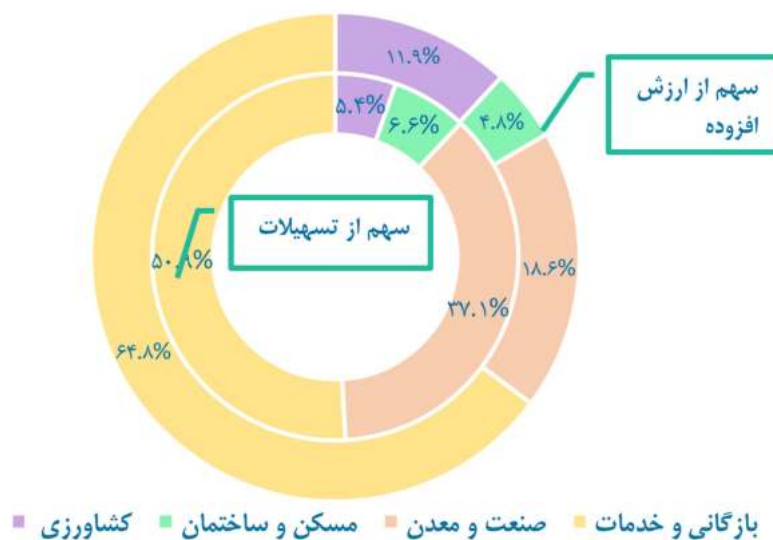
منبع: گزارش جامع بازار بدهی ایران منتهی به ۱۴۰۳/۰۱/۳۱، تأمین سرمایه لوتوس پاریسیان

۱ گزارش جامع بازار بدهی ایران منتهی به ۱۴۰۳/۰۱/۳۱، تأمین سرمایه لوتوس پاریسیان

۴-۲-۶- تسهیلات پرداختی به بخش‌های اقتصادی

در این بخش به مقایسه عمق مالی بین بخش‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. مقایسه بخش‌های کشاورزی، مسکن و ساختمان، صنعت و معدن و بازرگانی و خدمات نشان می‌دهد عمق مالی در بخش صنعت و معدن بیش از سایر بخش‌های اقتصادی است (نمودار ۱۰-۶). در حالی که سهم از ارزش افزوده بخش صنعت و معدن ۱۸.۶ درصد است، ۳۷.۱ درصد از تسهیلات پرداختی شبکه بانکی را به خود اختصاص داده است. در مقابل، بخش خدمات که ۶۴.۸ درصد از ارزش افزوده اقتصاد را تشکیل داده، ۵۰.۹ درصد از تسهیلات بانکی را دریافت کرده است. بخش کشاورزی نیز همانند بخش خدمات سهم از تسهیلات کمتری نسبت به سهم از ارزش افزوده دارد. سهم بالاتر بخش صنعت از تسهیلات در مقایسه با ارزش افزوده این بخش می‌تواند به دلیل (۱) وجود پرتعدادتر مشتریان مرتبط با شبکه بانکی (۲) نیاز بالاتر این بخش به سرمایه در گردش و تأمین مالی بانکی (۳) توجه بیشتر سیاست‌گذار به بخش صنعت و قدرت چانه‌زنی بالاتر در دریافت اعتبار در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی باشد.

نمودار ۱۰-۶: سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات و ارزش افزوده (اردیبهشت ۱۴۰۳)



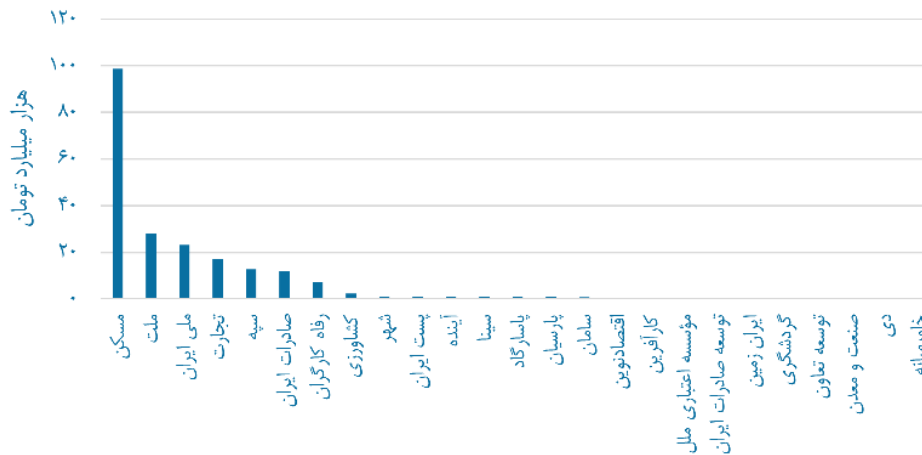
منبع: بانک مرکزی

۴-۲-۶-۱- تسهیلات پرداختی به بخش مسکن

در سال ۱۴۰۰ ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن ابلاغ شد. طبق این ماده بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مکلف شدند حداقل ۲۰ درصد از تسهیلات پرداختی هر سال را با نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار به بخش مسکن اختصاص دهند. در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ این قانون با جدیت بیشتری دنبال شد

و حتی تبصره‌ای برای اخذ مالیات از بانک‌های خاطی تصویب شد.

نمودار ۱۱-۶: عملکرد جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن (از ابتدای اجرای قانون تا پایان خرداد ۱۴۰۳)



منبع: بانک مرکزی

عملکرد جزء (۱۰) بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۰ و ماده (۴) قانون جهش تولید مسکن از ابتدای اجرای قانون تا خرداد ۱۴۰۳ معادل ۲۱۰.۳ هزار میلیارد تومان بوده که ۴۷ درصد از آن (۹۸.۶ هزار میلیارد تومان) توسط بانک مسکن پرداخت شده است. بانک ملت و ملی با پرداخت ۲۸.۲ و ۲۳.۳ هزار میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

نمودار ۱۲-۶: عملکرد قانون جهش مسکن بر اساس هدف



منبع: بانک مرکزی

از رقم ۲۱۰.۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی، ۴۵.۹ هزار میلیارد تومان در قالب تسهیلات خودمالکی، ۷۴.۷ هزار میلیارد تومان در قالب مشارکت نهضت ملی مسکن، ۴۲.۶ هزار میلیارد تومان در قالب مسکن روستایی، ۳۹.۸ هزار میلیارد تومان بابت حوادث غیرمترقبه و ۷.۲ هزار میلیارد تومان بابت ودیعه مسکن پرداخت شده است.

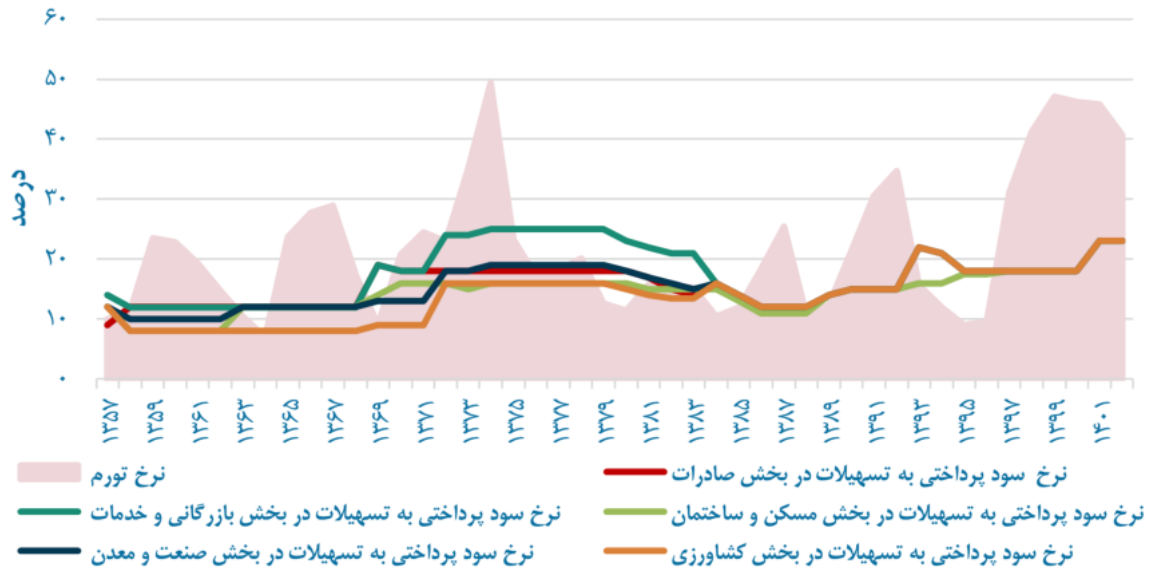
همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دو ماه نخست سال ۱۴۰۳ تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور ۷۲۲ هزار میلیارد تومان بوده که از این رقم ۳۸ هزار میلیارد تومان تسهیلات مسکن به صاحبان کسب و کار و ۱۳ هزار میلیارد تومان به خانوارها پرداخت شده است. بنابراین در مجموع ۵۱ هزار میلیارد تومان (معادل ۷.۱ درصد) تسهیلات به بخش مسکن پرداخت شده است. افزایش سهم تسهیلات پرداختی بخش مسکن به ۲۰ درصد بدین مفهوم است که سهم سایر بخش‌ها از تسهیلات پرداختی کاهش پیدا کند. بنابراین در صورت اجرای کامل قانون جهش تولید مسکن انتظار می‌رود تنگنای اعتباری در بخش صنعت تشدید شود.

۳-۶- استطاعت مالی

در این بخش هزینه تأمین مالی از طریق شبکه بانکی بررسی می‌شود. در نمودار ۱۳-۶ نرخ سود تسهیلات پرداختی به بخش‌های مختلف اقتصادی و نرخ تورم ترسیم شده است. مشاهده می‌شود از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ جز در مقاطعی کوتاه، نرخ سود تسهیلات بانکی همواره کمتر از نرخ تورم بوده است. یکی از عواملی که منجر به سوکوب مداوم نرخ سود بانکی در اقتصاد ایران شده تحلیل نادرست تورم و راهکارهای مهار آن است. تداوم وضعیت سرکوب مالی باعث شده هزینه تأمین مالی از طریق شبکه بانکی پایین‌تر از سایر روش‌های جایگزین باشد و بنابراین بازار اعتبار همواره با مازاد تقاضا مواجه باشد. در این وضعیت ترجیح بانک احتمالاً پرداخت اعتبار به مشتریان مرتبط و وابسته خواهد بود. در این وضعیت مشتریان غیروابسته از دریافت تسهیلات بانکی محروم می‌شوند. بنابراین بخش‌های مرتبط موفق خواهند شد با هزینه پایین به تسهیلات بانکی دسترسی پیدا کنند. در مقابل، مشتریان غیرمرتبط از دسترسی به بازار اعتبار محروم شده و ناچار به پرداخت هزینه‌های گزاف تأمین مالی خواهند شد. همچنین، سرکوب مالی سبب شده ترکیب سپرده‌های بانکی به نفع سپرده‌های سیال‌تر تغییر کند و بنابراین ماندگاری سپرده در شبکه بانکی کاهش پیدا کند. کاهش ماندگاری سپرده سبب می‌شود ظرفیت تسهیلات‌دهی شبکه بانکی کمتر شده و بنابراین عرضه اعتبار توسط شبکه بانکی با محدودیت مواجه شود.

بالتر بودن نرخ تورم نسبت به نرخ سود تسهیلات بانکی (سرکوب مالی) پدیده‌ای است که به طور غالب در شبکه بانکی کشور مشاهده شده است. اما در سال‌های اخیر هم میزان این شکاف و هم ماندگاری آن نسبت به دوره‌های قبلی سرکوب مالی بیشتر شده است. از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ پدیده سرکوب مالی به طور مستمر قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد تداوم این وضعیت سبب شده تا نرخ سود تسهیلات و سپرده به طور غیررسمی در شبکه بانکی کشور افزایش پیدا کند. این مکانیسم از طریق مسدود شدن بخشی از مبلغ تسهیلات به عنوان سپرده بانکی مسدودی یا دریافت کارمزدهای سالیانه انجام می‌شود.

نمودار ۱۳-۶: نرخ سود تسهیلات پرداختی به بخش‌های مختلف اقتصادی و نرخ تورم



منبع: بانک مرکزی

۷- تحلیل ترازنامه شبکه بانکی

۷-۱- شاخص‌های رقابت‌پذیری و ترکیب بازار

بررسی سهم گروه‌های مختلف بانکی از تسهیلات نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی، خصوصی‌شده و خصوصی به ترتیب سهم از تسهیلات معادل ۲۰، ۱۴، ۳۵ و ۳۱ درصد و سهم از سپرده ۲۵، ۹، ۳۳ و ۳۳ درصد داشته‌اند. مشاهده می‌شود ۶۶ درصد از تسهیلات و سپرده شبکه بانکی در اختیار بانک‌های غیر دولتی (خصوصی و خصوصی‌شده) است.

مقایسه سهم از تسهیلات و سپرده گروه‌های بانکی با سال قبل نشان می‌دهد سهم از تسهیلات و سپرده در بانک‌های تجاری دولتی و تخصصی بدون تغییر باقی مانده است. در بانک‌های خصوصی‌شده سهم از تسهیلات یک واحد درصد نسبت به سال قبل افزایش و سهم از سپرده یک واحد درصد کاهش یافته است. در بانک‌های خصوصی عکس این رویداد قابل مشاهده است.

جدول ۱-۷: سهم گروه‌های بانکی مختلف از تسهیلات، سپرده

سهم از سپرده		سهم از تسهیلات		
۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۱	
۲۵٪	۲۵٪	۲۰٪	۲۰٪	تجاری دولتی
۹٪	۹٪	۱۴٪	۱۴٪	تخصصی
۳۳٪	۳۴٪	۳۵٪	۳۴٪	خصوصی شده
۳۳٪	۳۲٪	۳۱٪	۳۲٪	خصوصی
۱۶.۵٪	۱۴.۴٪	۱۹.۲٪	۱۹.۲٪	خصوصی سالم
۱۶.۵٪	۱۷.۶٪	۱۱.۸٪	۱۲.۸٪	خصوصی ناسالم

منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی، سایت کدال

بررسی سهم از تسهیلات و سپرده به تفکیک بانک‌های خصوصی سالم و ناسالم^۱ نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ سهم از تسهیلات در بانک‌های خصوصی سالم ۱۹.۲ درصد بوده که با سال قبل تفاوتی نداشته است. این نسبت در بانک‌های خصوصی ناسالم با یک واحد درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۱۱.۸ درصد رسیده است. بررسی سهم از سپرده نشان می‌دهد در بانک‌های خصوصی سالم با دو واحد درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۶.۵ درصد رسیده است. در بانک‌های خصوصی ناسالم سهم از سپرده ۱۶.۵ درصد بوده که نسبت به سال قبل یک واحد درصد کاهش یافته است. کاهش سهم بانک‌های خصوصی ناسالم از سپرده و تسهیلات به دلیل اجرای موفقیت‌آمیز سیاست مهار رشد ترازنامه بانک‌ها رخ داده است که ضمن مهار رشد نقدینگی منجر به کوچک شدن نسبی ترازنامه بانک‌های ناسالم نیز شده است.

به طور کلی تحولاتی که در سهم از سپرده و تسهیلات مشاهده می‌شود به شرح زیر است:

- ۱) سهم از سپرده در بانک‌های خصوصی سالم ۲ واحد درصد افزایش داشته و در بانک‌های خصوصی شده و خصوصی ناسالم هر کدام یک واحد درصد کاهش داشته است.
- ۲) سهم از تسهیلات در بانک‌های خصوصی شده یک واحد درصد افزایش و در بانک‌های خصوصی ناسالم یک واحد درصد کاهش داشته است.
- ۳) سهم بانک‌های خصوصی ناسالم هم از تسهیلات و هم از سپرده کمتر شده که به معنی کوچک شدن نسبی ترازنامه این بانک‌ها است.

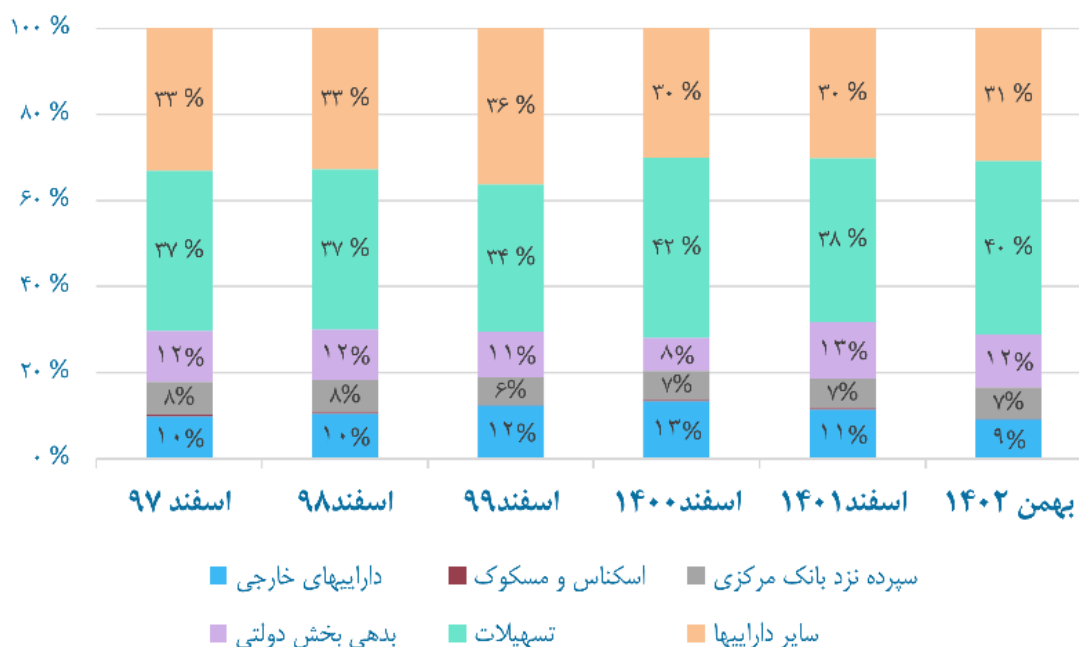
۱ بانک خصوصی ناسالم بانکی است که یکی از سه ویژگی زیر را دارا باشد: (۱) زیانده باشد. (۲) دارای زیان انباشته باشد. (۳) اضافه برداشت بالا و مزمّن داشته باشد. بر این اساس بانک‌های سرمایه، ایران‌زمین، آینده، دی، گردشگری، شهر و پارسیان بانک خصوصی ناسالم و سایر بانک‌های خصوصی سالم در نظر گرفته شده‌اند



۷-۲- دارایی‌های شبکه بانکی

سمت راست ترازنامه شبکه بانکی دارایی‌های بانک است که بر اساس آمارهای پولی بانک مرکزی دارایی اقسام دارایی‌های خارجی، اسکناس و مسکوک، سپرده نزد بانک مرکزی (سپرده قانونی نزد بانک مرکزی و سپرده دیداری نزد بانک مرکزی)، بدهی بخش دولتی به بانک، بدهی بخش غیردولتی به بانک (تسهیلات) و سایر دارایی‌ها قابل رصد است. در ادامه ترکیب دارایی‌ها در گروه بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و بانک‌های غیردولتی^۱ بررسی می‌شود.

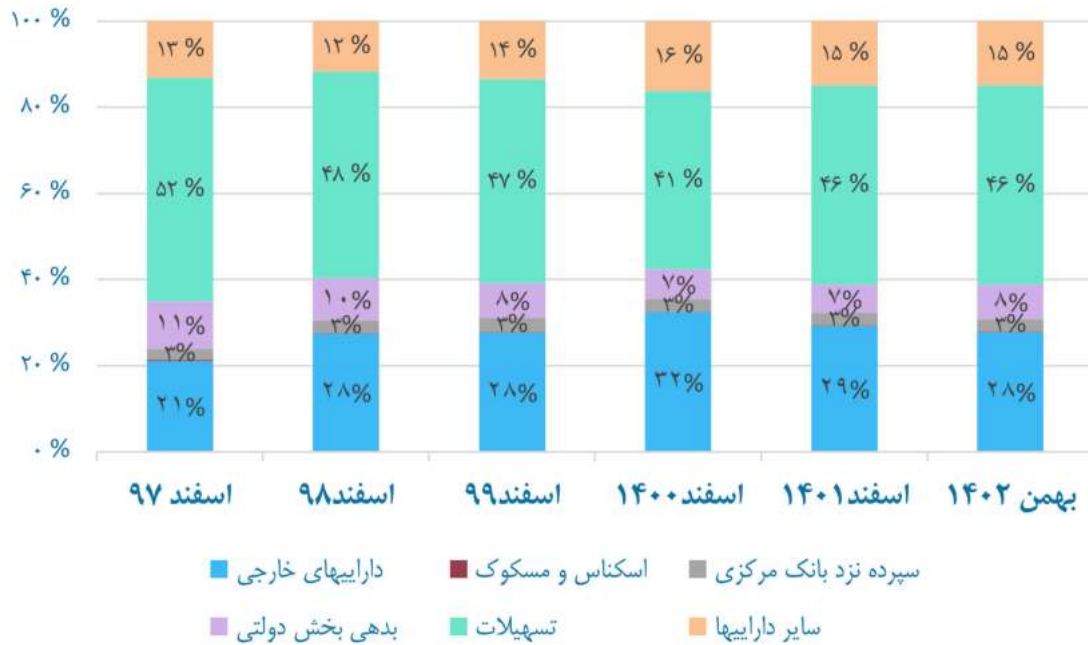
نمودار ۷-۱: ترکیب دارایی در بانک‌های تجاری دولتی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

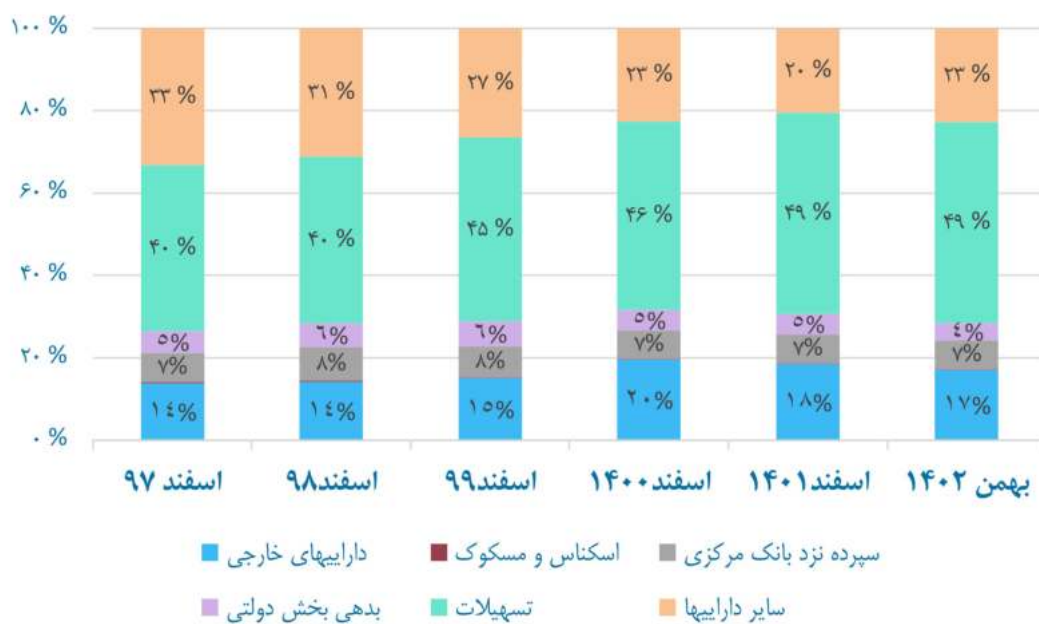
۱ بانک‌های غیردولتی شامل بانک‌های خصوصی شده و خصوصی است. در آمارهای پولی بانک مرکزی اطلاعات این دو به تفکیک ارائه نمی‌شود و امکان بررسی جداگانه اجزای ترازنامه این دو گروه بانکی از این منبع داده امکان‌پذیر نیست.

نمودار ۲-۷: ترکیب دارایی در بانک‌های تخصصی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

نمودار ۳-۷: ترکیب دارایی در بانک‌های غیردولتی (خصوصی شده و خصوصی)



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

از بررسی نمودارهای فوق نتایج زیر به دست می‌آید:



- در بهمن ۱۴۰۲، سهم دارایی‌های خارجی در بانک‌های تجاری دولتی و غیردولتی به ترتیب ۹ و ۱۷ درصد و برای بانک‌های تخصصی ۲۸ درصد است، که نشان می‌دهد تسهیلات ارزی پرداختی توسط این گروه بانکی بیش از سایر بانک‌ها است. بنابراین ریسک‌های ارزی بانک‌های تخصصی را بیشتر متأثر می‌کند. نرخ بالای نکول در مطالبات ارزی و وضعیتی افزایشی آن در سال‌های اخیر توجه به این پدیده را بیشتر می‌کند. همچنین در سال ۱۴۰۲، سهم دارایی‌های ارزی در همه گروه‌های بانکی کاهش پیدا کرده است. با توجه به اینکه رشد سایر اجزای ترازنامه متناسب با تورم بوده و تسعیر نرخ ارز در یازده ماه نخست سال ۱۴۰۲ تغییر نکرده، سهم دارایی‌های ارزی کم شده است.
- سهم سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی^۱ از دارایی در بانک‌های دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۷، ۳ و ۷ درصد بوده و نسبت به سال قبل بدون تغییر بوده است. با این حال، نسبت سپرده قانونی (سپرده قانونی به کل سپرده‌های ریالی) در همه گروه‌های بانکی بیشتر شده است. در بهمن ۱۴۰۲، نسبت سپرده قانونی در بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۱۱.۸، ۸.۲ و ۱۲.۲ درصد بوده و در همه گروه‌ها ۰.۳ واحد درصد نسبت به پایان سال بیشتر شده است. بانک مرکزی با افزایش نسبت ذخیره قانونی سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها را دنبال می‌کند. سهم سپرده‌های دیداری نزد بانک مرکزی^۲ از دارایی در همه گروه‌های بانکی کمتر از ۰.۱ درصد بوده است. در فروردین ۱۴۰۲ سپرده دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی ۲۲ هزار میلیارد تومان بوده که طی یک وضعیت نزولی در بهمن ماه به ۵ هزار میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است، که حاکی از کاهش عرضه منابع در بازار بین بانکی است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از افزایش حجم عملیات بازار باز و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۱۴۰۲ بدین علت است که از عمق بازار بین بانکی کاسته شده است.
- سهم بدهی بخش دولتی از دارایی در بانک‌های دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۱۲، ۸ و ۴ درصد بوده و در بانک‌های تجاری دولتی و غیردولتی کاهش و در بانک‌های تخصصی افزایش پیدا کرده است. کاهش سهم بدهی بخش دولتی از دارایی در بانک‌های تجاری دولتی و بانک‌های غیردولتی در حالی رخ داده که بدهی به بانک مرکزی در همه گروه‌های بانکی افزایشی بوده است. در توضیح این پدیده می‌توان گفت به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ تأمین مالی دولت توسط شبکه بانکی از طریق افزایش مستقیم بدهی دولت به بانک‌ها نبوده و دولت با افزایش تکالیف محوله بانک‌ها اهداف خود را پیش برده است. قانون جهش تولید مسکن، سیاست‌های حمایت از خانوار و شرکت‌های دانش‌بنیان و تکالیف مندرج در تبصره ۱۸ و تبصره ۱۶ از جمله این موارد است. نکته مهم دیگری که در نمودارهای فوق قابل مشاهده است سهم بالاتر بدهی بخش دولتی از دارایی در بانک‌هایی است که سهام‌داری دولت بیشتر است. بنابراین می‌توان بدهی دولت به بانک را نوعی وام‌دهی ارتباطی دانست.

۱ سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی از مجموع سپرده‌های قانونی و سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی تشکیل می‌شود.

۲ سپرده‌های دیداری نزد بانک مرکزی منابعی است که توسط بانک‌ها در بازار بین بانکی قابل تزریق است. بنابراین افزایش این قلم منجر به افزایش عمق بازار بین بانکی خواهد شد

- سهم تسهیلات از دارایی در بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۴۰، ۴۶ و ۴۹ درصد بوده که تنها در بانک‌های تجاری دولتی نسبت به سال قبل بیشتر شده است. بر اساس داده‌های منتشره در سایت کدال در سال ۱۴۰۲ نسبت تسهیلات به دارایی در بانک‌های خصوصی شده، خصوصی سالم و خصوصی ناسالم به ترتیب ۴۶، ۶۰ و ۴۵ درصد است. در بانک‌های خصوصی سالم، اعمال فشار محدودتر دولت سبب شده سهم تسهیلات به دارایی بیش از سایر بانک‌ها باشد.

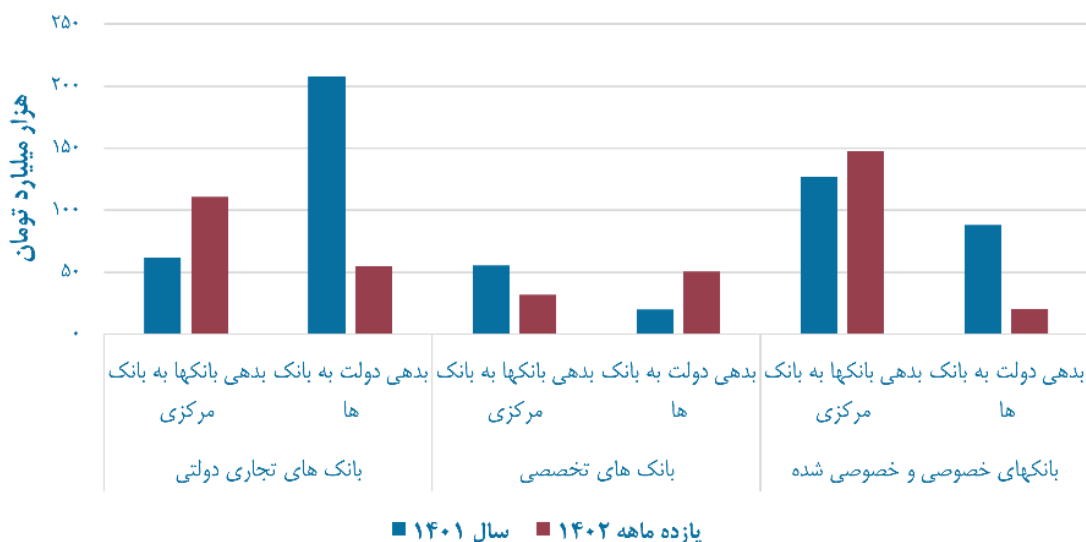
- سهم سایر دارایی‌ها از کل دارایی در بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۳۱، ۱۵ و ۲۳ درصد بوده که در بانک‌های تجاری دولتی و غیردولتی افزایش و در بانک‌های تخصصی بدون تغییر بوده است. سهم بالاتر سایر دارایی‌ها در بانک‌های تجاری دولتی نسبت به سایر بانک‌ها قابل مشاهده است. بر اساس صورت‌های مالی منتشره در سایت کدال، در بهمن ۱۴۰۲ سهم سایر دارایی‌ها از کل دارایی در بانک‌های غیردولتی ۴ درصد به دست می‌آید. تفاوت دو نسبت مذکور به دلیل تفاوت در رقم سایر دارایی‌ها در دو منبع آماری است. بر اساس آمارهای پولی بانک مرکزی سایر دارایی‌های بانک‌های غیردولتی در بهمن ۱۴۰۲ معادل ۱۹۶۶ هزار میلیارد تومان بوده است. اما بر اساس داده‌های کدال اسفند ۱۴۰۲ این رقم معادل ۳۱۱ هزار میلیارد تومان است. اختلاف بالای این دو رقم نشان می‌دهد تعریف سایر دارایی‌ها در دو منبع آماری متفاوت است. بر اساس داده‌های کدال، سهم سایر دارایی‌ها از کل دارایی در بانک‌های خصوصی شده، خصوصی سالم و خصوصی ناسالم به ترتیب ۲۰۹، ۳۰۲ و ۸۰۶ درصد که وضعیت نامطلوب‌تر بانک‌های خصوصی ناسالم را نشان می‌دهد.

به طور کلی مهم‌ترین نتایجی که از بررسی ترکیب دارایی‌های بانک‌ها به دست می‌آید به شرح زیر است:

(۱) کاهش سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ عرضه منابع در بازار بین بانکی کمتر شده است. بانک‌های دارای کسری نقدینگی از سه طریق می‌توانند نیاز به نقدینگی خود را تأمین کنند: بازار بین بانکی، عملیات بازار باز و اضافه برداشت. کاهش عمق بازار بین بانکی سبب شده تا بانک‌ها بیشتر به عملیات بازار باز و اضافه برداشت متکی شوند که وضعیت افزایشی دو متغیر مذکور در سال ۱۴۰۲ قابل مشاهده است.



نمودار ۴-۷: افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و بدهی بخش دولتی به بانک‌ها



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

در سال ۱۴۰۲، در حالی که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در همه گروه‌های بانکی افزایش پیدا کرده است، سهم بدهی بخش دولتی از دارایی در بانک‌های تجاری دولتی و غیردولتی کم شده است. در نمودار زیر این موضوع به شکل دیگری نمایش داده شده است. در پایانه ماه نخست سال ۱۴۰۲، بدهی دولت به بانک‌های تجاری دولتی ۵۵ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است، در حالی که در همین دوره بدهی بانک‌های تجاری دولتی به بانک مرکزی ۱۱۱ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. در بانک‌های غیردولتی افزایش در بدهی بخش دولتی و بدهی به بانک مرکزی به ترتیب ۲۰ و ۱۴۸ هزار میلیارد تومان بوده است. اگرچه بخشی از افزایش در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به دلیل ناترازی بانکی است، بخش دیگری از آن به دلیل عملیات مالی دولت است که به شکل افزایش تکالیف محوله بر دوش بانک‌ها نهاده شده است. به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ دولت تلاش کرده از استقراض مستقیم از بانک‌ها تا حد امکان امتناع کرده و سیاست‌های مورد نظر خود را در قالب تکالیف محوله به بانک‌ها تحمیل نماید. بررسی‌های نشان می‌دهد انتقال هزینه‌های عملیات مالی دولت به شبکه بانکی به هر صورتی که انجام شود منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده و دارای آثار پولی است.

۳-۷- بدهی‌ها و سرمایه شبکه بانکی

سمت چپ ترازنامه بانک شامل بدهی‌ها و سرمایه بانک است و متشکل از اقلام سپرده‌های بخش غیردولتی، بدهی به بانک مرکزی، وام‌ها و سپرده‌های بخش دولتی، حقوق صاحبان سهام، وام‌ها و سپرده‌های ارزی و سایر بدهی‌ها است. از بررسی نمودارهای زیر نتایج زیر برای سال ۱۴۰۲ به دست می‌آید:

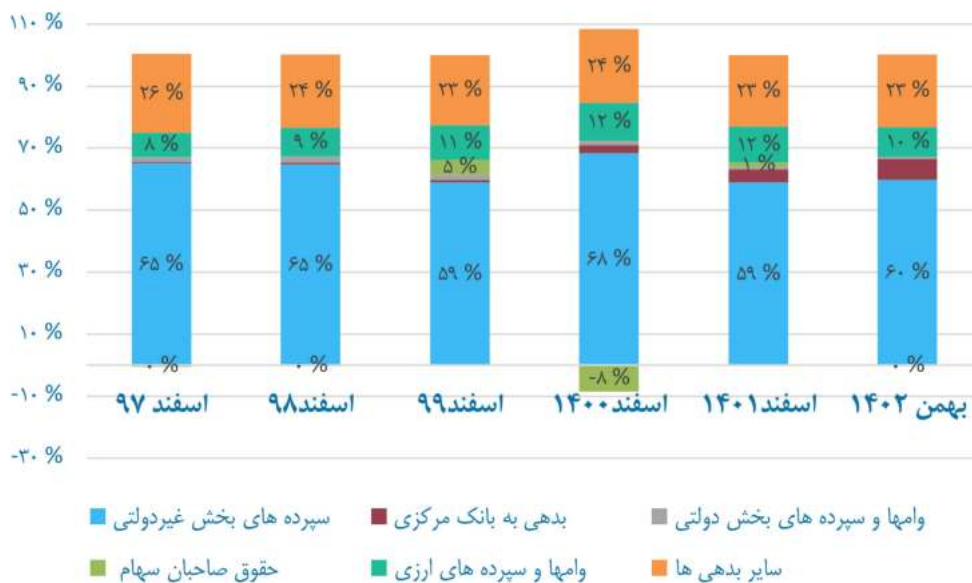
- سهم سپرده‌های بخش غیردولتی از دارایی در بانک‌های دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۶۰، ۳۶ و ۵۸ درصد بوده که در بانک‌های تجاری دولتی افزایش و در بانک‌های غیردولتی کاهش یافته است. سهم پایین سپرده بخش غیردولتی در بانک‌های تخصصی با سهم بالای وام‌ها و سپرده‌های ارزی جبران می‌شود.^۱ بر اساس داده‌های منتشره در سایت کدال سهم سپرده از دارایی در بانک‌های خصوصی شده، خصوصی سالم و خصوصی ناسالم به ترتیب ۶۱، ۶۷ و ۸۱ درصد است.^۲ سهم بالای سپرده به دارایی در بانک‌های خصوصی ناسالم قابل مشاهده است که به دلیل جذب بالاتر سپرده‌های هزینه‌زا توسط این بانک‌ها است.
- مانده بدهی به بانک مرکزی به دارایی در بانک‌های دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۷، ۷ و ۴ درصد بوده و در همه گروه‌های بانکی نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده است. در یازده ماه نخست سال ۱۴۰۲، بدهی بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و غیردولتی به بانک مرکزی به ترتیب ۱۱۱، ۳۲ و ۱۴۸ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. عمده افزایش بدهی به بانک مرکزی در بانک‌های غیردولتی مربوط به بانک‌های خصوصی ناسالم است که ریشه در ناترازی عملیات بانکی دارد. در سایر بانک‌ها افزایش بدهی به بانک مرکزی به دلیل فشار مالی دولت است.
- حقوق صاحبان سهام به دارایی در بانک‌های تجاری دولتی، تخصصی و غیردولتی به ترتیب ۰.۳، -، ۵ و ۰.۴ درصد بوده است. رقم پایین نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی و منفی بودن آن در برخی سال‌ها در بانک‌های دولتی و غیردولتی حاکی از وضعیت نامساعدتر حقوق صاحبان سهام در این بانک‌ها است. بر اساس اطلاعات منتشره در سایت کدال، حقوق صاحبان سهام به دارایی در بانک‌های خصوصی شده، خصوصی سالم و خصوصی ناسالم به ترتیب ۱۳، ۵ و ۲۹- درصد است. وضعیت منفی حقوق صاحبان سهام در بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی ناسالم قابل مشاهده است. بر اساس آمارهای پولی در بهمن ۱۴۰۲، حقوق صاحبان سهام در بانک‌های تجاری دولتی ۹- هزار میلیارد تومان است. همچنین، بر اساس داده‌های سایت کدال در اسفند ۱۴۰۲ حقوق صاحبان سهام در بانک‌های خصوصی ناسالم ۴۱۹- هزار میلیارد تومان است.

۱ در بانک‌های تخصصی سهم بالای وام‌ها و سپرده‌های ارزی (در سمت چپ ترازنامه) و دارایی‌های خارجی (در سمت راست ترازنامه) قابل مشاهده است که بخشی از آن منعکس‌کننده اعطای منابع ارزی صندوق ملی توسعه از طریق این گروه بانکی است

۲ بر اساس اطلاعات سایت کدال نسبت سپرده به دارایی در بانک‌های غیردولتی ۶۶ درصد است. بالاتر بودن این رقم نسبت به آمارهای پولی بدین علت است که در صورت‌های مالی منتشره در سایت کدال سپرده شامل سپرده‌های ارزی و ریالی است. اما در آمارهای پولی تنها سپرده‌های ریالی لحاظ شده است.

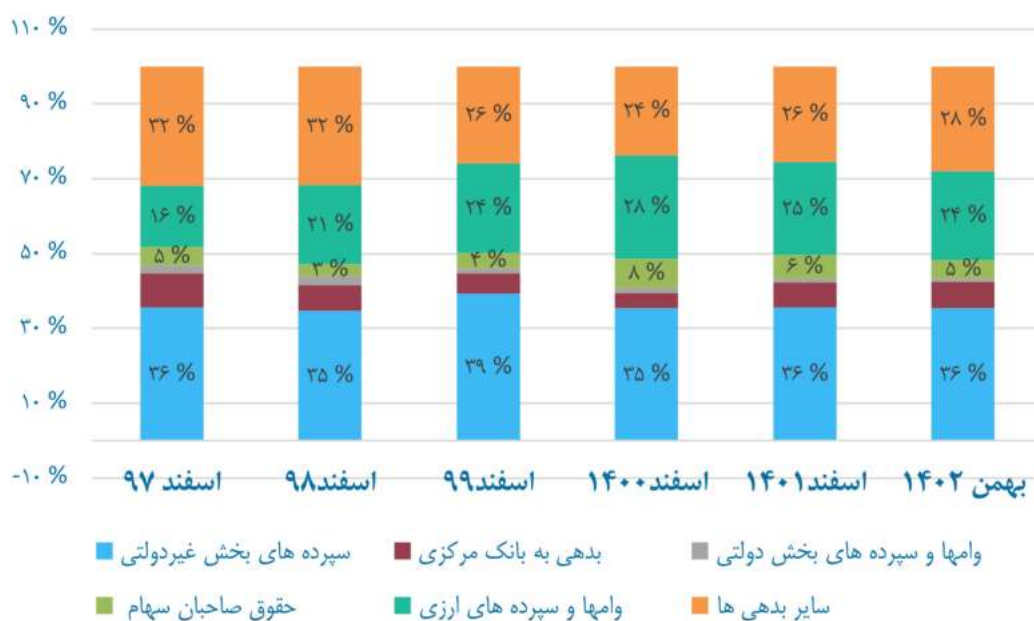


نمودار ۷-۵: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های تجاری دولتی



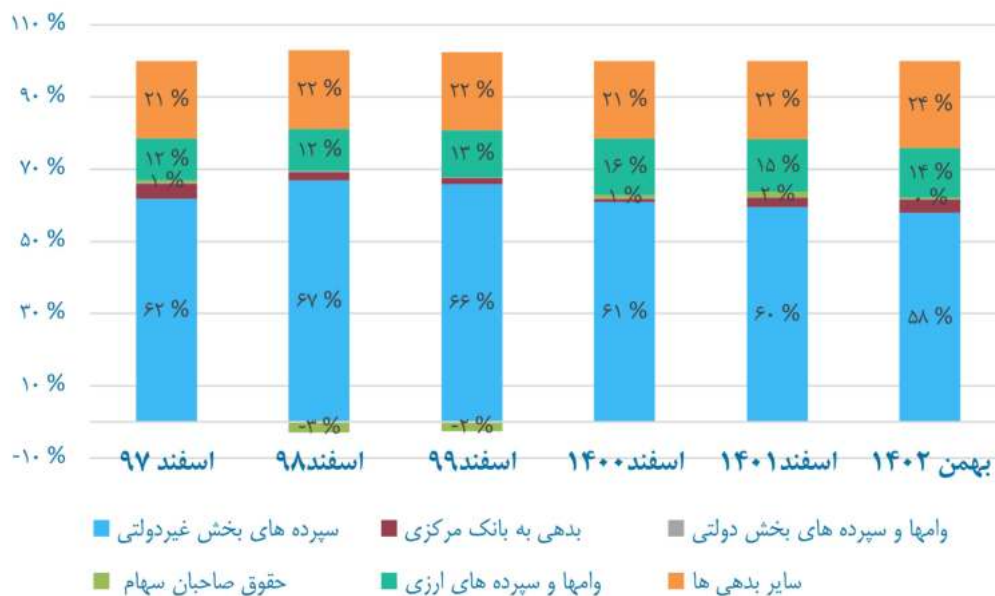
منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

نمودار ۷-۶: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های تخصصی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

نمودار ۷-۷: ترکیب بدهی‌ها و سرمایه در بانک‌های غیردولتی (خصوصی‌شده و خصوصی)



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

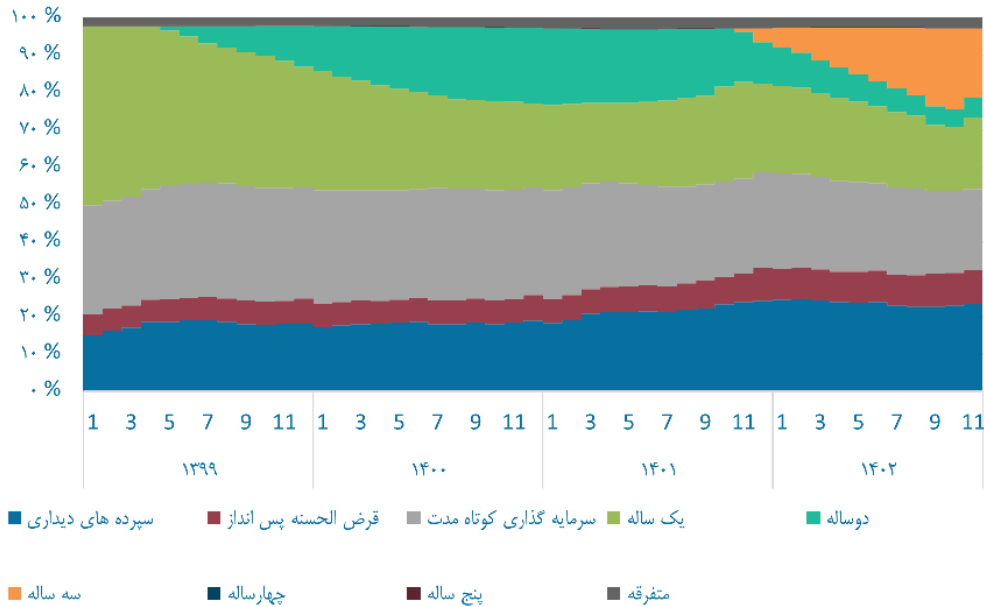
۱-۳-۷- ترکیب سپرده‌ها

به دنبال تحولات اقتصاد کلان کشور و افزایش بازده در بازارهای جایگزین سپرده بانکی، بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۱ نرخ سود سپرده‌ها را افزایش داد. نرخ سود سپرده‌های یکساله از ۱۶ درصد به ۲۰.۵ درصد، دوساله از ۱۸ درصد به ۲۱.۵ درصد و سپرده‌های سه‌ساله نیز با نرخ ۲۲.۵ درصد در شبکه بانکی کشور فعال شد. بانک مرکزی انتظار داشت که این تغییر منجر به افزایش ماندگاری سپرده شود و سهم سپرده‌های دیداری از کل سپرده را کاهش دهد. اما چنین نشد، و سهم سپرده‌های دیداری از کل سپرده از ۲۳.۳ درصد در دی ۱۴۰۱ به ۲۳.۹ درصد در شهریور ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرد.

عدم افزایش ماندگاری سپرده‌های بانکی در پی افزایش نرخ سود سپرده‌ها را به دو موضوع می‌توان نسبت داد: (۱) جهش تورم و نرخ ارز در ماه‌های پایانی ۱۴۰۱ و ماه‌های آغازین ۱۴۰۲ بازده دارایی‌های جایگزین سپرده را بار دیگر افزایش داد. بنابراین همچنان سپرده مدت‌دار در مقایسه با دارایی‌های جایگزین جذابیت کمی داشت. (۲) بانک‌ها برداشت زودتر از موعد سپرده‌های مدت‌دار را مشمول جریمه نکردند. این موضوع سبب شد سپرده‌های مدت‌دار ماهیتاً تفاوتی با سپرده جاری نداشته باشند. انجام این تخطی توسط بانک‌ها سبب شد بخشی از سپرده‌های یکساله و دوساله به سپرده‌های سه‌ساله تبدیل شود. سهم سپرده‌های یکساله و دوساله به ترتیب از ۲۶ و ۱۶ درصد در دی ۱۴۰۱ به ۲۰ و ۷ درصد در شهریور ۱۴۰۲ کاهش و در مقابل سهم سپرده‌های سه‌ساله که در بهمن ۱۴۰۱ فعال شد در شهریور ۱۴۰۲ به ۱۴ درصد از کل سپرده‌ها رسید. بنابراین افزایش نرخ سود سپرده‌ها تنها منجر به افزایش هزینه بانک‌ها شد.



نمودار ۸-۷: سهم انواع سپرده در شبکه بانکی کشور

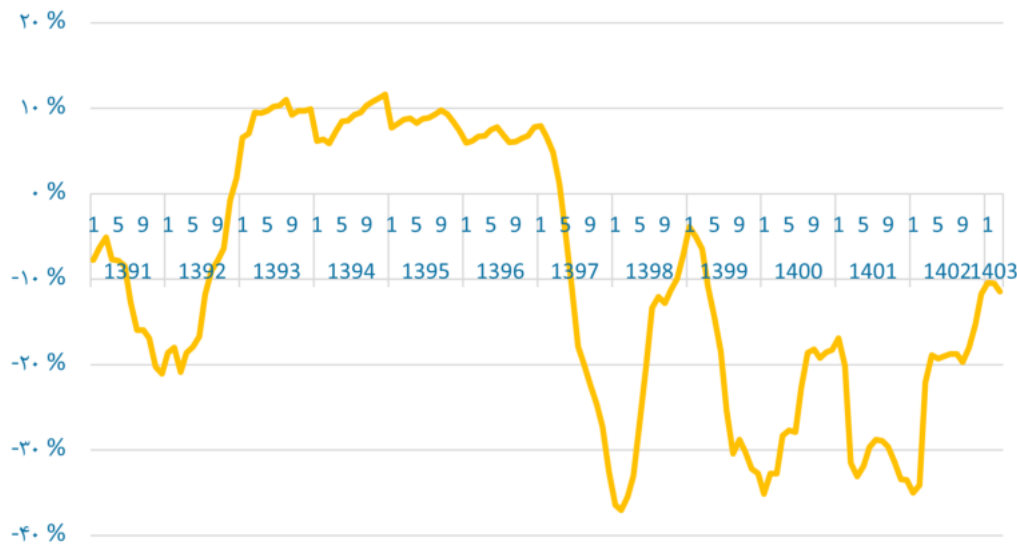


منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

در این وضعیت، بانک‌ها برداشت پیش از موعد سپرده‌های بلندمدت را مشمول جریمه نکردند که منجر به دو اتفاق مهم شد: (۱) گسیل منابع سپرده‌ای به سمت بانک‌های خاکی، (۲) تبدیل بیشتر سپرده‌های یک‌ساله و دوساله به سپرده‌های سه‌ساله. به طوری که سهم سپرده‌های یک‌ساله و دو ساله به ترتیب از ۲۰ و ۷ درصد در شهریور ۱۴۰۲ به ۱۹ و ۵ درصد در بهمن ۱۴۰۲ کاهش و سهم سپرده‌های سه‌ساله در همین دوره از ۱۴ درصد به ۱۹ درصد افزایش پیدا کرد. انتشار گواهی سپرده خاص در بهمن ۱۴۰۲ نیز اثر چندانی بر ماندگاری سپرده‌ها نداشت، اگرچه به طور موقت توانست بازار ارز را آرام کند. سهم سپرده‌های دیداری از کل سپرده در بهمن ۱۴۰۲ برابر ۲۳.۵ درصد بوده است.

شکاف بالا بین نرخ‌های بانکی و تورم انتظاری سبب شده ترجیح افراد نگهداری دارایی‌های با نقدپذیری بالا باشد. سهم بالای سپرده‌های دیداری از کل سپرده در سطح کلان منجر به افزایش سیالیت نقدینگی و تورمزایی بالای آن شده و در سطح بانکی افزایش ریسک را در پی داشته است. زیرا در این وضعیت تسهیلات بانکی از محل سپرده‌های با ماندگاری پایین پرداخت می‌شود.

نمودار ۹-۷: سود سپرده یک‌ساله منهای تورم



منبع: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران

بر اساس آمار اخیری که بانک مرکزی منتشر نموده، نرخ رشد نقطه به نقطه پول از ۲۴.۷ درصد در بهمن ۱۴۰۲ به ۱۷.۵ درصد در اسفند ۱۴۰۲ و ۱۵.۷ درصد در فروردین ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است. بدین ترتیب سهم پول از نقدینگی از ۲۴.۸ درصد در بهمن به ۲۴.۳ درصد در اسفند رسیده است. در انتهای سال ۱۴۰۲ و اوایل سال ۱۴۰۳ ماندگاری سپرده‌ها افزایش یافته است. احتمالاً این اتفاق به دلیل تخطی بانک‌ها از نرخ سود مصوب باشد^۱. به نظر می‌رسد پس از انتشار اوراق گواهی سپرده ۳۰ درصدی در بهمن، انتظاری مبنی بر افزایش نرخ‌های سود بانکی در سال ۱۴۰۳ شکل گرفت و بانک‌ها به طور غیررسمی نرخ سود سپرده‌ها را افزایش داده‌اند. افزایش غیررسمی نرخ سود بانکی دو مخاطره جدی در پی دارد

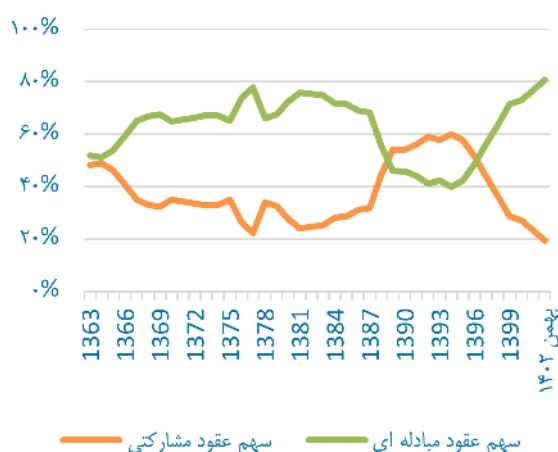
(۱) سپرده‌ها به سمت بانک‌هایی که نرخ سود بالاتری پرداخت کنند روانه می‌شود. در این وضعیت تمایل بانک‌های ناسالم برای پرداخت نرخ سودهای بالاتر بیش از سایر بانک‌ها است. بنابراین قاعده بازی توسط بانک‌های ناسالم تعیین و سپرده‌ها از بانک‌های سالم به بانک‌های ناسالم منتقل می‌شود.

(۲) افزایش نرخ سود بانکی در حالی رخ داده که سقف دالان نرخ سود ثابت است. بنابراین نرخ سود بازار بین بانکی امکان عبور از سقف دالان (۲۴ درصد) را ندارد. عدم امکان حرکت نرخ سود بازار بین بانکی به سمت ارقام بالاتر می‌تواند بر عرضه منابع در بازار بین بانکی اثرگذار باشد. به بیان دیگر، افزایش رسمی نرخ سود بانکی می‌توانست ارتفاع افزایش عمق بازار بین بانکی را نیز در پی داشته باشد که افزایش نرخ‌ها به صورت غیررسمی از چنین ظرفیتی برخوردار نیست.

۲-۳-۷- ترکیب تسهیلات

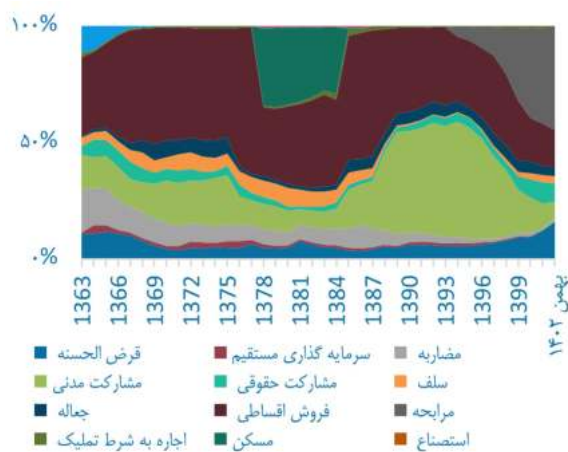
در نمودار ۱۰-۷ سهم انواع سهم انواع عقود اسلامی نمایش داده شده است. پیش از معرفی عقد مباحه عمده تسهیلات بانکی تحت عقود فروش اقساطی و مشارکت مدنی پرداخت می‌شد. عقد مباحه^۱ پس از معرفی به سرعت توانست جایگزین سایر عقود شود. در بهمن ۱۴۰۲، سهم تسهیلات مباحه از کل تسهیلات ۴۴ درصد بوده که نسبت به پایان سال ۳ واحد درصد بیشتر شده است. در مقابل سهم مشارکت مدنی و فروش اقساطی هر کدام با ۲ واحد درصد کاهش نسبت به سال قبل به ترتیب ۸ و ۱۶ درصد بوده است.

نمودار ۱۱-۷: سهم عقود مبادله‌ای و مشارکتی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

نمودار ۱۰-۷: سهم انواع عقود بانکی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

در سال‌های اخیر با معرفی عقود مبادله‌ای^۲ جدید (مانند مباحه) عمده تسهیلات بانکی در قالب این عقود پرداخت می‌شود. در اواسط دهه ۱۳۹۰ سهم عقود مبادله‌ای در محدوده ۴۰ درصد بوده است. این رقم در بهمن ۱۴۰۲ به بیش از ۸۰ درصد رسیده که نسبت به پایان سال ۴ واحد درصد بیشتر شده است.

۱ عقد مباحه برای خرید کالاها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجاکه بخش قابل ملاحظه‌ای از نیاز به منابع مالی خانوار و بنگاه بابت خرید کالا می‌باشد، معرفی این عقد تأمین مالی برای خرید کالا را تسهیل کرده است

۲ عقود مبادله‌ای نرخ سود تسهیلات ثابت است. فروش اقساطی، جعاله، مرابحه در این دسته قرار می‌گیرند. در عقود مشارکتی نرخ سود تسهیلات ثابت نیست. در این نوع از عقود، بانک کل یا بخشی از سرمایه فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند و انتهای فعالیت، سود حاصل از فعالیت اقتصادی تقسیم می‌شود. مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه در دسته عقود مشارکتی قرار می‌گیرند.

۴-۷- سلامت بانکی

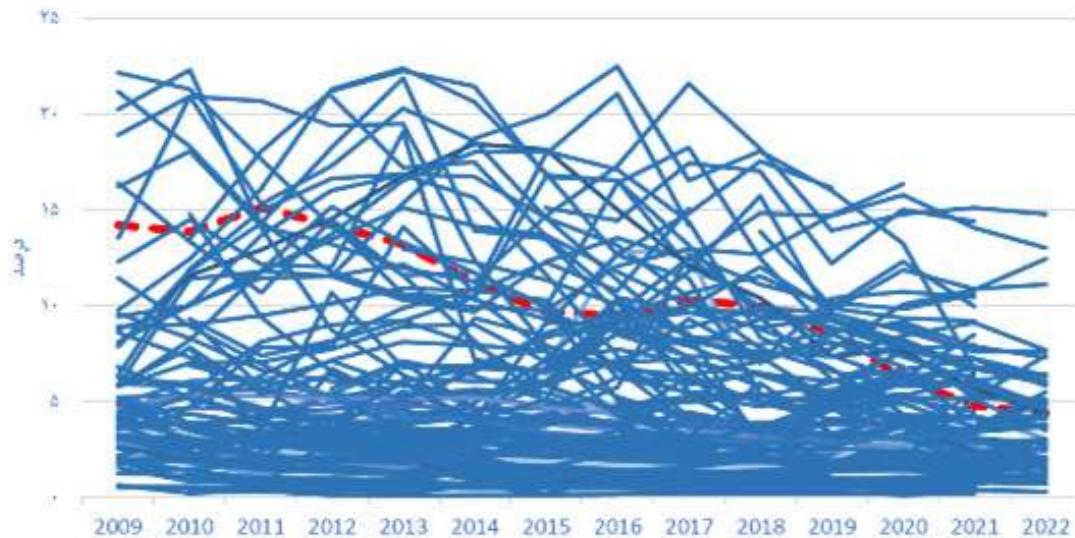
ثبات مالی و اثربخشی عملیات بانکی از طریق بررسی شاخص‌های سلامت بانکی قابل ارزیابی است. سهام‌داران و واحدهای نظارت‌کننده با بررسی سلامت بانکی قادر به شناسایی ریسک‌ها و مخاطرات احتمالی شبکه بانکی و چاره‌اندیشی برای حل این آسیب‌ها می‌شوند. سلامت شبکه بانکی عموماً توسط شاخص‌های کم‌لزا^۱ سنجیده می‌شود. شاخص کم‌لزا دارای شش بعد است: کفایت سرمایه، کیفیت دارایی‌ها، توانایی مدیریت، سوآوری، نقدینگی و حساسیت به ریسک بازار. با توجه به داده‌های در دسترس در این بخش از چهار شاخص نسبت مطالبات غیرجاری (برای سنجش کیفیت دارایی‌ها)، حقوق صاحبان سهام به دارایی (برای سنجش کفایت سرمایه)، نسبت تسهیلات به سپرده (برای سنجش توانایی مدیریت) و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (برای سنجش مدیریت نقدینگی) استفاده می‌شود و سلامت بانکی در ابعاد مذکور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴-۷- مطالبات غیرجاری

نسبت مطالبات غیرجاری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای سنجش سلامت بانکی است و سلامت بانک را بر اساس کیفیت دارایی‌ها می‌سنجد. هر چه این نسبت کوچکتر باشد بدین مفهوم است که دارایی‌های بانک باکیفیت‌تر و سلامت بانکی بیشتر است.

پیش از دهه ۱۳۹۰ ریسک‌های مختلف در ترازنامه بانک‌ها انباشت و در شاخص‌های مختلف سلامت بانکی هویدا شد، به طوری که در سال ۱۳۸۷ نسبت مطالبات غیرجاری ریالی ۱۷.۲ درصد و نسبت مطالبات غیرجاری ارزی ۲۱.۶ درصد بود. با مشخص شدن ابعاد ناترازی در شبکه بانکی، مجموعه اقداماتی توسط شبکه بانکی و بانک مرکزی انجام شد که منجر به کاهش شدن این شاخص گردید. مقایسه نسبت مطالبات غیرجاری ایران با سایر کشورها نشان می‌دهد در یک دهه گذشته این نسبت تفاوت زیادی با سایر کشورها داشته است و در سال‌های اخیر به محدوده قابل قبول رسیده است (نمودار ۱۲-۷). بر اساس داده‌های بانک جهانی، نسبت مطالبات غیرجاری ایران از ۱۴.۲ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۴.۴ درصد در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته و رتبه ایران در میان ۱۴۴ کشور (که نسبت مطالبات غیرجاری را گزارش کرده‌اند) از ۱۳۷ به ۱۱۳ ارتقاء پیدا کرده است.

نمودار ۱۲-۷: نسبت مطالبات غیرجاری ایران و سایر کشور



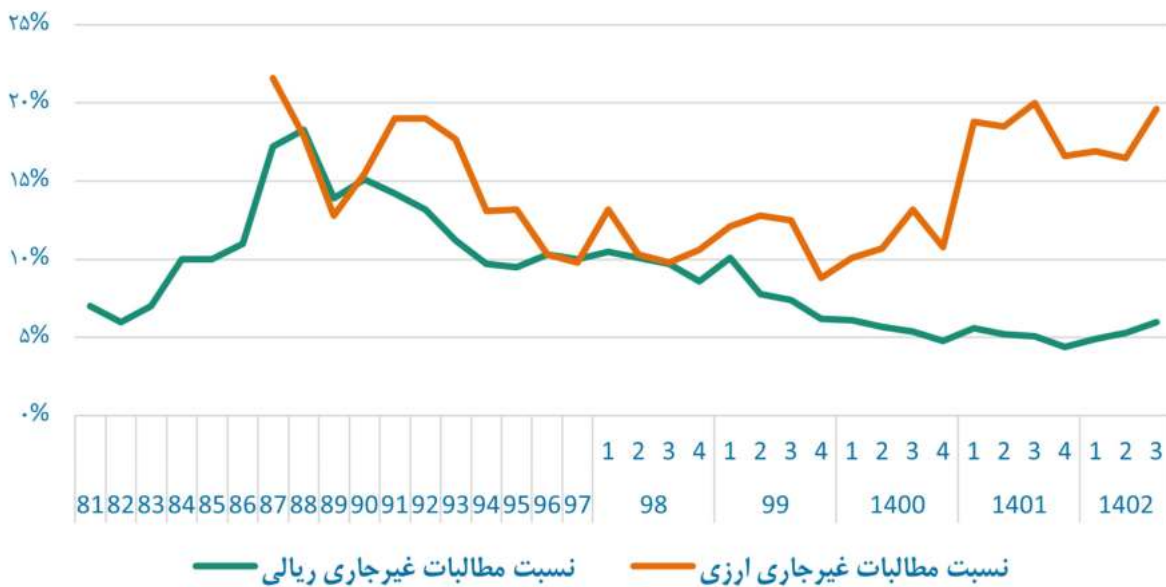
منبع: بانک جهانی، بانک مرکزی

بررسی نسبت مطالبات غیرجاری به تفکیک ارزی و ریالی حاکی از رفتارهای متفاوت در سال‌های اخیر است. نسبت مطالبات غیرجاری ارزی از ۲۱.۶ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۹.۸ درصد در سال ۱۳۹۷ کاهش پیدا کرد. با اجرایی شدن تحریم‌های اقتصادی از سال ۱۳۹۷ و ایجاد تلاطم در بازار ارز مسیر کاهشی نسبت مطالبات غیرجاری ارزی متوقف شد. بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در پاییز ۱۴۰۲ این نسبت به ۱۹.۶ درصد افزایش پیدا کرده است و در حال تبدیل شدن به مخاطره‌ای جدی است که سلامت بانکی را تهدید می‌کند. با توجه به اینکه عمده این بدهکاران، بنگاه‌های فعال در صنعت هستند استمرار این شرایط به بخش صنعت آسیب جدی وارد کرده است و می‌کند. همچنین، به نظر می‌رسد بخش اعظمی از نکول در مطالبات ارزی مربوط به تسهیلات پرداختی توسط صندوق توسعه ملی باشد که به مفهوم هدررفت منابع ارزی کشور است^۱

نسبت مطالبات غیرجاری ریالی از ۱۷.۲ درصد در پایان سال ۱۳۸۷ به ۴.۴ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ کاهش پیدا کرده است. این نسبت در سال ۱۴۰۲ صعودی شده و در بهار، تابستان و پاییز ۱۴۰۲ به ترتیب ارقام ۴.۹، ۵.۳ و ۶ درصد را ثبت کرده است. به نظر می‌رسد تداوم توقف رشد در سطح کلان و استمرار شرایط تورمی توان بازپرداخت آحاد اقتصادی را محدود کرده که به شکل افزایش مطالبات غیرجاری ریالی در سال ۱۴۰۲ منعکس شده است. اگرچه بخشی از این تصویر نامطلوب را می‌توان به افزایش تکالیف تسهیلاتی بانک‌ها که با هدف حمایت از تولید و خانوار و بدون توجه به توان بازپرداخت مشتری پرداخت شده مرتبط دانست.

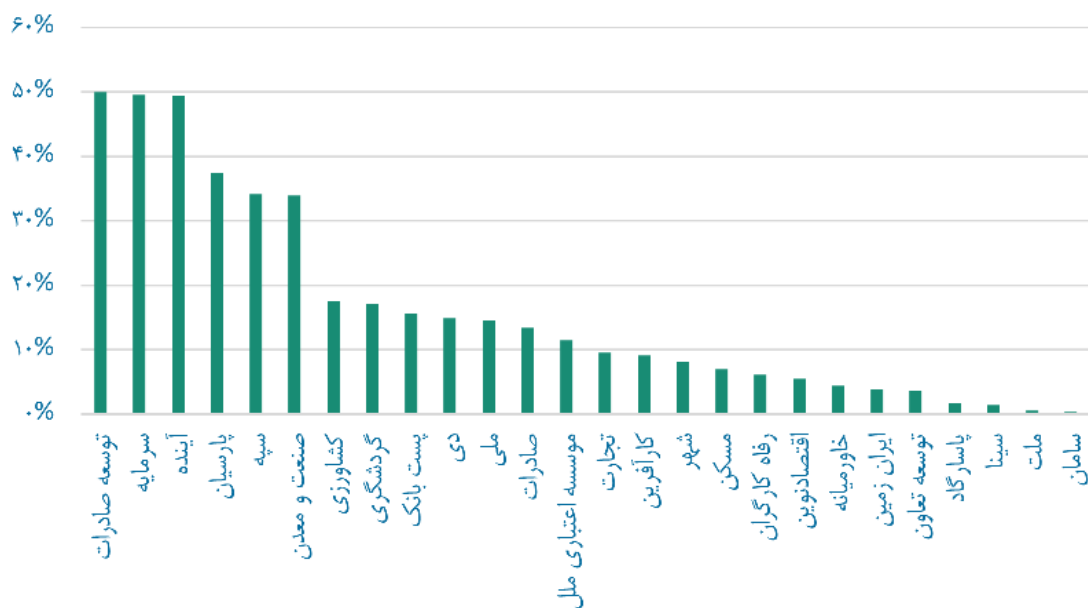
۱ عمده مطالبات غیرجاری در بانک‌های تخصصی به دو بانک صنعت و معدن و توسعه صادرات تعلق دارد. با توجه به اینکه بخش زیادی از تسهیلات ارزی در دو بانک مذکور از محل منابع صندوق توسعه ملی پرداخت می‌شود، به نظر می‌رسد نکول بالای مطالبات ارزی مربوط به منابع صندوق باشد.

نمودار ۱۳-۷: نسبت مطالبات غیرجاری ارزی و ریالی شبکه بانکی کشور



منبع: بانک مرکزی

نمودار ۱۴-۷: نسبت مطالبات غیرجاری کلان به تفکیک بانک



منبع: بانک مرکزی



رقم بالا و وضعیت افزایشی نکول تسهیلات کلان مخاطره دیگری است که در صورت‌های مالی بانک‌ها قابل مشاهده است. در اسفند ۱۴۰۲، نسبت مطالبات غیرجاری کلان ۲۱.۸ درصد است. این رقم در آذر ۱۴۰۱ در حدود ۱۷ درصد بوده است. نسبت مطالبات غیرجاری کلان در بانک‌های توسعه صادرات، سرمایه و آینده در حدود ۵۰ درصد و در بانک‌های پارسیان، سپه و صنعت و معدن بیش از ۳۰ درصد است. در سایر بانک‌ها این نسبت کمتر از ۲۰ درصد است. در بانک‌های توسعه صادرات و صنعت و معدن به نظر می‌رسد عمده تسهیلات کلان به شکل ارزی بوده و مربوط به تسهیلات پرداختی توسط صندوق توسعه ملی باشد. به طور کلی تسهیلات کلان عموماً به ذی‌نفعان واحدی پرداخت می‌شود که به گونه‌ای با بانک مرتبط هستند. به نظر می‌رسد تداوم وضعیت سرکوب مالی سبب شده بانک‌ها انگیزه زیادی داشته باشند که وام‌ها را به متقاضیان مرتبط اعطا کنند. در نتیجه، بخش بزرگی از ترازنامه شبکه بانکی به شکل دارایی منجمد و تسهیلات در اختیار مشتریان مرتبط قرار دارد.

بررسی نسبت مطالبات غیرجاری به تفکیک گروه بانکی نیز حاکی از تفاوت معنادار در شاخص مذکور است. بر اساس آخرین آمار منتشره موسسه عالی بانکداری که مربوط به سال ۱۴۰۱ است، نسبت مطالبات غیرجاری (ارزی و ریالی) در بانک‌های تخصصی، خصوصی‌شده، خصوصی سالم و خصوصی ناسالم^۱ به ترتیب ۹، ۹، ۵ و ۱۸.۳ درصد گزارش شده است. رقم بالاتر نسبت مطالبات غیرجاری در بانک‌های خصوصی ناسالم حاکی از عملکرد نامطلوب این بانک‌ها در شیوه اعتبارسنجی مشتری است.

جدول ۲-۷: نسبت مطالبات غیرجاری (ارزی و ریالی) به تفکیک گروه بانکی (سال ۱۴۰۱)

نسبت مطالبات غیرجاری (ارزی و ریالی)	خصوصی سالم	خصوصی ناسالم	خصوصی‌شده	تخصصی
۵٪	۱۸.۳٪	۹٪	۹٪	۹٪

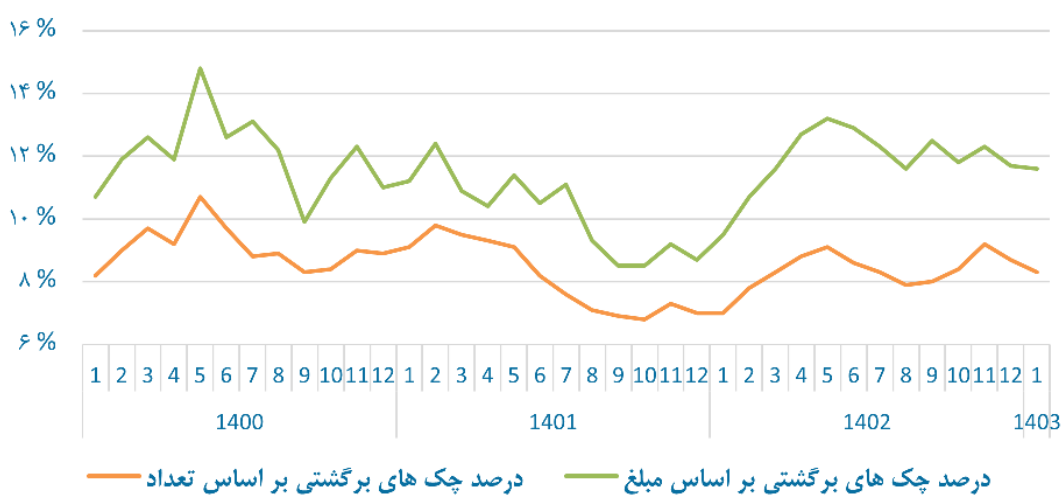
منبع: موسسه عالی بانکداری

با توجه به تأخیر در گزارش نسبت مطالبات غیرجاری توسط بانک مرکزی، نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌ای شاخص دیگری است که با استفاده از آن می‌توان در خصوص مسیر نسبت مطالبات غیرجاری اظهار نظر کرد. بررسی نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌ای نشان می‌دهد این شاخص نیز همانند نسبت مطالبات غیرجاری ریالی از ابتدای سال ۱۴۰۲ در مسیر صعودی قرار گرفته است. در اسفند ۱۴۰۲، نسبت

۱ بانک خصوصی ناسالم بانکی است که یکی از سه ویژگی زیر را دارا باشد: (۱) زیانده باشد. (۲) دارای زیان انباشته باشد. (۳) اضافه برداشت بالا و مزمین داشته باشد. بر این اساس بانک‌های سرمایه، ایران‌زمین، آینده، دی، گردشگری، شهر و پارسیان بانک خصوصی ناسالم هستند. شایان ذکر است صورت‌های مالی بانک دی و گردشگری توسط موسسه عالی بانکداری گزارش نشده و بنابراین در محاسبه نسبت مطالبات غیرجاری بانک‌های ناسالم لحاظ نشده‌اند. سایر بانک‌های خصوصی که اطلاعات آنها در دسترس بوده و با چالش‌های مذکور مواجه نیستند در دسته بانک خصوصی سالم قرار گرفته‌اند. شامل بانک‌های: اقتصاد نوین، رسالت، ایران و ونزول، کارآفرین، خاورمیانه، پاسارگاد و سینا. بانک‌هایی که اطلاعات صورت‌های مالی آنها در دست نیست در این گروه‌بندی قرار نگرفته‌اند.

چک‌های برگشتی به مبادله‌ای بر اساس مبلغ و تعداد به ترتیب ۱۱.۷ درصد و ۸.۷ درصد بوده که نسبت به پایان سال قبل به ترتیب ۳ و ۱.۷ واحد درصد افزایش داشته‌اند. در فروردین ۱۴۰۳ این نسبت با بهبود مواجه بوده و نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌ای بر اساس مبلغ رقم ۱۱.۶ درصد و بر اساس تعداد رقم ۸.۳ درصد را ثبت کرده‌اند. کاهش نرخ نکول به طور معمول در فروردین ماه قابل مشاهده است و بنابراین این کاهش را نمی‌توان به تغییر مسیر تعبیر کرد.

نمودار ۱۵-۷: نسبت چک‌های برگشتی به مبادله‌ای



منبع: بانک مرکزی

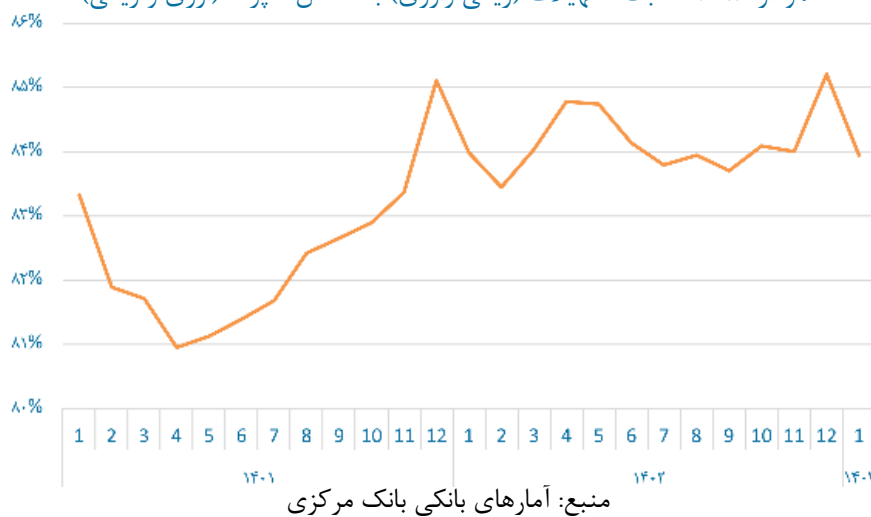
۷-۵- نسبت تسهیلات به خالص سپرده

در یک نظام بانکی سالم و کارآمد بانک‌ها به عملیات بانکداری می‌پردازند و سپرده‌های جذب شده را صرف اعطای وام می‌کنند. پایین بودن نسبت تسهیلات به سپرده نشان می‌دهد بانک منابع سپرده‌ای را به فعالیت‌هایی غیر از اعطای تسهیلات اختصاص می‌دهد و بنابراین نقش شبکه بانکی در تأمین مالی کم می‌شود. بالا بودن نسبت تسهیلات به سپرده حاکی از پرداختن بانک به عملیات متعارف بانکداری و سلامت بانکی است.

انباشت ریسک و ناترازی‌هایی که پیش از دهه ۱۳۹۰ در شبکه بانکی ایجاد شد، ظرفیت تسهیلات‌دهی شبکه بانکی در دهه نود را محدود کرد. در نتیجه، نسبت تسهیلات به سپرده کاهش شد که این وضعیت تا اواخر سال ۱۳۹۸ ادامه پیدا کرد. بهبود در وضعیت برخی بانک‌ها در سال ۱۳۹۹ و افزایش تکالیف محوله بانک‌ها از سال ۱۴۰۰ تا کنون سبب شد نسبت تسهیلات به سپرده از ابتدای سال ۱۳۹۹ در مسیر صعودی قرار گیرد. نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده‌های ریالی از ۷۵.۴ درصد در اسفند ۹۸ به ۷۹.۲ درصد در اسفند ۹۹، ۸۴.۱ درصد در اسفند ۱۴۰۰، ۹۲.۵ درصد در اسفند ۱۴۰۱ و ۹۵.۴ درصد در بهمن ۱۴۰۲ (آخرین رقم منتشره) افزایش پیدا کرده است (نمودار ۹-۶)

با توجه به اینکه رقم نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی به روز نیست، تلاش شده با استفاده از نسبت کل تسهیلات (ریالی و ارزی) به خالص کل سپرده (ارزی و ریالی) که آخرین رقم آن مربوط به فروردین ۱۴۰۳ است در خصوص مسیر نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی گمانه‌زنی شود. نسبت کل تسهیلات به خالص کل سپرده در اسفند ۱۴۰۲ نسبت به ماه قبل افزایش و در فروردین ۱۴۰۳ کاهش پیدا کرده است. با توجه به رقم بالای نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی (که در حال نزدیک شدن به رقم ۱۰۰ درصد است) و سیاست‌های اخیر بانک مرکزی به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۳ از شدت فشار بر شبکه بانکی برای اعطای تسهیلات کاسته شده و بانک مرکزی تلاش کند بخشی از نیاز به نقدینگی صنعت را از طریق تأمین مالی زنجیره‌ای تأمین کند. در نتیجه، کاهش شدن نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده‌های ریالی در سال ۱۴۰۳ مورد انتظار است.

نمودار ۱۶-۷: نسبت تسهیلات (ریالی و ارزی) به خالص سپرده (ارزی و ریالی)



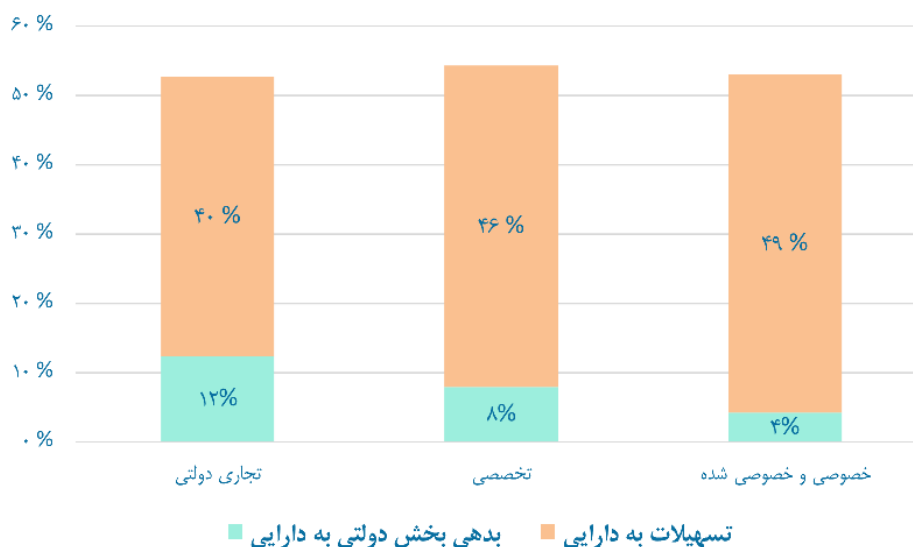
نمودار ۱۷-۷: نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی به تفکیک گروه بانکی



بررسی نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی به تفکیک گروه بانکی نتایج زیر را در پی دارد: (۱) در سال‌های اخیر، نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی در همه گروه‌های بانکی افزایشی بوده، اما شدت این افزایش در بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده بیشتر است. (۲) این نسبت در بانک‌های تجاری دولتی در مقایسه با سایر گروه‌های بانکی کمتر است. در بهمن ۱۴۰۲، نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی در بانک‌های تجاری دولتی ۷۶.۵ درصد، در بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده ۹۶ درصد و در بانک‌های تخصصی ۱۴۲.۲ درصد بوده است.

رقم پایین‌تر نسبت تسهیلات به سپرده در بانک‌های تجاری به دلیل سطح بالای مطالبات این گروه بانکی از دولت است. در بهمن ۱۴۰۲، در حالی که سهم بدهی بخش دولتی به دارایی در بانک‌های تجاری دولتی ۱۲ درصد بوده، در بانک‌های تخصصی و خصوصی و خصوصی‌شده به ترتیب ۸ درصد و ۴ درصد بوده است. در مقابل، سهم کمتر تسهیلات به دارایی در بانک‌های تجاری دولتی نسبت به سایر بانک‌ها قابل مشاهده است.

نمودار ۱۸-۷: سهم تسهیلات و بدهی بخش دولتی از دارایی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

۶-۷- حقوق صاحبان سهام

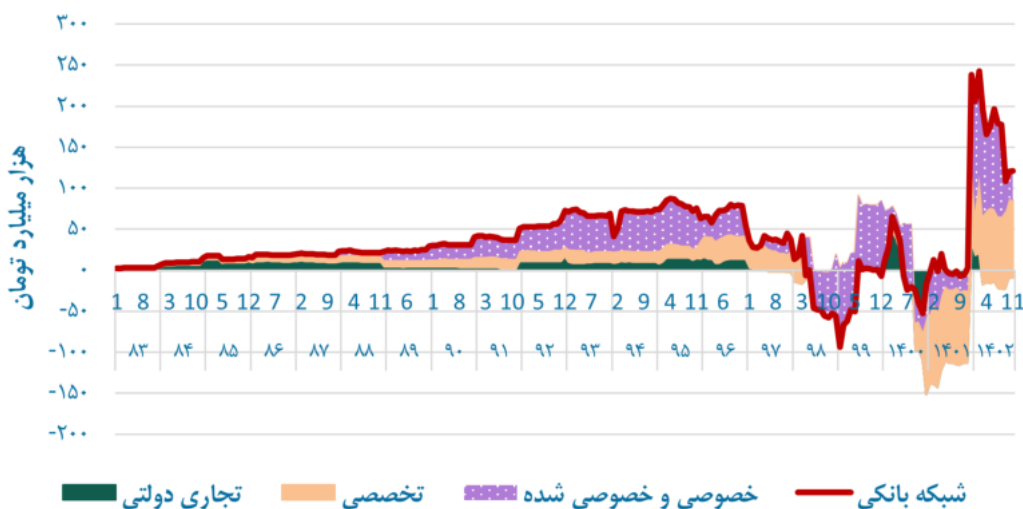
بانک‌ها با اتکا به سرمایه در برابر ناترازی‌های ناشی از نکول مطالبات، شرایط نامساعد اقتصاد و برخی تنگناهای عملیاتی مقاومت و از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان حمایت می‌کنند. بنابراین وضعیت مطلوب سرمایه و حقوق صاحبان سهام یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت بانکی است. بررسی صورت‌های مالی بانک‌ها حاکی از وضعیت کاهنده و گاه منفی حقوق صاحبان سهام است. منفی بودن حقوق صاحبان سهام بدین مفهوم است که نه تنها بانک توسط سهامداران تأمین مالی نشده، بلکه منابع سپرده‌های بانک صرف تأمین مالی سهامداران شده است. در چنین شرایطی تصمیمات اشتباه سهامداران منجر به متضرر



شدن سپرده‌گذاران خواهد شد. بنابراین گزینشی و کژگزینی در شبکه بانکی افزایش پیدا می‌کند که یکی از تبعات آن پرداخت نشدن اعتبارات بانکی به شایسته‌ترین متقاضیان است.

تداوم مشکلات بانک‌ها و زیان‌ده بودن عملیات بانکی که پیش از دهه ۱۳۹۰ آغاز شد، در دهه نود به شکل افزایش زیان انباشته در ترازنامه بانک‌ها متبلور و منجر به مستهلک شدن حقوق صاحبان سهام شده است. در نیمه دوم دهه نود، پدیده منفی شدن حقوق صاحبان سهام در شبکه بانکی کشور مشاهده شد. بانک‌ها با افزایش سرمایه، تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و عواملی از این قبیل توانستند در مقاطعی حقوق صاحبان سهام را مثبت کنند. اما استمرار زیان‌دهی و افزوده شدن بر مقدار زیان انباشته بار دیگر حقوق صاحبان سهام را مستهلک می‌کرد. این چرخه در شبکه بانکی کشور در حال تکرار است.

نمودار ۱۹-۷: حقوق صاحبان سهام شبکه بانکی کشور



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

حقوق صاحبان سهام شبکه بانکی کشور از اواسط سال ۱۳۹۸ منفی شد و این وضعیت تا اواسط سال ۱۳۹۹ ادامه پیدا کرد. در این دوره حقوق صاحبان سهام در بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی منفی بود. از اواسط سال ۱۳۹۹ تا اواسط سال ۱۴۰۰ حقوق صاحبان شبکه بانکی مثبت و پس از آن تا دی ۱۴۰۱ منفی بود. حقوق صاحبان سهام شبکه بانکی از ۶- هزار میلیارد تومان در دی ۱۴۰۱ به ۳ هزار میلیارد تومان در بهمن و ۲۳۸ هزار میلیارد تومان در اسفند افزایش پیدا کرد. افزایش ۲۳۶ هزار میلیارد تومانی حقوق صاحبان شبکه بانکی کشور در اسفند ۱۴۰۱ به دلیل افزایش ۱۴۷ هزار میلیارد تومان در بانک‌های تجاری دولتی، ۱۲ هزار میلیارد تومان در بانک‌های تخصصی و ۷۷ هزار میلیارد تومان در بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده رخ داده است و حقوق صاحبان سهام در همه گروه‌های بانکی مثبت شد. در سال ۱۴۰۲ با منفی شدن مجدد حقوق صاحبان سهام در بانک‌های تجاری دولتی حقوق صاحبان سهام رو به کاهش گذاشت و در بهمن ۱۴۰۲ رقم ۱۲۱ هزار میلیارد تومان را ثبت کرد.

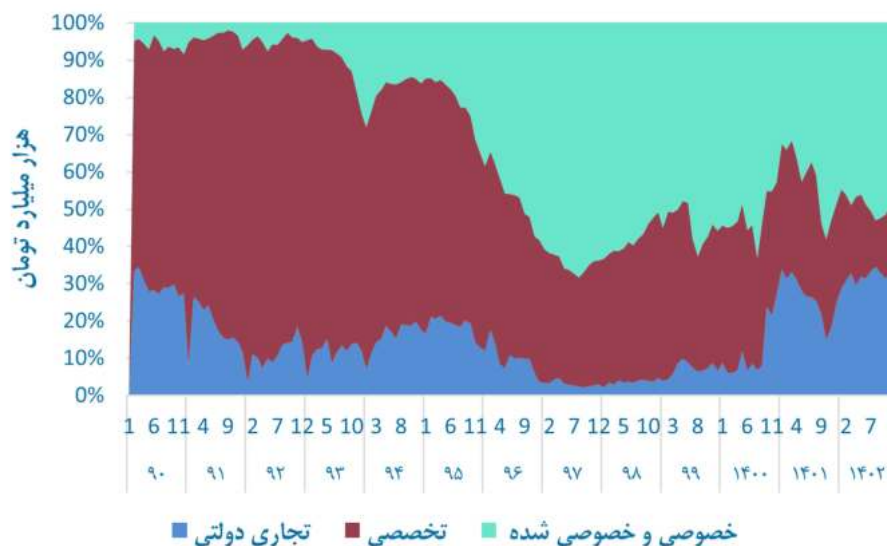
۷-۷- بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

مدل کسب و کار متعارف بانکی بدین صورت است که منابع سپرده‌ای یا حقوق صاحبان سهام صرف اعطای تسهیلات می‌شود. افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بدین مفهوم است که سپرده و سرمایه بانک برای اعطای تسهیلات کافی نبوده و شبکه بانکی از طریق بانک مرکزی نیز تأمین مالی شده است. افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از یک سو سلامت شبکه بانکی را کاهش می‌دهد و از سوی بر ترکیب ترانزنامه بانک مرکزی اثرگذار است و منجر به افزایش پایه پولی می‌شود.

تشدید ناترازی‌های شبکه بانکی از ابتدای دهه ۱۳۹۰ در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز منعکس شد و وضعیت افزایشی این متغیر تا اواسط سال ۱۳۹۷ استمرار پیدا کرد. از اواسط سال ۱۳۹۷ با انجام پاره‌ای سیاست‌های اصلاحی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی رو به کاهش گذاشت. اما حل نشدن ریشه‌ای مشکلات شبکه بانکی سبب شد این مسیر کاهشی از سال ۱۳۹۹ متوقف و از اواسط سال ۱۴۰۰ شاهد افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی باشیم. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ با شدت بیشتری افزایش پیدا کرد

افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۱۰، ۲۶ و ۲۴۵ هزار میلیارد تومان بوده است. در بهمن ۱۴۰۲، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۶۸۲ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به پایان سال ۲۹۱ هزار میلیارد تومان (۷۴.۳ درصد) افزایش داشته است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ شتاب گرفته است.

نمودار ۷-۲۰: بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی



افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ مختص یک گروه بانکی نبوده و در همه گروه‌ها رخ داده است. این در حالی است که در سال‌های قبل عمده افزایش در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مختص بانک‌های خصوصی بود.

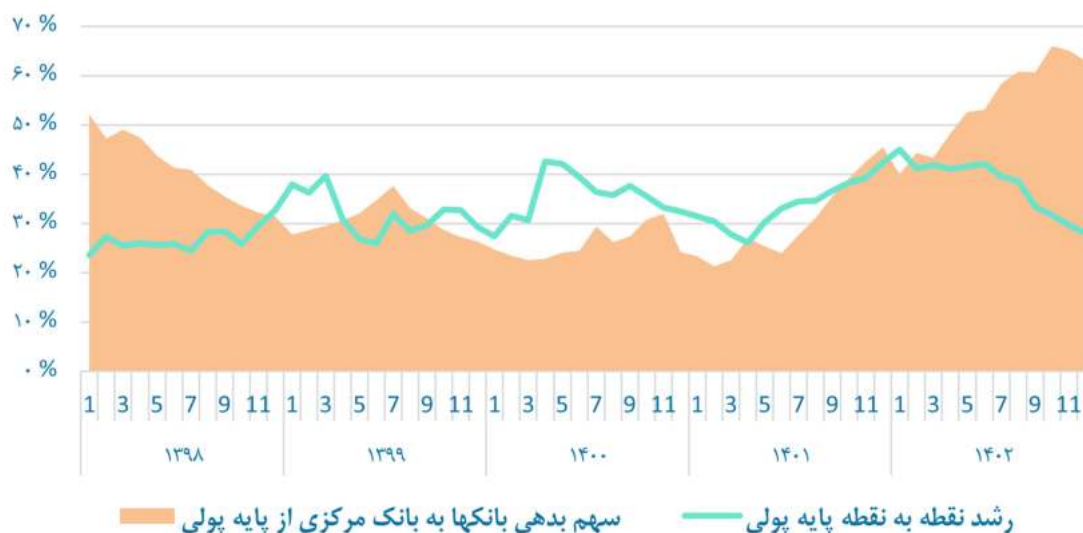
عوامل متعددی در افزایش شدید بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی دخیل بوده‌اند که مهم‌ترین آن را به شرح زیر می‌توان برشمرد

- **استمرار ناترازی در بانک‌های ناسالم:** توقف در برنامه اصلاح نظام بانکی و تداوم فعالیت بانک‌های ناسالم به روال سابق سبب شده که ابعاد ناترازی در این بانک‌ها گسترش یافته و به شکل افزایش اضافه برداشت به ترازنامه بانک مرکزی منتقل شود.
- **سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها:** در سال‌های اخیر بانک مرکزی سیاست مهار رشد ترازنامه بانک‌ها را با هدف کنترل رشد نقدینگی دنبال کرده است. اجرایی شدن این سیاست اگرچه توانسته در کنترل رشد نقدینگی موفق باشد، منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده است. بانک مرکزی سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها را با افزایش نسبت ذخیره قانونی انجام می‌دهد. بانک‌هایی که خود با ناترازی یا کسری نقدینگی مواجه هستند منابع کافی برای افزایش در ذخیره قانونی را در اختیار دارند و بخشی از منابع مورد نیاز را از طریق اضافه برداشت تأمین می‌کنند.
- **افزایش تکالیف بانک‌ها:** شرایط تحریمی سال‌های اخیر منابع مالی دولت را محدود کرده است. در این وضعیت دولت تلاش کرده بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های مورد نظر خود را به شکل تکالیف به شبکه بانکی محول کند. حمایت از تولید مسکن، محصولات کشاورزی، شرکت‌های دانش‌بنیان و سیاست‌های حمایتی از خانوار مثال‌هایی از این موارد هستند.
- **اجرایی شدن سیاست تجمیع حساب‌های بخش دولتی نزد بانک مرکزی:** از اواخر سال ۱۳۹۸ کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف شدند حساب‌های خود را نزد بانک‌ها مسدود و به بانک مرکزی منتقل کنند. طبق قانون بانک‌ها مکلف بودند ۸۵ درصد از سپرده‌های دولت را به صورت ذخیره قانونی نگهداری کنند. اما بانک‌ها از این قانون تخلف کرده و از این سپرده‌ها به عنوان منبعی برای عملیات بانکی استفاده می‌کردند. با انتقال حساب‌های دولت به بانک مرکزی این منابع از دست بانک‌ها خارج شد و بنابراین بر فشار کسری نقدینگی بانک‌ها افزوده شد که افزایش اضافه برداشت بانک‌ها را در پی داشته است.

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی علاوه بر اثرگذاری بر سلامت بانکی بر رشد پایه پولی نیز اثرگذار است. در یازده ماه آغازین سال ۱۴۰۲ به‌رغم افزایش ۲۹۱ هزار میلیارد تومانی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، رشد پایه پولی ۱۲.۸ واحد درصد کم شده و از ۴۲.۴ درصد در اسفند ۱۴۰۱ به ۲۹.۶ درصد در بهمن ۱۴۰۲ رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد، به‌رغم کاهش رشد پایه پولی، از مخاطره‌ای که افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در ترازنامه بانک مرکزی ایجاد می‌کند کاسته نشده و حتی بر این مخاطره افزوده شده است. همچنین می‌توان گفت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جزئی از پایه پولی است که از

ماندگاری بالایی برخوردار است.

نمودار ۲۱-۷: سهم بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی از پایه پولی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

۷-۸- سلامت شبکه بانکی کشور

در این بخش سلامت شبکه بانکی با چهار شاخص نسبت تسهیلات به خالص سپرده، حقوق صاحبان سهام به دارایی، بدهی به دارایی و نسبت مطالبات غیرجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در نمودار عنکبوتی برای مقایسه پذیر شدن شاخص‌ها همه متغیرها به شکل شاخص مطلوب نمایش داده شده‌اند. بنابراین به جای نسبت مطالبات غیرجاری از نسبت مطالبات جاری و به جای بدهی به بانک مرکزی به دارایی از بدهی به غیربانک مرکزی به دارایی استفاده شده است. حرکت به سمت نقطه مرکزی به مفهوم نامساعد شدن وضعیت شاخص و حرکت به سمت اضلاع چهارضلعی به معنی بهبود در وضعیت است.

مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ در شاخص‌های نسبت مطالبات جاری، حقوق صاحبان سهام به دارایی و نسبت تسهیلات به سپرده وضعیت مطلوب‌تر و در شاخص بدهی به بانک مرکزی وضعیت نامساعدتر شده است. در یازده ماه نخست سال ۱۴۰۲، وضعیت همچنان در شاخص بدهی به بانک مرکزی به نامساعدتر شدن ادامه داده و در این سال در شاخص مطالبات جاری نیز وضعیت نامطلوب شده است. در خصوص بهبود در شاخص‌های حقوق صاحبان سهام به دارایی و نسبت تسهیلات به سپرده نکات زیر قابل ذکر است

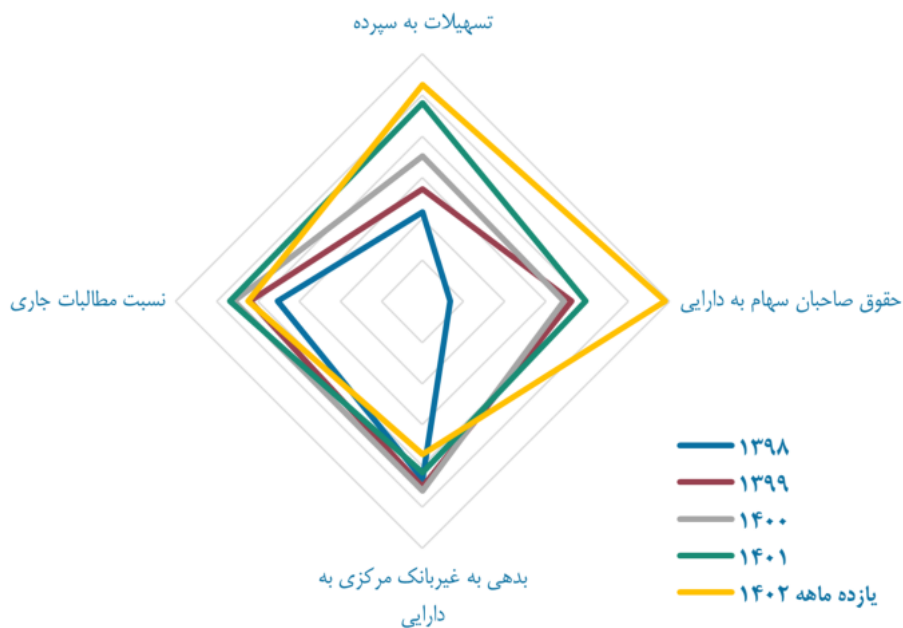
(۱) بهبودی که در سال‌های اخیر در نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی ایجاد شده عموماً به دلیل افزایش سرمایه یا تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت رخ داده و زیان انباشته شبکه بانکی همچنان در حال



افزایش است. بدون شناسایی و مهار عوامل ایجادکننده زیان انباشته نمی‌توان بهبود پایداری در حقوق صاحبان سهام ایجاد کرد.

۲) افزایش در نسبت تسهیلات به سپرده از یک سو با هزینه گزاف افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و افزایش نرخ نکول مطالبات به‌وقوع پیوسته است و از سوی دیگر آستانه امن را رد کرده است و در حال نزدیک شدن به ۱۰۰ درصد است. در این شرایط به نظر می‌رسد افزایش تسهیلات بدهی بیش از آنکه تصمیم بانک‌ها باشد زیر فشار تکالیف دولت ایجاد شده است. در صورتی که بانک مرکزی عزم خود را برای کنترل بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی جزم کند، نسبت تسهیلات به سپرده نیز مسیر کنونی را ادامه نخواهد داد.

نمودار ۲۲-۷: سلامت شبکه بانکی



منبع: آمارهای پولی بانک مرکزی

۸- قواعد جدید پولی و بانکی

۸-۱- تأمین مالی زنجیره ای

اعطای بی‌رویه تسهیلات در سال‌های اخیر، ظرفیت نظام بانکی برای اعطای تسهیلات جدید را محدود کرده است. در این وضعیت به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های جدید تأمین مالی بتواند بخشی از نیاز به نقدینگی بنگاه‌ها را پاسخ دهد. در راستای ارتقای روش‌های تأمین مالی در سال‌های اخیر تأمین مالی زنجیره تأمین به عنوان یک سیاست نوین در دستور کار بانک مرکزی و شبکه بانکی قرار گرفته است. تأمین مالی زنجیره‌ای، مجموعه‌ای از شیوه‌ها و عملیات تأمین مالی است که منجر به بهبود مدیریت سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی می‌شود. در این شیوه‌ها، انواع زیرساخت‌ها و ابزارهای مالی (مانند اوراق گام، برات الکترونیک، کارت اعتباری، اعتبار اسنادی داخلی مدت‌دار) استفاده می‌شود. در شیوه تأمین مالی زنجیره‌ای، به جای شیوه سنتی دریافت تسهیلات مستقیم توسط بنگاه‌های اقتصادی، فرآیند تأمین مالی بنگاه‌ها به صورت پیوسته و در طول زنجیره تأمین و مبتنی بر جریان واقعی کالا و خدمت صورت می‌پذیرد. تفاوت اصلی روش‌های تأمین مالی زنجیره تأمین با شیوه‌های سنتی در آن است که در روش‌های زنجیره‌ای، کل زنجیره تأمین به صورت پیوسته، تحت پوشش ابزارهای تأمین مالی و مدیریت ریسک قرار می‌گیرد.

در سال ۱۴۰۳، بانک مرکزی با تأکید بر اجرای سیاست کنترل مقداری به سمت افزایش سهم ابزارهای تعهدی در تأمین مالی اقتصاد حرکت کرده و در راستای توسعه روش‌های تأمین مالی زنجیره‌ای، اقدام به طراحی و اجرای اوراق گواهی اعتبار مولد (گام)، کارت رفاهی متصل به گام، برات الکترونیکی، فاکتورینگ با هدف تأمین مالی واحدهای تولیدی کرده است. همچنین برنامه مصوب تأمین مالی اقتصاد از طریق ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای در سال ۱۴۰۳ معادل ۳۵۰ هزار میلیارد تومان در دستور کار بانک مرکزی و شبکه بانکی قرار دارد.

جدول ۸-۱: سهمیه تعیین شده برای تأمین مالی زنجیره‌ای در سال ۱۴۰۳

سهمیه تعیین شده (هزار میلیارد تومان)	ابزارهای تعهدی
۲۰۰	اوراق گام برای بنگاه‌های اقتصادی
۲۰	اوراق گام برای شرکت‌های دانش‌بنیان
۵۰	کارت رفاهی متصل به اوراق گام
۸۰	برات الکترونیکی و سایر ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای
۳۵۰	جمع

منبع: بانک مرکزی



۹- جمع بندی

در این بخش فراگیری مالی از سه منظر دسترسی مالی، وفور مالی و استطاعت مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد در سال‌های اخیر با وجودی که بانک‌ها بخش بیشتری از منابع خود را صرف تسهیلات‌دهی کرده‌اند، این افزایش متناسب با رشد قیمت‌ها و تولید نبوده و در نتیجه دسترسی آحاد اقتصادی به اعتبارات بانکی نزولی و پرنوسان بوده است. از سوی دیگر، تلاش دولت برای جبران رفاه از دست رفته خانوارها از طریق اعطای تسهیلات بانکی سبب شده سهم بنگاه‌ها از اعتبارات بانکی کاهش و سهم خانوارها افزایش پیدا کند و بنابراین تنگنای اعتباری بنگاه‌ها تشدید شده است.

بررسی سهم انواع تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار نشان می‌دهد ۷۶.۷ درصد از تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها صرف تأمین سرمایه در گردش شده و تنها ۴.۴ درصد از تسهیلات پرداختی بابت فعالیت‌های توسعه‌ای بنگاه پرداخت شده است. در مجموع به نظر می‌رسد وضعیت نامساعد درآمدی و نااطمینانی‌های اقتصاد کلان، بنگاه‌ها را بیش از پیش به تأمین مالی بیرونی متکی کرده است. این وضعیت به همراه توسعه اندک بازار بدهی، دسترسی نداشتن شمار زیادی از بنگاه‌ها به شبکه بانکی رسمی و پایین بودن رقم اعتبارات دریافتی در مقایسه با هزینه بنگاه در کنار تقاضای بالای سرمایه در گردش باعث شده عمده تأمین مالی بیرونی بنگاه صرف تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های بزرگ و متوسط شود و سایر بنگاه‌ها از دسترسی به منابع بانکی محروم باشند. همچنین، تداوم وضعیت سرکوب مالی سبب شده تأمین مالی از طریق دریافت تسهیلات بانکی همواره از جذابیت برخوردار باشد و بنابراین مازاد تقاضای دائم برای دریافت اعتبار بانکی وجود داشته باشد.

در سال‌های اخیر با تداوم وضعیت تورمی و کاهش مستمر رفاه خانوار، دولت تلاش کرده بخشی از سیاست‌های حمایت از خانوار را در قالب اعطای تسهیلات قرض الحسنه به خانوار انجام دهد و از این طریق بخشی از رفاه از دست رفته آنها را جبران کند. با توجه به محدود بودن منابع شبکه بانکی و اجرای سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها، بخش بیشتری از منابع شبکه بانکی صرف این سیاست‌های تکلیفی شده که فشار بر منابع شبکه بانکی را افزایش داده است.

تداوم وضعیت سرکوب مالی پدیده دیگری است که داده‌ها آن را تأیید می‌کنند. منفی بودن نرخ‌های سود بانکی منجر به شکل‌گیری مازاد تقاضا برای تسهیلات بانکی شده است. در این وضعیت گروه‌هایی که موفق به دسترسی به بازار اعتبار شوند از هزینه پایین تأمین مالی برخوردار می‌شوند و گروه‌های محروم مجبور به پرداخت نرخ سودهای بالای بازارهای غیررسمی هستند. از سوی دیگر، شکاف بالا بین نرخ سود بانکی و تورم انتظاری سبب شده ترجیح افراد نگهداری دارایی‌های با نقدپذیری بالا باشد و در نتیجه سیالیت نقدینگی بالا باشد. بالا بودن سیالیت نقدینگی در سطح کلان منجر به تورم‌زایی بالا شده و در سطح بانکی منجر به افزایش ریسک می‌شود. زیرا در این وضعیت تسهیلات بانکی از محل سپرده‌های با ماندگاری پایین پرداخت می‌شود. گفتنی است، از اوایل سال ۱۴۰۲ شماری از بانک‌ها برداشت زودتر از موعد سپرده‌های مدت‌دار را مشمول جریمه نمی‌کنند. این تخطی سبب شده مفهوم پول و شبه پول

مخدوش شود و بنابراین سیالیت نقدینگی بیش از آنچه باشد که در آمارهای رسمی گزارش می‌شود. در ادامه وضعیت شبکه بانکی کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. افزایشی شدن نسبت مطالبات غیرجاری، نرخ بالای نکول مطالبات ارزی، افزایش زیان انباشته و تداوم وضعیت افزایشی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مهمترین مخاطراتی است که در صورت‌های مالی بانک‌ها قابل مشاهده است. تداوم سرکوب مالی و عدم پیگیری برنامه اصلاح نظام بانکی منجر به تداوم این وضعیت و تشدید ناترازی بانکی خواهد شد

در حالی که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ نسبت مطالبات غیرجاری هم در بخش ارزی و هم در بخش ریالی مسیر نزولی داشتند، نسبت مطالبات غیرجاری ارزی از سال ۱۳۹۷ و نسبت مطالبات غیرجاری ریالی از ابتدای سال ۱۴۰۲ صعودی شده است. اجرایی شدن تحریم‌های اقتصادی از سال ۱۳۹۷ و ایجاد تلاطم در بازار ارز در کنار شیوه مخدوش تخصیص اعتبارات ارزی افزایش نکول مطالبات ارزی را توضیح می‌دهد. در بخش ریالی، وضعیت نامساعد اقتصاد کلان و استمرار شرایط تورمی توان بازپرداخت آحاد اقتصادی را محدود کرده که به شکل افزایش مطالبات غیرجاری ریالی در سال ۱۴۰۲ منعکس شده است. اگرچه بخشی از این تصویر نامطلوب را می‌توان به افزایش تکالیف تسهیلاتی بانک‌ها که با هدف حمایت از تولید و خانوار و بدون توجه به توان بازپرداخت مشتری پرداخت شده مرتبط دانست

بررسی نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، نسبت تسهیلات ریالی به خالص سپرده ریالی در همه گروه‌های بانکی افزایشی بوده، اما شدت این افزایش در بانک‌های خصوصی و خصوصی‌شده بیشتر است. افزایش در نسبت تسهیلات به سپرده از یک سو با هزینه گزاف افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و افزایش نرخ نکول مطالبات به‌وقوع پیوسته است و از سوی دیگر آستانه امن را رد کرده است و در حال نزدیک شدن به ۱۰۰ درصد است. در این شرایط به نظر می‌رسد افزایش تسهیلات‌دهی بیش از آنکه تصمیم بانک‌ها باشد زیر فشار تکالیف دولت ایجاد شده است.

افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز در سال‌های اخیر تشدید شده است که این وضعیت در همه گروه‌های بانکی قابل مشاهده است. اگرچه بخشی از افزایش در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به دلیل ناترازی بانکی است، بخش دیگری از آن به دلیل عملیات مالی دولت است که به شکل افزایش تکالیف محوله بر دوش بانک‌ها نهاده شده است. به نظر می‌رسد در سال ۱۴۰۲ دولت تلاش کرده از استقراض مستقیم از بانک‌ها تا حد امکان امتناع کرده و سیاست‌های مورد نظر خود را در قالب تکالیف محوله به بانک‌ها تحمیل نماید. بررسی‌های نشان می‌دهد انتقال هزینه‌های عملیات مالی دولت به شبکه بانکی به هر صورتی که انجام شود منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی شده و دارای آثار پولی است

بخش سوم

پرونده ویژه

تحلیل وجوه افتراق بانک‌های
سالم و ناسالم

۱۰- تحلیل وجوه افتراق بانک‌های سالم و ناسالم

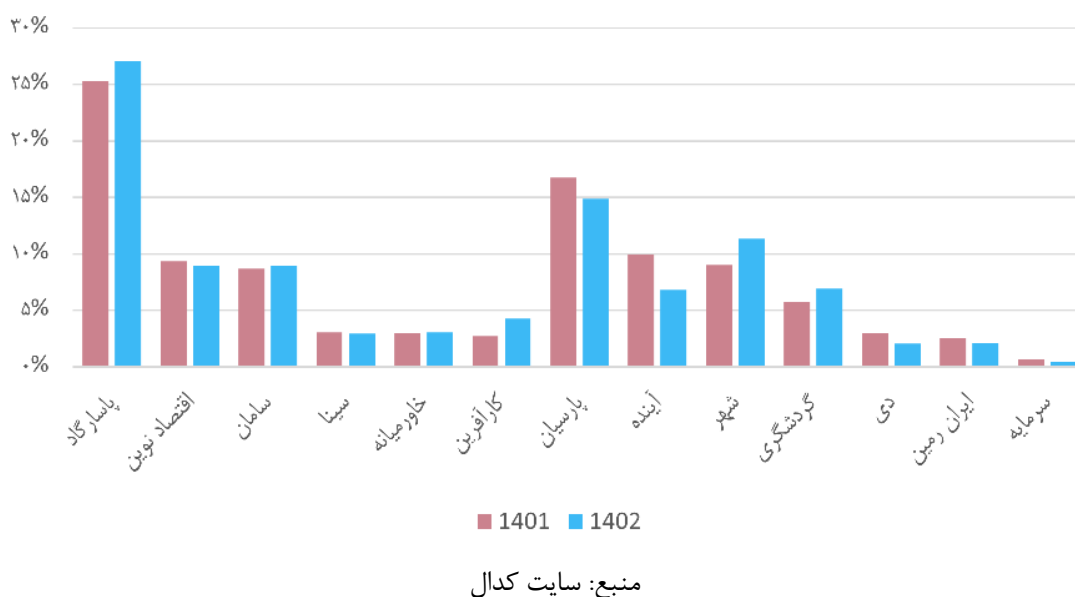
صورت‌های مالی منتشره در سایت کدال این امکان را فراهم می‌کند بانک‌های خصوصی به دو گروه سالم و ناسالم تقسیم شوند و بر این اساس، می‌توان وجوه تمایز آنها را شناسایی کرد. در این گزارش بانک‌های خصوصی ناسالم بانک‌هایی در نظر گرفته شده‌اند که دارای یکی از سه ویژگی زیر باشند: (۱) زیان‌ده باشند (۲) دارای زیان انباشته باشند (۳) مانده اضافه برداشت آنها برای دوره طولانی مثبت باشد. بر این اساس خصوصی سالم و ناسالم به شکل زیر شناسایی می‌شوند

- بانک خصوصی ناسالم: آینده، سرمایه، ایران زمین، دی، پارسین، شهر و گردشگری
- بانک خصوصی سالم: اقتصاد نوین، سامان، پاسارگاد، خاورمیانه، سینا و کارآفرین

۱۰-۱- تحلیل ترازنامه بانک‌های خصوصی سالم و ناسالم

بررسی دارایی‌های بانکی نشان می‌دهد در اسفند ۱۴۰۲ بانک‌های خصوصی ناسالم ۴۵ درصد و بانک‌های سالم ۵۵ درصد از دارایی بانک‌های خصوصی را در اختیار دارند. این رقم در پایان سال ۱۴۰۱ برای بانک‌های خصوصی ناسالم و سالم به ترتیب ۴۸ درصد و ۵۲ درصد بوده است. کاهش سهم بانک‌های ناسالم حاکی از موفقیت شیوه اجرای کنترل رشد ترازنامه توسط بانک مرکزی است.

نمودار ۱-۱: سهم هر بانک از دارایی بانک‌های خصوصی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲

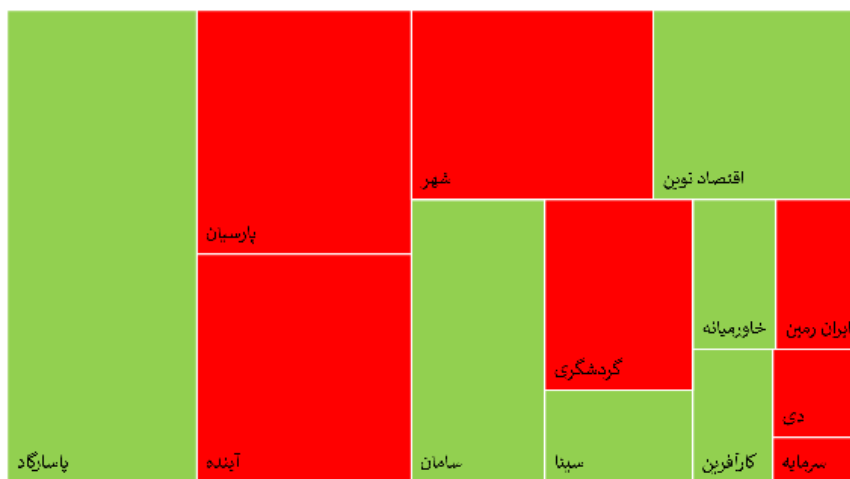


سهم از سپرده و سهم از تسهیلات هر یک از بانک‌ها در پایان سال ۱۴۰۲ در نمودار ۱۰-۲ و نمودار ۱۰-۳ نمایش داده شده است. بانک‌های خصوصی ناسالم ۵۰ درصد از سپرده و ۳۸ درصد از تسهیلات بانک‌های خصوصی را به خود اختصاص داده‌اند. این ارقام برای سال ۱۴۰۱ به ترتیب ۵۵ درصد و ۴۰ درصد بوده

که نشان می‌دهد سهم بانک‌های ناسالم هم از سپرده و هم از تسهیلات کاهش پیدا کرده، اما شدت این کاهش در سپرده بیشتر بوده است.

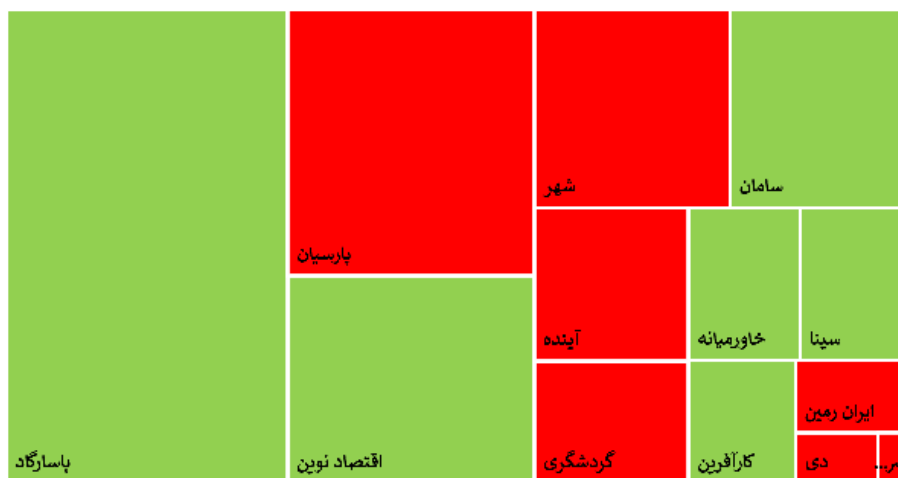
نکته حائز اهمیت دیگر سهم بالاتر بانک‌های خصوصی ناسالم در پرداخت تسهیلات کلان است. در اسفند ۱۴۰۲، ۴۳ درصد از تسهیلات کلان بانک‌های خصوصی توسط بانک‌های ناسالم و ۵۷ درصد توسط بانک‌های سالم پرداخت شده است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد بانک‌های ناسالم تنها ۳۸ درصد از کل تسهیلات بانک‌های خصوصی را به خود اختصاص داده‌اند. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد بانک‌های ناسالم بیش از بانک‌های سالم به پرداخت تسهیلات کلان می‌پردازند که احتمالاً به دلیل وام‌دهی ارتباطی باشد.

نمودار ۲-۱۰: سهم از سپرده



منبع: سایت کدال

نمودار ۳-۱۰: سهم از تسهیلات

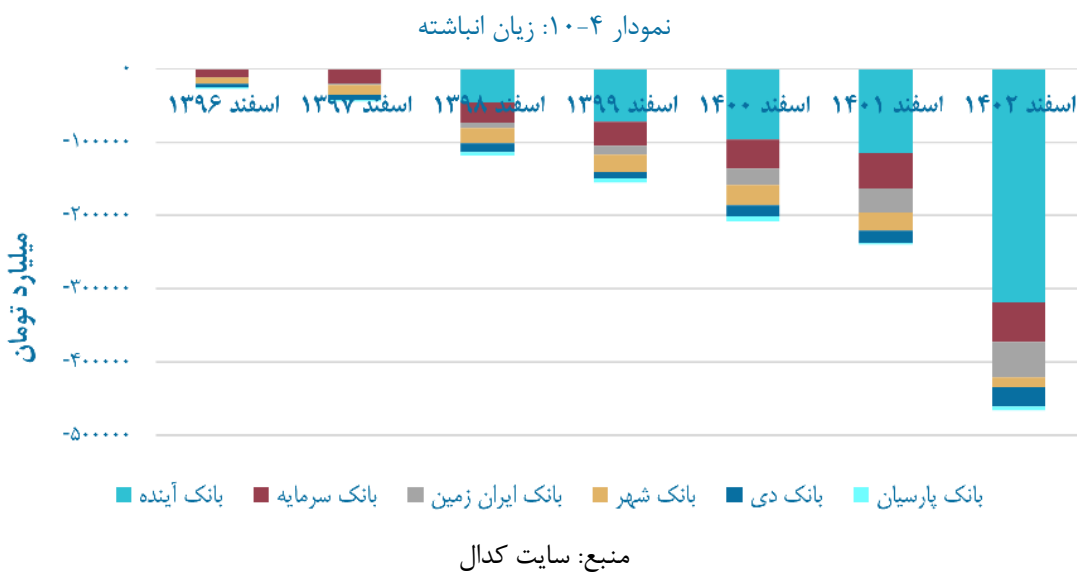


منبع: سایت کدال

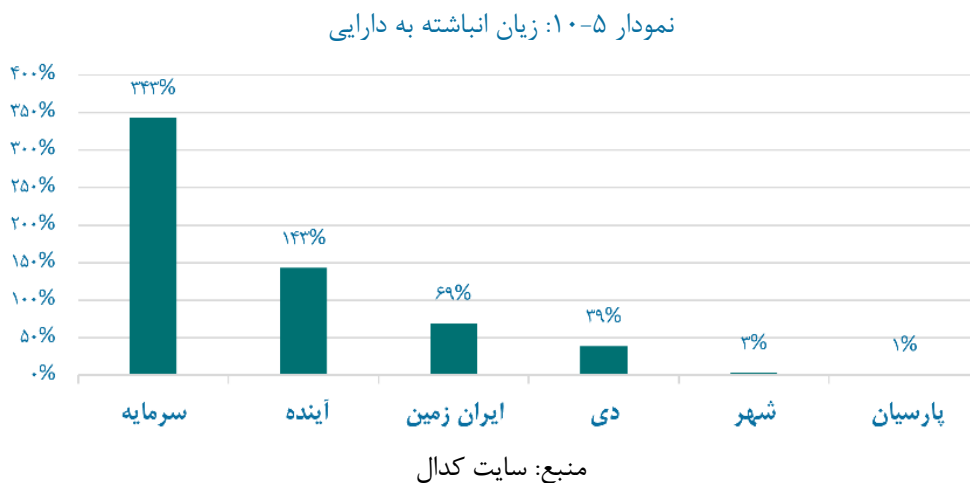


۲-۱۰- زیان انباشته

زیان انباشته بانک‌های خصوصی در اسفند ۱۴۰۲ معادل ۴۶۶ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ حدود ۲۲۶ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. بیشترین رقم زیان انباشته مربوط به بانک آینده است، به طوری که حدود ۶۸ درصد از زیان انباشته بانک‌های خصوصی (۳۱۸ هزار میلیارد تومان) مربوط به این بانک است. بانک‌های سرمایه، ایران زمین و دی به ترتیب با ۵۵، ۴۸ و ۲۷ هزار میلیارد تومان زیان انباشته در رتبه‌های بعدی قرار دارند.



بالاترین رقم زیان انباشته به دارایی مربوط به بانک سرمایه (۳۴۳ درصد) است. زیان انباشته در بانک سرمایه بیش از ۳ برابر کل دارایی این بانک است. بانک آینده با دارا بودن نسبت زیان انباشته به دارایی معادل ۱۴۳ درصد در رتبه دوم قرار دارد. در این دو بانک زیان انباشته در آن بیش از دارایی است. بانک ایران زمین و دی با نسبت زیان انباشته به دارایی معادل ۶۹ و ۳۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

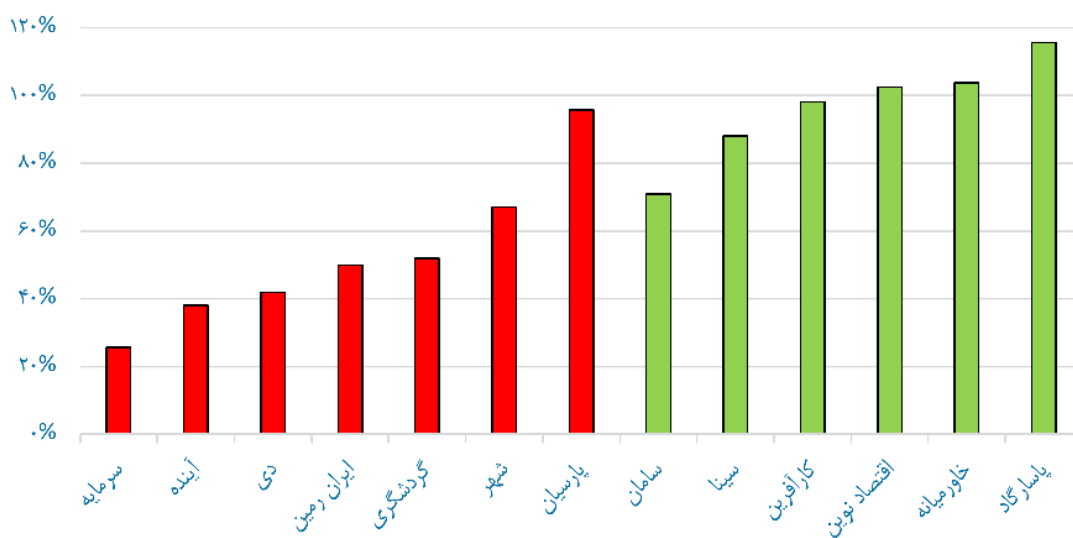


باید توجه داشت که داشتن زیان انباشته تنها وجه افتراق بانک‌های سالم و ناسالم نیست و بر اساس شاخص‌های مختلفی می‌توان رفتار متفاوت در این دو گروه بانکی را مشاهده کرد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۳-۱۰- نسبت تسهیلات به سپرده

در سال ۱۴۰۲، نسبت تسهیلات به خالص سپرده در بانک‌های خصوصی سالم ۱۰۱ درصد و در بانک‌های خصوصی ناسالم ۶۳ درصد بوده است؛ که نشان می‌دهد بانک‌های ناسالم نقش کم‌رنگ‌تری در تأمین مالی اقتصاد ایفا می‌کنند. بر اساس آخرین آمار منتشره بانک مرکزی در بهمن ۱۴۰۲، نسبت تسهیلات به خالص سپرده شبکه بانکی کشور ۹۵.۴ درصد بوده است. مشاهده می‌شود عملکرد بانک‌های خصوصی سالم نزدیک‌تر به متوسط شبکه بانکی کشور است.

نمودار ۶-۱۰: نسبت تسهیلات به خالص سپرده



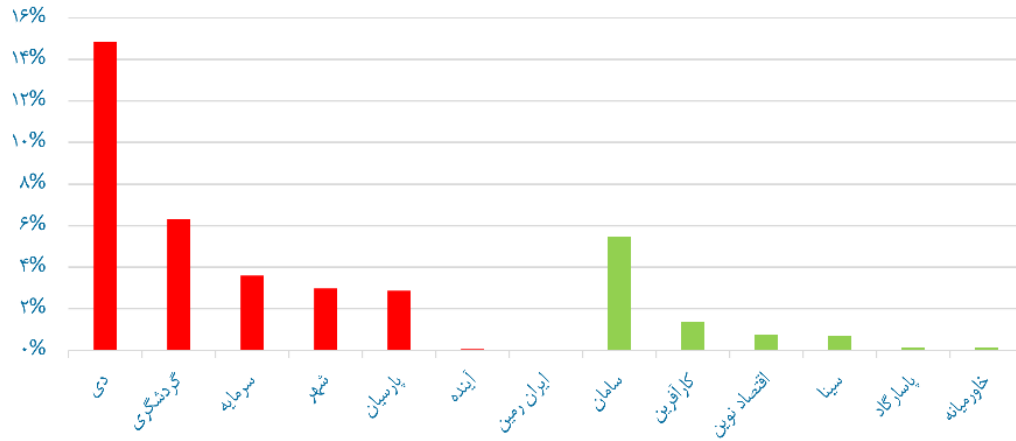
منبع: سایت کدال

۴-۱۰- مطالبات از شرکت‌های وابسته به خالص سپرده

در دو بانک ناسالم دی و گردشگری نسبت مطالبات از شرکت‌های وابسته به خالص سپرده به ترتیب ۱۴.۹ درصد و ۶.۳ درصد است که ارقام در خور توجهی است. مقایسه این اعداد با رقم ۴۲ و ۵۲ درصد نسبت تسهیلات به خالص سپرده نشان می‌دهد این دو بانک عمده منابع خود را در اختیار شرکت‌های وابسته قرار داده‌اند



نمودار ۷-۱۰: مطالبات از شرکت‌های وابسته به سپرده



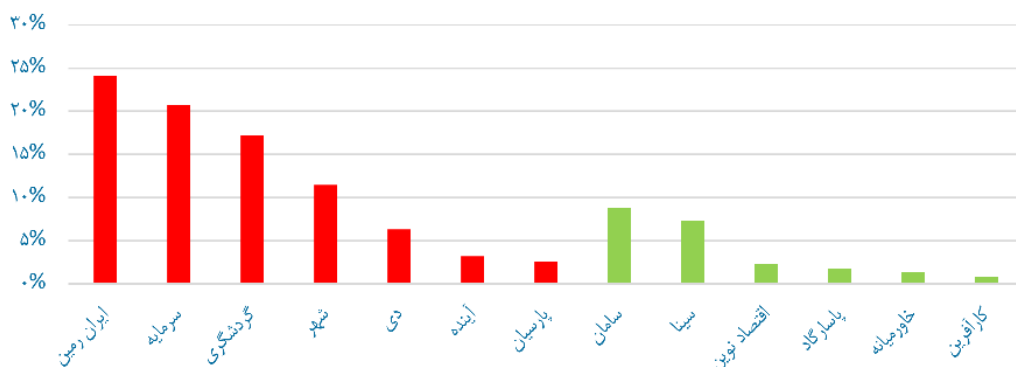
منبع: سایت کدال

۵-۱۰- نسبت سایر دارایی‌ها به کل دارایی بانک

در دو بانک ناسالم دی و گردشگری نسبت مطالبات از شرکت‌های وابسته به خالص سپرده به ترتیب ۱۴.۹ درصد و ۶.۳ درصد است که ارقام در خور توجهی است. مقایسه این اعداد با رقم ۴۲ و ۵۲ درصد نسبت تسهیلات به خالص سپرده نشان می‌دهد این دو بانک عمده منابع خود را در اختیار شرکت‌های وابسته قرار داده‌اند

بانک‌های خصوصی ناسالم سهم بیشتری از سبد دارایی خود را به سایر دارایی‌ها اختصاص داده‌اند که حاکی از عملکرد غیرشفاف آنها است. در بانک ایران زمین ۲۴ درصد از دارایی‌ها در سرفصل سایر دارایی‌ها قرار می‌گیرد.

نمودار ۸-۱۰: سایر دارایی‌ها به کل دارایی بانک

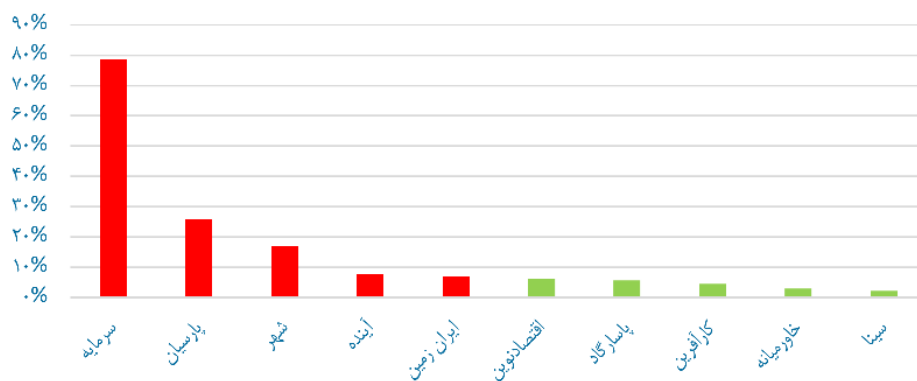


منبع: سایت کدال

۱۰-۶- نسبت مطالبات غیر جاری

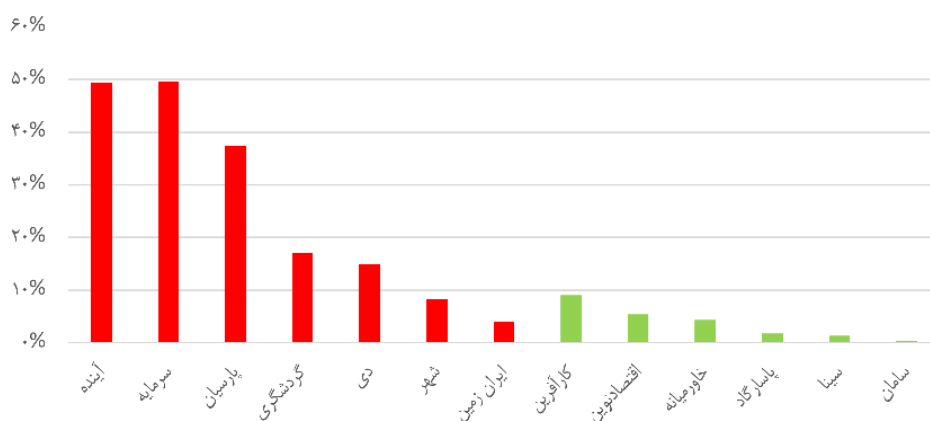
آخرین رقم منتشره مربوط به نسبت مطالبات غیر جاری مربوط به سال ۱۴۰۱ است که با استفاده از داده‌های موسسه عالی بانکدای به دست می‌آید. بر اساس این مجموعه داده، نسبت مطالبات غیر جاری در بانک سرمایه، پارسیان و شهر به ترتیب ۷۹ درصد، ۲۶ درصد و ۱۷ درصد است.

نمودار ۹-۱۰: نسبت مطالبات غیر جاری (سال ۱۴۰۱)



منبع: موسسه عالی بانکداری

نمودار ۱۰-۱۰: نسبت مطالبات غیر جاری کلان (سال ۱۴۰۲)



منبع: بانک مرکزی

بررسی نسبت مطالبات غیر جاری کلان در اسفند ۱۴۰۲ نیز نشان می‌دهد که این نسبت در بانک‌های خصوصی ناسالم بیش از بانک‌های خصوصی سالم است. این نسبت در بانک آینده و سرمایه حدود ۵۰ درصد و در بانک پارسیان ۳۷ درصد است.



۱۱- جمع بندی

در این بخش بانک‌های خصوصی که دارای زیان یا اضافه برداشت هستند تحت عنوان بانک ناسالم در نظر گرفته شده و سایر بانک‌های خصوصی در دسته سالم قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تفاوت دو گروه مذکور تنها در داشتن یا نداشتن ناترازی خلاصه نمی‌شود و از حیث سلامت در شاخص‌های مختلف نیز بسیار متفاوت هستند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در نظر گرفتن رشد ترازنامه متفاوت توسط بانک مرکزی برای بانک‌ها سبب شده رشد ترازنامه بانک‌های ناسالم کمتر از بانک‌های سالم باشد و از این جهت بانک مرکزی عملکرد موفق‌تری داشته است. با این حال فرآیند زیان‌دهی بانک‌های ناسالم به شدت در حال افزایش است، به طوری که در سال ۱۴۰۲ زیان انباشته این بانک‌ها نسبت به سال قبل ۱۰۶ درصد افزایش داشته است.

نتایج نشان می‌دهد نسبت تسهیلات به خالص سپرده در بانک‌های خصوصی ناسالم به مراتب کمتر از بانک‌های خصوصی سالم است که نشان می‌دهد بانک‌های ناسالم در تأمین مالی اقتصاد چندان فعال نیستند. بانک‌های خصوصی ناسالم در حالی که ۳۸ درصد از کل تسهیلات بخش خصوصی را به خود اختصاص داده‌اند، ۴۳ درصد از تسهیلات کلان بانک‌های خصوصی را پرداخت کرده‌اند که نشان می‌دهد این بانک‌ها بیش از بانک‌های سالم تسهیلات کلان می‌پردازند.

نکته مهم دیگر سهم بالاتر نسبت مطالبات غیرجاری در بانک‌های خصوصی ناسالم است. بانک‌های ناسالم از یک سو تسهیلات کمتری می‌پردازند و از سوی دیگر تسهیلات پرداختی آنها نرخ نکول بالاتری دارد. این شواهد نشان می‌دهد که احتمالاً بانک‌های ناسالم به تأمین مالی مشتریان مرتبط با خود می‌پردازند و بدین جهت به ملاحظات اعتبارسنجی مشتری توجه کمتری دارند.